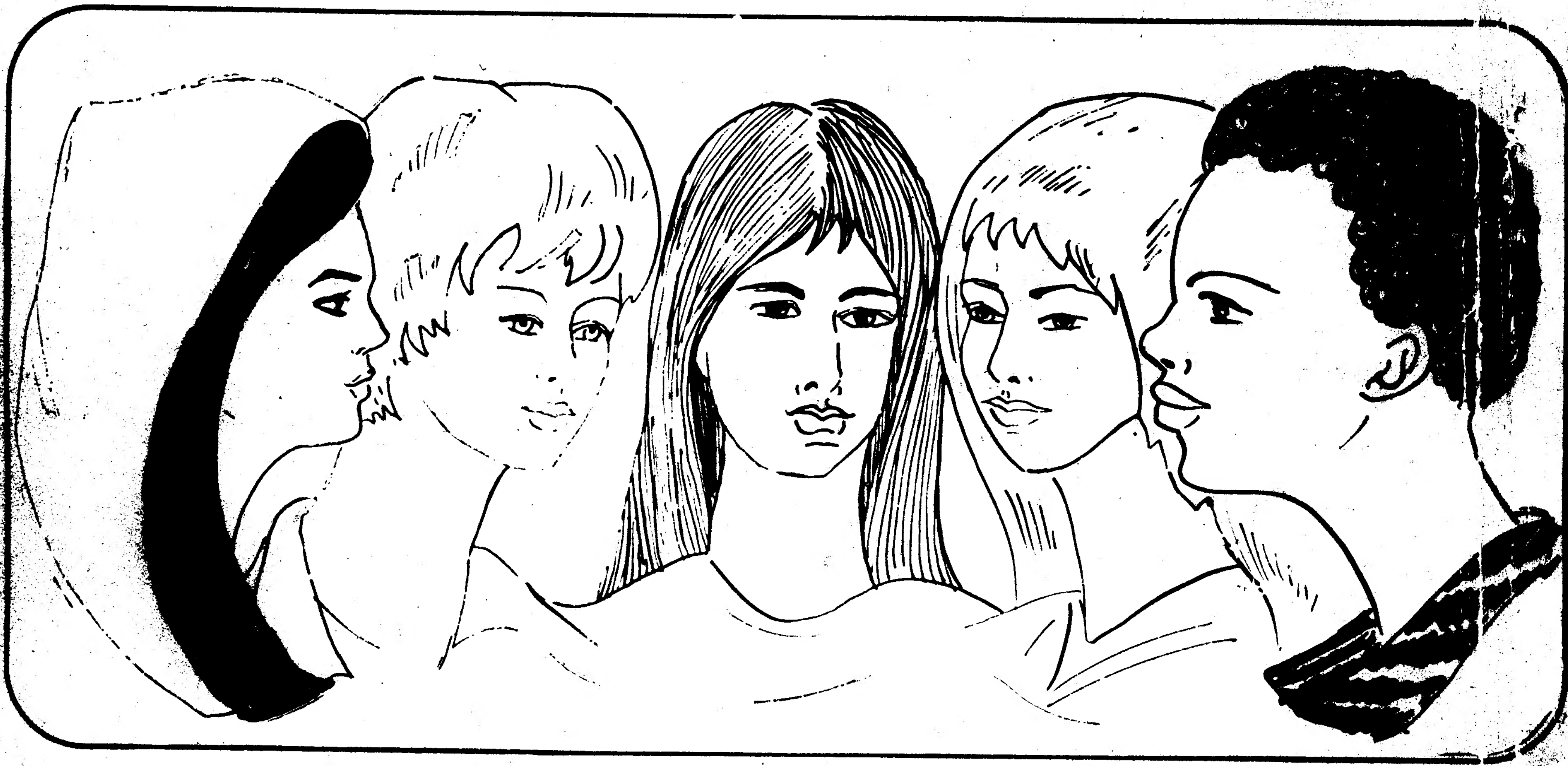
جنبش

دموکراتیک بین المللی زنان

درمرحلهٔ کنونی

مؤلف : نیلوفر





دکتور انا هیتا راتب زادرئیس‌ومو سس ساز مان رز منــدهٔدمو کراتیک زنان افغا نستان



جنبش
دموکراتیک بین المللی زنان
درمرحلهٔ کنونی

مؤلف : نیلوفر

فهرست مضامین



پیشگفتار

رساله کنونی تحت عنوان «جنبش دموکراتیک بین المللی زنان درمرحله کنونی» نخستین اثر زبان دری است که ضمن آن وضع زنان در جهان مورد تحلیل قرار گرفته ، حل مسأله زن درکشورهای مترقی، شرایط دشوار کاروزندگی زنان درکشور های سرمایه داری، پیکار رهایی بخش زنان کشور های نو به استقلال رسیده ودرحال رشد، سهم بزرگ آنان درمبارزه به خاطر صلح ، ترقی اجتماعی ، دموکراسی وآینده مسعود کودکان برمبنای ارقام وفاکتها به طور همه جانبه ارزیابی گردیده است .

محتویات این کتاب رامسایل مبرم ودردستور روز مرحله کنونی پروسه انقلابی جهانی یعنی پرابلمهای مربوط به عنصر متشکله این روند ، جنبش دموکراتیک بین المللی زنان تشکیل می دهد.

یکی از مشخصات دوران ما ارتقای نقش جنبش دموکراتیک بین المللی زنان درجنبش خلقها به خاطر زندگی بهتر، صلح ورفاه محسوب میگردد که این پدیده خودزائیده تغییر چهره سیاسی جهان یعنی ایجاد سیستم جهانی سو سیالیستی ، وپیرو زیهای پی هم جنبش طبقه کارگر ونیرومندی موج جنبش آزاد یبخش ملی میباشد .

یك ثلث نعم مادی جهان بادستهای ظریف زنان ایجاد می گردد .
نقش آنان درامر تکامل فرهنگ پربهاووزین است .

ولی تناسب سهم گیری آنان درحیات اجتماعی همگون نیست وقبل ازهمه بنظم اجتماعی ، میزان رشد اقتصادی، ،سیاسی وفرهنگی کشور های مختلف بستگی دارد.

زنان درکشور های پیشرو جهان آنجاکه از تبعیض و استثمار اثری نیست عضو مساوی الحقوق جامعه بوده درکلیه بخشهای حیات اجتماعی فعالانه سهم گرفته ازامکانات وسیع جهت تلفیق درست وظایف اجتماعی ومادی برخورد ارند وخلاقانه دراعمار زندگی نوین شرکت می ورزند .
مثال زن آزادشوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی انگیزه نیرومندزنان در مبارزه به خاطر رهایی کامل وتا مین حقوق مساوی به حساب میرود.
درکشور های سرمایه داری حقـوق وآزادی های زنان فقط در چـو کات قانون وجود دارد .
ولی در عمل جهان ازاد بهترین نمونه بهره کشی ومحرومیت زنان است .
جنبش زنان زحمتکش این کشورها به خاطر تامین برابری با مرد جـــزء مسأله جنبش های کارگری ودمـوکراتیک بوده به آن پیوند ارگا نیـك دارد .

یکی از مسایل حاد روند انقلا بی در کشور های نوبه استقلال رسیده راحل مسأله زن ، جلب توده هـای وسیع زنان به پروسه تولید اجتماعی ارتقای سطح آگاهی ودرجه تخصص وبهبود شرایط کار و زندگی آنــــان تشکیل میدهد .خلق های این کشورها منجمله زنان به خاطر مقاطعه بـا بقایای شوم تسلط نظا مهای استعماری و امپریا لیستی ، رشد اقتصادی و فرهنگی بی امان میرزمند .

جنبش جهانی دمو کرا تیك زنان که موضوع این کتاب است عنصـر لاینفك جنبش کارگری و نهضــــت رهایی بخش ملی میباشد.

فدرا سیون دمو کراتیك بین المللی زنان به مثابه گردان متشکل کننده توده های ملیونی زنان جهان صرف نظر ازعقاید سیاسی، مذهبی، نژادی و لسانی در سال ۱۹۴۵ ایجـــادگردید .

و انعکاس دهنده خواستها وآرمان های دیرینه زنان بوده بر مبنـــای پرو گرام و اساسنامه دمو کرا تیـك خویش زنان جهان را در مبارزه به خاطر تامین برابری زن بامرد، استقلال ملی ، صلح و دمو کراسی بسیـــج میسازد و معتقد است که پیکار به خاطر مساله زنان با مبـارزه درراه استقلال ملی ، ترقی اجتماعی ومحوقطعـی کابـو س جنگ پیوند نـ گسستنی دارد .

قبل از ایجاد فدرا سیون دمو کراتیك بین المللی زنان یك تعداد ساز مـا نـهـای د یگـر زنـان در ا خیـر قر ن ۱۹ وآغاز قـرن

۲۰ وجود داشته اند ولی این ساز مانها ، زنان اشراف و متمو ل رادر صفوف خود گردآورده تلاش میورز یدند تاحل مسأله‌زن رادر چوکات‌نظم سرمایه داری امکان پذیر جلـــوه‌دهند .

به طور مثال شورای بین المللی‌زنان ، اتحادیه زنان به خاطر حقوق و وظایف مساوی ، اتحا دیه جهانی‌ساز مانهای زنان کاتولیك ، لیگـــك بین المللی زنان به خاطر صلـــح وآزادی. این سازما نها بنابر ماهیت خویش نمی توانستند توده هـــــای‌وسیع زنان را در صفوف خو یشس بسیج نمایند .

فدرا سیون دمو کراتیك بین‌المللی‌زنان اولین ساز مان دمو کراتیـــك متشکل و وسیع زنان است‌که مرکب‌از (۱۲۹) ساز مان از (۱۱٤) کشور جهان مـــی بـا شد و در طـــول‌بـیـشـــس ا ز « ۳ ۵ « ســـا ل‌در پیشما پیش جنبش دمو کراتیك بین المللی زنان قرارداشته است. فدرا سیون مبارزات‌گسترده ودمو کراتیك‌زنان را به خاطر تامین مسا وات ، صلح ، دموکراسی ، ترقی‌اجتماعی‌وسعادت کود کان رهبری نموده بـــا ساز مانهای جوانان ، اتحادیه هـــای‌صنفی ، جنبش هوا داران صلح‌و اتحادیه های زنان همکاری مستقیـم‌دارد .

در شورای اقتصادی و اجتما عی‌سازمان ملل‌متحدموقف مشورتی‌درجه اول ودر شورای یونسکو ویونیسف‌موقف درجه دوم را حایز است .

سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان عضو فعال فدرا سیون دمو-کراتیك بین المللی زنان بوده درتمام‌تدابیر و اقداما ت آن سهـــم فعـــال دارد .

انقلاب ثور و بویژه مرحله نویـــن‌تکاملی آن افقهای وسیعی را دربرابر زنان زحمتکش کشور محبوب مـــا گشوده برای اولین بار حمایه از زن به مثابه‌مادر وتبعه زحمتکش درسطح‌سیاست دولت مطرح گردیده و در اصول اساسی ج.د.ا تصریح شده‌است : علی الرغم دسا یسس و فتنه گریهای ارتجاع داخلی و خارجی وکوههایی از دشوار یهای اقتصادی‌و اجتماعی که‌ازگذشته برای‌ما بمیراث‌مانده است حزب دمو کراتیك خلـــق افغا نستان و دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان تدابیر عملـــی جهت تامین اشتراك فعالانه همـــه‌جانبه زنان در زندگی اجتما عی و اقتصادی کشور و سهم خلاق آنا ن‌در اعمار جامعه عادلانه نوین وتغییر بنیادی وضع زنان را همین اکنـــون‌بروی دست دارد.

همچنان درین رساله فعالیت های س . د. .ز. ا. اهداف و وظایف آن در مرحله حساس و تاریخی کنو نی انعکاس همه جانبه یافته است .

ساز مان دمو کراتیك زنان کـــه گروپهای وسیع زنان کشور ما را در صفوف رزمنده خویش متشکل سا خته است از سیاست حزب و دولت ما پشتیبانی عمیق و قاطعا نه نموده در راه انجام وظایفی که حزب در برابر مردم و منجمله زنان ما قرارمیدهد با همه نیرو و انرژی تـــلاش میورزد وزنان را باروحیه عالی احساس مسوولیت در برابر وطن پرافتخـار مـا، احترام به میراث فرهنگی وسنن و عنعنات پسندیده مردم ما پرورش نموده شرکت فعال آنان را در امر دفاع از فرایند انقلابی کشور ماتامین نموده ودرتحقق پرو گرامهای وسیع دولت انقلابی ما به خاطر بهبـــــود شرایط زندگی زحمت کشان ، رشداقتصاد ملی ، طرد عقب ماند گی و شگوفانی میهن آزاده ما اشتـــرا ك وسیع می ورزد .

پر معلوم است کــه این رسالــه مورد علاقمندی فراوان خوا ننـدـ گان قرار گرفته و در امر پرورش سیاسی وارتقای سطح آگاهی توده ـ های زن نقش ارزنده و پرا همیتی را ایفا خواهد کرد .

خواندن ایـن کتاب رابـه همـه دوستان ، اعضای س.د.ز. افغانستان و روشندل وطن توصیه مینماییم .

به امید مو فقیت های بعدی مولف در زمینه تهیه و نگارش چنین آثـار مفید و پر ارزش .

دوکتور انا هیتا راتب زاد
رئیس س .د .ز . افغا نستان

* * *

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان بمثابهٔ یگانه سازمان وسیع و کتلوی زنان جهان

مشخصه عمده‌جنبش زن رادرشرایط کنونی‌سهم هرچه فعالترآن در پیکارو جنبش عمومی خلقهای جهان بخاطر صلح ، دموکراسی‌وترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد . این جنبش جزء ارگانیك جبههٔ وسیع ضد امپریالیستی محسوب می گرددودرنبردعادلانه‌بخاطر تحکیم صلح ، تشنج زدائی ، خلع سلاح ، دیتانت‌وتامین امنیت دسته جمعی خلقها سهم ارزشمندی را دارا می باشد .

زیرا زنان جهان‌بخوبی تشخیص داده اندکه در کشور های سرمایه داری و درحال رشد، تأمین برابری در همه ساحات زندگی و ایجادشرایط مساعد جهت رشد سالم وهمه‌جانبه کودکان این وارثین آیندهٔ بشریت و تامین‌دوران سرشار و مسعود کودکی برای آنان بااین مبارزهٔ عادلانه پیوند ناگسستنی‌دارد.

باید متذکر شد که قبل از جنگ دوم‌جهانی‌در هیچ کشوری سازمان وسیع تـــوده‌ای دموکراتیك زنان وجود نداشته است .

تنها سازمانهای فی منستی جداگانهٔ‌بین المللی فعالیت داشتند که بنابر موجودیت وجوه مشترك درحرفه ومسلك، عقاید مذهبی ومشخصات مشترك دیگرزنان رابسیج میساختند. تعداد چنین سازمانها خیلی محدود بـوده‌عمدتا تلاش داشتند تا زنان را از مسائـل سیاسی و مبارزهٔ خلقها بخاطر آزادی های دموکراتیك و مساوات بدور نگهدارد . ولی در ایام جنگ دوم جهانی اکثریت ایـــــن‌سازمانها منحل گردیدند . زیـــرا منعکس کنندهٔ خواستها و آرمانهای زنان نبودند واز طرف توده های وسیع زنان زحمتکش پشتیبانی نمی شدند . وزن مورالی معنوی‌وسیاسی این سازمانها خیلی ناچیز بود .

در سالهای جنگ دوم جهانی زنان‌همدوش‌وهم پا با مردان علیه اشغالگران و آدمکشان فاشیست بی امان و قهرمانانه جنگیدند.آنان‌در جنبشهای مقاومت وپارتیزانی نقش‌ارزندهٔ

را ایفا نمودند . تاریخ جنبش مقا ومت ضدفاشیستی نامهای چون دانیل کا زانـــوا ، ژیلبرت ، البریخت از کشور فـــرانسه ،مارگیریت ، فانده ، گانا از پو لیند، ایلنا، لی‌لی ، اپستولو از کشور یونـــان ، آده ،کیتچوا ، پانیك از رو مانـــیه ، سمینوا ، پیسکوا از کشور بلغاریا ، زویا کو سمـــود یانسکا یا، لیزا ، گرا موا از کشورشورا هارا برای همیشه با خطزرین در قلب خـــودحك نموده است .

همچنان زنان کشور های آسیائی‌نیز فعالانه‌در پیکار مردمـــی ضد ملیتاریستی و ضد کلمونیا لیستی شرکت و رزیده اند . بطـورمثال زنان چین علیه اشغالگران جا پا نـــی دست به اسلحه برده و مر دانه جنگیـــده‌اند . زنان و یتنام علیه استعمار گـــرا ن فرانسوی وامریکائی ، همچنان ز نان کو ریاعلیه اشغالگران جاپانی بپاخاستـــه انـــد.

در پیشاپیش مبارزۀ ضد فاشیستی ز نان‌جهان بخاطر دمو کراسی و ترقی ، ز نـــان کشور شورا ها قرار داشته است . نقش‌آنان‌در پیکار پیروز مند و قهر ما نانه خـــلق شوروی بخاطر سر کوب فاشیزم هیتلری وملیتاریزم جاپان سترگ و بی نظیر است .

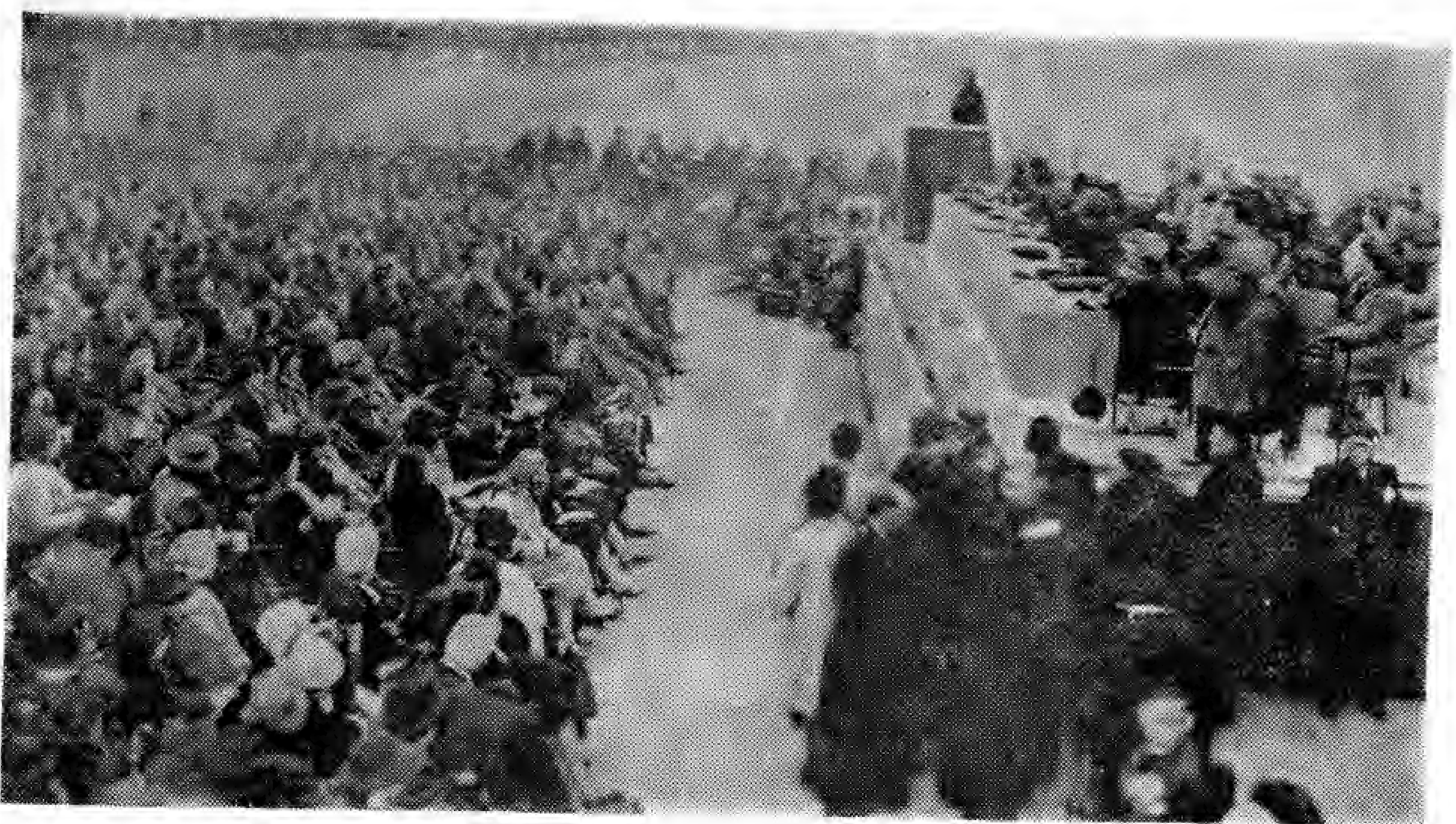
در اولین میتنگ ضد فاشیستی ز نان‌شوروی‌که در سپتمبر ۱۹۴۱ دائر گردیده بود ، پیام به زنان جهان تصویب گردید. ضمن این پیام زنان شوروی همۀ ز نان جهان را صرف نظر از عقاید سیاسی ، مذهبی ، مو قـــف‌اجتماعی، تعلقات قومی و قبیلوی مخاطب‌قرار داده از آنان د عوت بعمل آوردند تا در برابرتمدن و سر نوشت بشریت ، در برابرآزادی وسرنوشت اطفال شان بی تفاوت نمانده‌علیه‌فاشیزم خون آ شام هیتلری بی امان پیکـــار کنند.

مبارزات ز نان همز مان با تکا مل جـنبش‌رهائی بخش خلقها ر شد و توسعه یـــا فته در شراره های آتش جنگ دوم جهانی درکوره‌های سوزان جنبش مقاومت ضد فاشیستـــی سازمان های جدیدزنان زاییده شدند که توحیدو تشکل ز نان را در پیکار همگانی علیـــه اشغالگران خارجی شعار خود قرار دادند.

بعد از در هم شکستن فاشیزم تـــو سط‌اردوی نجات بخش سرخ شوروی ا یجـــاد سیستم جهانی سوسیالیستی ، رشد و نیرومندی جنبش های رهائی بخش ملی خلقهای آسیا، افریقا وامریکای لاتین نیرومندی ووسعت‌دامنۀ جنبش کـــارگـــری شـــرایـــط مساعـــد جهت مبارزات بعدی آ زادی خوا هی وانقلابی‌خلق‌های جهان تا مین شد .

در چنین شرایطی امکانات جدید و کیفی‌جهت تحکیم و تشکل ساز مانی و و حد ت زنان دموکرات کشور های مختلـــف جهت حل‌پرابلم های جدید پدید آمد .

این اهداف عبارت بودند از : تلاش‌مشترك‌زنان دموکرات در مبارزه بخاطر جلو گیـــری بروز مجدد جنگ واحیای فاشیزم ، بخـــاطرصلح و تحکیم دو ستی بین خلقها، بخاطـــر آزادی ، دمو کراسی ، برابری ا قتصادی ،سیاسی واجتماعی ز نان ، بخاطر آ یـــنده مسعود کودکان .



نمایی از اولین کنگره تاریخی زنان که بتاریخ ۲۶ نوامبر ۱۳۴۵ درپاریس گشایش یافت .

او لین کنگرس جهانی ز نان بتاریـــخ۲٦ نوامبر سال ۱۹٤٥ در پاریس کار خویش را آغاز کرد .

شرکت کنندگان این کرد هم آ ئی باشکوه‌عمدتا از سازمانهای نمایندگی می کردند که در آتش و شعله های جنگ در مبارزه علیه‌فاشیزم هتلری بوجود آ مده بودند . دربین زنان چهره های بر جسته جنبش‌انتی‌فاشیستی‌مادران ، خوا هران و بیوه های قر بانیان جنگ امپریالیستی ، کسانیکه دو ستان ،نزدیکان و عزیزان خویش را از دست دا ده وهستی های ملی شان با پاشنه های جلادان‌هیتلری لگد مال گردیده بود ، شرکت‌ورزیده بودند . اشتراك کنندگان کنگرس در برا بر‌بشریت تعهد سپردند که بخاطر تحکیم‌صلح، پشتیبانی از جنبش های ر هائی بخش ملی‌وتامین حقـوق مساوی برای زنان و سعـادت کودکان ، به پیکار دامنه دار و خستگی‌ناپذیردست زنند واز همه زنان جهان دعوت بعمل آوردند تا جهت تحقق این آر مان مقدس‌بسیج‌شوند .



اوژنی کوتون شخصیت برجسته اجتماعی فرانسه واولین رئیس فدراسیون دموکـراتیك بین المللی ژنان .

بتاریخ اول دسامبر ۱۹۴۵ کنگرس سندی‌را بتصویب رسانید که براساس‌آن‌فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ایجاد گردید .ودر راس آن مبارز آتشین جنبش مقاومت ضد فاشیستی ، شخصیت بر جسته‌اجتماعی‌نمایندهٔ اتحادیهٔ زنان فرانسه اوژنی کوتون برگزیده شد و تاسال ۱۹۶۷ بحیث پریزیدنت‌فدراسیون ایفای وظیفه نمود . او همهٔ‌زندگی خویش را وقف مبارزه بخاطر امر صلـــح ،ترقی اجتماعی نموده و بطور خستگی نا پذیر همه نیرو وانرژی خویش را سخا و تمندانه‌در خدمت جنبش دمو کراتیک بین المللی‌زنان گذاشت .

از ســـال ۱۹۶۹ تا ســـال ۱۹۷۴ رئیس‌فدراسیون شخصیت بر جستهٔ اجتماعی‌کشور فنلند عضو هیئت رئیسه شورای صلح‌جهانی‌ومبارز استوار جنبش دمو کراتیک بین‌المللی



هیرته کوسی نین شخصیت برجسته اجتماعی‌فنلند ، دومین رئیس فدراسیون دموکـــراتیک بین المللی زنان .

زنان هیرته کوسی نبن بوده است و از آن‌تاریخ تاامروز فریده براوون از کشوراطریش ریاست فدراسیون را بعهده دارد .



فریده براوون سومین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان که تاکنون ریاست فدراسیون را بعهده دارد .

عالیترین مقام فدراسیون کانگرس آن میباشدکه هر پنج سال یکبار دایر می گردد . کانگرس رئیس فدراسیون را انتخاب وپروگرام فعالیتهای فدراسیون را تصویب نموده و جهات فعالیت های بعدی آن‌راتعیین می‌کند وهمچنان شورای اجرائیه از طرف کانگرس انتخاب می شود که د رفاصله بین دو کنگرس از امور فد را سیون وارسی می نماید . شورای ر هبری‌فدراسیون هر دو سال یکبار جلسه می نماید ومشتمل بر نمایندگان همه ساز مانهای محلی ز نان‌است که افتخار عضویت فد راسیون را دارا می باشد .

تصامیم و فیصله های شورا را بورو درعمل پیاده می نماید که مر کب است از : پریزیدنت، معاونین ، جنرال سکر تر ودیگراعضا که از طرف شورا انتخاب می گر دد. ارگان اجرائیـــه فدراسیون را دارالانشـاءتشکیل میدهد . اعضای دارالانشـاء عبـارت انداز : جنرال سکتر، سکرترهاومسوول مالی .

ارگان نشراتـــی فـدراسیون مجلـــه زنان‌جهان و بو لتن اطلاعاتی است .

اگر تاریخ مبارزات فد راسیون را و رق‌زنیم ، یکبار دیگر معتقد خواهیم شد که همه فعالیت ها و عملکرد این ساز مان در جهـت‌دفاع از منافع ز نان و کودکان و تا مین‌آیندۀ صلح آمیز برای آ نان بوده است .

فدراسیون که به ابتکار ساز مانهای مترقی‌زنان کشور های مختلـــف ایجـاد شـده بـه اثبات رسانید که مبارزه بخاطر تحکیم‌مواضع‌صلح ، آ زادی ، دمو کراسی و استقـلال ملی با پیکار بخاطر حل پرابلم های اجتماعی‌زنان پیوند نا گسستنی دارد .

از همان بدو تاسیس فد راسیون بـطوردوامدار نه تنها بخاطر تا مین حقوق مساوی برای ز نان مبارزه می نماید بلکه بعـــد ازتحلیل عمیق از و ضع زنان وشرایط مشخص هر کشـــور ، پروگـــرامهای عملی و مشخص‌را در جهت تجهیز و جلب پشتیبانی حلـقه های اجتماعی طرح ریزی می کند .

در طول حیات پر تپش خویش فد راسیون‌دمو کراتیك بین المللی ز نان توانسته‌است توده های ملیونی زن را صرف‌نظر ازوابستگی‌های نژادی ، لسانی ، ملیت ، عقاید مذهبی وسیاسی در صفوف خویش بسیج سا زد ،ودر و جود آ نان ایمان به فر دای صلح‌آمیز و عادلانه را ایجاد نمـــوده و زنان را کمـك‌نماید تـــا جـــای خـویش را د ر جامعـــــه و در جنبش خلقهــــا بخاطـــر صلـــح ، دمو کراسی و تر قی اجتماعی باز یابند .

در اکتوبر سال جاری جهان شا هد حا دثه‌عظیم و پرا همیتی خواهد بود . هشتمیـــن کنگرۀ متناوب جهانی زنان در پراگ پایتخت‌کشور چکو سلواکیا گشایش خوا هد یافت. در آستانۀ چنین حادثۀ پر ا همیت لازم‌است‌تابه پس منظر تاریخی تدویر چنین کنگـــره ها بر گردیم ، آ نگاه فعالیت خستگی نا پذیرو بارور فد راسیون دمو کراتیك بین المللی زنان که همپا با دیگر سازمانهای بین المللی‌یکی از مبتکرین بر گزاری چنین گرد همآیی‌ها می باشد ، برو شنی در برابر مان تر سیـــم‌خواهد شد .

تدویرکنگره های جهانی زنان نقش بااهمیتی‌را در تکامل وتعمیـ ق پرو سه‌جنبش‌دموکراتیك جهانی زنان داشته است .

طی این گرد هم آیی ها ز نان از زوایاونقاط مختلف جهان گرد آمده مسائل مبرم روز وپرابلم های حادجنبش خلقها رابخاطر صلح،دموکراسی و ترقی اجتماعی ارزیابی مینماید. این کنگره ها پرو گرام مشخص عملکردساز مانهای ملی ز نان کشور های مختلف و

خطوط اساسی فعالیت های آ نان را در جهت‌مبارزه بخاطر تأمین حقوق مساوی بامرد وحمایهٔ مادر و طفل معین میسازد .

چگونه این کنگره ها بو جود آ مدند و چه‌نقشی را در تشکل توده های زن داشته اند ؟ وچطور فعالیت آنان را در جهت تأمین آیندهٔمسعود برای کو دکان و نسلهای آ ینده مسیر بخشیده اند ؟

در ماه جون ۱۹٤٥ در جریان کار کنگــرهٔاتحادیهٔ ز نان فرانسه ، مادام او ژنی‌کوتون رئیس ا تحادیه ز نان فرانسه ، شخصیــت‌برجسته جا معهٔ فرانسه و جنبش مقا و مــت ضد فاشیستی ، اندیشه تو حید و تشکـــل‌زنان جهان را دریك ساز مان واحد بین‌المللی مطرح سا خت .

شرکت کنندگان ونمایندگان‌کنگره ومهمانان‌از کشورهای اتحاد شوروی، بریتانیا،اسپانیا، بلژیك ، چکو سلواکیا ، یو گو سلا و یــاوچین پشتیبانی خو یش را ازین پیشنهـاد اعلام داشتند و کمیته تدارك و بر گزا ر ی‌او لین کنگره جهانی ز نان ایجاد گر دید که متشکل بود از نمایــنـدگان هشت کشور :فرانسه ، اتحاد شوروی ، انگلستان، بلژیك، چین ، چکو سلواکیا ، یو گو سلاویا وایتالیا.

طرح تدویر کنگره جهانی ز نان وایجـادفدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نــان در بین توده های ز نان انعکاس و سیـــع‌داشت .

کمیته تدارك و بر گزاری او لین کنگره‌جهانی ز نان طی سه بار جلسات خـــو یش طرح سا ختار تشکیلاتی و بر نامهٔ فدراسیون‌را تدوین نمود .

بتاریخ ۲٦ نوامبر سال ۱۹٤٥ در پاریس‌او لین کنگره جهانی ز نان گشایش یا فــت هشتصدو پنجاه نما ینده و مهمان از چهل‌کشور ارو پا ، آسیا ، امریکای لا تیـــن ، استرالیا که از یکصدو هشتاد ساز مان ملی‌زنان کشورهای مختلف نمایندگی می کردند در کار کنگره اشتراك و رزیده بودند .

در سالون دوستی شهــر پــاریس ز نــان‌بارنگهای مختلف ، فرستا دگان زنان امریکا، هندوستان ، چین ، مصر و دیگران حا ضربودند . وبافر یاد طو فانزای خویش صدای ملیونها زن کارگر ، رنجبر ، دانشمند،داکتر،زنان خانه، دادگر ،فروشنده واهل کسبه‌را به گوش جهانیان ر سانیدند .

اکثر شر کت کنندگان کنگره نشا نهـای‌فراوانی که سمبول تقدیر بشریت از شرکت حماسه آ فرین آ نان در جنبش مقا و مـــت‌و رهائی بخش ضد فاشیستی است بر سینه داشتند .

اوژنی‌کو تون‌رئیس‌کمیته موقت تدارك وتدویرکنگره جهانی ز نان در حالیکه او لین‌کنگره بین‌المللی ز نان را می گشود چنین بیـــان‌داشت :

شعله احساس واحدی سرا پای همهٔ ما رامی سو زاند .بیاد آ ورید قربانیان ما را ، مجروحین‌ومعیوبین مارا، آنانی‌راکه‌سعادت‌وآیندهٔ‌خویش را جا ویدانه در پای بشریت ر یخته اند .

بیائید دو ستان تابخاطر بزرگـــدا شت‌قهـرمانی هــای آنــان بپــا خیزیــم و سکوت اختیار نمائیم ، بیائید به خون قر بانیان راه‌آزادی بشریت از چنگال فاشیزم سو گنـد یاد نمائیم که بخاطر ایجاد و اعمار د نیای‌جدید و زیبا مانند مشت پولادین یکپــارچـه می شویم .

کلیهٔ نمایندگان کنگره از قهر مانیها و حماسه آ فرینی های زنان کشور های شان سخن پرداختنــد و نقش پــر ارج آنــان را در شرایط داغ واستوار جبهه تر سیم نمودند. از زن ، از رزمندگی های او ، از ا حساس‌وعشق پر شورش نسبت به کودك و آیـــندهٔ کودکش ، از نیرو و توانائی او که همـــپاوهمسنگر با مر دان مو ضع د شمن را فرو ریخته بود سخن در میان بود .

زنان که با قلب فراخ و تحمل مادری بیش‌از هر کسی دیگـر مصیبـت جنگ بر شانه های شان گرانی میکرد شعار شان این بــود« اگر سلاح دست داشته برای تان کفــایت نمی کند ما انواع جدید آنرا در جنگ‌بی‌امان‌بادشمن ، در شیوه های مردن بخاطر زندگی جستجو خوا هیم کرد . »

در پیکار مرگ و زندگی در مبارزه بخاطرشکستن سنگر فاشیزم این هیو لای ننگین قرن ما، زنان کشور های مختلف نمونــه های‌شهــامــت و فداکاری را بنام انسان وزندگی ایجاد نمودند .

از کران تاکران ، آنجا در فرانسه ویوگو سلاویا ، پو لیند و ایتالیا ، دنمارك وسر - زمین و سیع کشور شورا ها ز نان درجنبش‌مقاومت پار تیزانی فعالانه شر کت داشتند آنان سلاح بر دوش می جنگیدند ، بارسانیدن‌آب ونان ، تجهیزات نظامی واطلاعات د قیق از پلانهای د شمن ، نجات پراشو تستها ومخفی کردن پار تیزان ها افسانه ها آفریده اند .

آنگاه که نینا پا پوفه رئیس کمیته ضـدفاشیستی ز نان شوروی عقب تریبون‌کنگره قرار گرفت و واقعیت های افسانوی پیکار وشهامت ، و طنپرستی و ر زمجویی ز نــان کشورش‌رابیان‌داشت، همه‌نمایندگان به‌پاخاسته‌وطنین هیجان‌انگیزکف‌زدنهای شان‌احترام بزرگی را در برابر زنان قهر مان شوروی ا فــاده‌می نمود .

نینا پاپوفه مثالهای فراوانی از د لاوری وشجاعت ز نان شوروی را در شرایط جبهـه ودر عقب آن یاد آور گردید .

او ازانا پاولوا دختر جـــوان لیننگـرادی‌سخن زد که درنبرد د شوار رو یا روی بــا دشمن مجهز و کثیر العده شرکت ور ز یـده‌بود .

وقتی فر ما ندار قوا مورد اصابت گلو له‌دشمن قرار گرفت ، انا در پیشاپیش‌سپاهیان قرار گرفته آنانرا بعقب خویش تا فتح و غلبه‌بردشمن کشاند . ولی قلب آگنده از عشق او نسبت به مادر و طنش نشستگاه گلو له‌دشمن شد واز طپش ماند . در یاد داشت های که از انا بجا مانده نوشته شده‌است :

« من به سرنوشت میهنم همواره می‌اندیشم ، تو گو ئی که من و سر زمینم‌موجود واحدی هستیم . سعادت و تبسم خو یش رادر سعادت و طنم جستجو دارم ، آ نگاه که صدای نفرین شدۀ گلوله گوشم را می‌خراشدو یا نازیها کا خها و خانه های لیننگراد را ویران می کنند ، چنین می پندارم که گویاقلبم را نشان قرار داده اند و فر یاد و جدانم را می شنوم که میگوید جسور و صادق باش‌ویکجا با سپا هیان و طن برزم . »

این کلمات ساده و لی با عظمت ا حساس‌واراده‌ٔ ملیونهازن شوروی راتجلی می دهد .

شرکت کنندگان کنگره مسائل پر اهمیت‌ودر دستور روز حیات زنان را ارزیابی نمودند و در برابر جهانیان تعهد سپر د ندکه علیه فاشیزم ، بخاطر صلح د وا مدار و دمو کراسی تاپای جان می رزمند و به آرمان‌های زنان و کو دکان جهان و فا دار اند و خواهند بود ، بخاطر تا مین مساوات زن بامرد در همه عرصه هاوایجاد شرایط لا ز م جهت رشدهمه جانبۀ کودکان مبارزه می کنند .

در فضای کنگره همه ندا ها با هم آمیخته‌وغرش توفانزای واحدی را بوجود آورده بود که بیانگر حکم و جدان شرکت کنندگان این‌هم آیش بزرگ بود .

آنانرا عشق واحساس واحدی بهم جوشیده‌بود ، نوای همگون قلب مادر و احساس‌نیرومند مادرانه . این است زبان مشترك وسلیس‌زنان جهان که بو سیلۀ آن صر ف نظر از تفاوت های رنگ ، پوست و فاصله های‌جغرافیائی ، عقاید مذهبی ، سیاسی و لسانی همدیگر را عمیقا درك می کنند .

تأمین سعادت کودکان و آیندۀ درخشان‌برای آنان انگیزه توانایی بود که زنان را از کرانه های دور دست به پاریس فرا خوا نده‌بود .

از تریبون اولین کنگره جهانی زنان‌سخنرانی های پر محبت ، صمیمانه و عینی در بارۀ مسئلۀ کودك و حل نهائی آن‌صورت‌گرفت ، از رنجها و مصیبت های کودکان از زنده بگور شدن و سرازیر شدن شان به‌کوره های آدم سوزی فاشیزم سخن بمیان آمد .

نمایندگان کنگره فاکتها وار قا م‌را به‌پیش کشیدند که نمونه های روشنی‌ازتحقیر، شکنجه و محرو میت اطفال بوده است .

در پیام کنگره خطاب به زنان جهان آمده‌است تازنان سراسر جهان همه نیروی‌خویش را در جهت دفاع از صلح، دمو کراسی‌وعلیه‌وحشت ا ستعمار تجهیز نمایند .

کنگره در برابر ساز مانهای د مو کراتیك ملی زنان کشور های مختلف جهان و ظیفه گذاشت تا بخاطر رسیدن بحقوق مساوی ، حق تحصیل ، حق کار ، استراحت ، کسب دست مزد مساوی در برابر کار مساوی بامرد وحق استفاده از بیمه های اجتماعی و تقاعد، حق استفاده از شبکه های خدمات ا جتماعی بطوردوامدار وبی امان برزمند .

قطعنامه در بارهٔ پرابلم های کو د کـان جـای محـوری را در جمع اسناد کنگـره دارا می باشد .

اجتماع کنندگان او لین کنگره جها نـی زنان تعهد سپردند تا بخاطر ایجاد فضا ی مساعد جهت رشد همه جانبه اطفال، دموکرا تـیزه سا ختن سیستم آ مو زشی ، تـا مین امکان تحصیلات مجانی در تمـام کشور هـارشد وانکشاف تحصیلات عمومی و مسلکـی ایجادشبکه های خدمات برای اطفال قبل ازسنین مکتب بطور خستگی ناپذیر مبـارزه کنند .

بتاریخ اول دسامبر سال ۱۹۵٤ درآخرین روز کار کنگره اساسنامه فد راسیون دمو - کراتیك بین المللی ز نان بـه اتـفاق آراء تصویب گردید . اوژنی کو تون دا نشمند و فزیکدان ، شخصیت بر جسته جنبش مقاومت ضد فاشیستی ، چهره شنا خته شدهٔ جا معهٔ فرانسه بحیث اولین رئیس فدراسیون دمـوکراتیك بین المللی ز نان بر گزیده شد . او حیات خویش را و قف سعادت ز نان ومبارزه بخاطر آینده مسعود کو دکان نمود . ومیری کلادو یان شخصیت محبوب «حزب کمونیست فرانسه عضو فعال جنبش مـقـاومت ضـد فاشیستی که در شکنجه گـاههای آشویتس وراونسبورگ مـدتها محبـوس بـود بحیث سکر تر جنرال فدراسیون انتخاب گردید .

ترکیب و زین و مترقی فد راسیون که درچهرهٔ ساز مانهای ملی زنان کشور های مختلف تجلی داشت ، افاده گر ماهیت عمیقاً مترقـی ودمو کراتیك ساز مان جدید التاسیس جهانی زنان بود .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان از همان آ غاز مو جودیت خویش انعکاس د هندهٔ راستین خواست ها و آر مانهای توده های گستردهٔ زنان بوده و ندای صلح خواهی زنان رابگوشها ر سانیده است ، ز یـرازن بمثابهٔ مادر بیش از هرکسی دیگر تشنهٔ صلح است . این گرایش پر ارج و مقدس ازعشق او نسبت به کودك خودش و دیگر نو نهالان بشریت سر چشمه می گیرد .

زنان معتقدند که صلح و آرامش گرانتی مطمئن تا مین برابری زن با مرد ، سعاد ت کانون خانواده و دو ران پر تبسم کو د کی محسوب می گردد .

فدراسیون دمو کراتیك بین ا لمللی ز نان بمثابهٔ حا مل ا حساسات و خواست ز نان حیثیت فا کتور مو ثر را در ایجاد منا سبات همکاری و تشریك مساعی بین ساز مانها ی مختلف بین المللی و ملی دارا است .

سه سال بعد از کنگره مؤسس در ماه‌دسامبر سال ۱۹۴۸ دومین گرد هم آیی جهانی ز نان در شهر بو دا پست دایرگردید.

در کنگره دوم جهانی ز نان نمایندگان ۳۸کشور جهان شرکت داشت . در جریان کار این گرد هم آیی بزرگ فرستاد گا ن‌زنان از مسائل بغرنج جنبش دمو کرا تیك بین المللی زنان ، تعمیق و رشد بعدی آن‌درکشور های آ سیائی‌وافریقائی و امریکای‌لاتین پرابلم های کودکان ، وظایف زنان در مبارزه‌بخاطر صلح، دمو کراسی و ترقی اجتماعی سخن زدند .

طنین نیرو مند ندای زنان که خوا ستاربهبود شرایط زندگی و کارزن ، تصویب‌قانون کار ، در یافت دستمزد مساوی در برابر کارمساوی بودند، فضای قاره هارامملوساخته بود.

کنگره ز نان را به مبارزه جهت تحکیم صفوف فشردهٔ جنبش دموکراتیك زنان در کشور های آ سیائی وافریقائی فرا خواند .

زنان کشور های مختلف در شرایطی گردآمده بودند که فضای بین المللی متشنج و مختنق گردیده ، امپریالیزم با زبان جنگ‌سرد، ایجاد بلاکهای نظامی تجاوز کار ، پایگاه های متعدد ، احیای ملیتاریزم آ لمان‌وده ها عمل شیطنت آ میز دیگر صلح‌جهانی را تهدید می کرد .

فریاد خشم و نفرین ز نا ن‌علیه جنگ افروزان و نظا میگران درمانیفست صلح مصوب این کنگره مظهر یافت . در سندآمده است : « هنوز ز خمهای سر نیزه های زهر آ گین و مرگ زای فاشیزم در قلبها تازه است . شهر های ویران شده در جنگ هنوزمخروبه اند و لی سر د مداران معا صرحلقه های نظامیگر ونمایندگان سرمایه های بزرگ در ایالات متحده امریکا و انگلستان‌خیال افرو ختن جنگ جدید جهانی را درسر می پرورانند و می خواهند خلقها را درفاجعه‌نظامی و حشتناك بکشانند ، آ نان بشریت‌را باسلاح و حشیانهٔ تجاوز یعنی بمب جهنمی‌ذروی تهدید می نمایند . »

مانیفست زنان را به دفاع فعال از مواضع‌صلح طلبید .

زنان جهان !

تاریخ، بشریت و خلقهای مان مسوولیت‌عظیمی را بر دوش ما گذاشته است . بیائید در مبارزه بنام صلح ، ا منیت ، د موکراسی‌واستقلال ملی ، برای خو شبختی و آ یندهٔ مسعود کودکان ما صفوف خویش را فشرده‌تروآراسته تر سازیم .

اگر تمامی ز نان یعنی نیمه بشریت درنبرد علیه جنگ و نیستی بسیج شو ند جنگی نخوا هدبود .

نیروی ما بسیار عظیم است ، تلاش‌متحدانهٔ ما بخاطر صلح، دمو کراسی وزندگی بهتر بسوی قله های شا مخ پیروزی راه‌گشای‌مان خواهد بود .

این سندپر بها پلان مشخص و عملی‌رادربرابر زنان بخاطر پاسداری از صلح قرار داد .

اجتماع بو دا پست مسیر فعالیت وپیکارزنان جهان را تعیین و مشخص ساخت .

درسال ۱۹۵۳ جهان شاهد حادثه پراهمیت دیگری بود . کنگرۀ کوپنهاگن مرحلۀ نوین کیفی در امر استحکام ونیرومندی جنبش‌داشت انعکاس گر آرمان ها و خواستهای حقوق مساوی بحساب میرود .

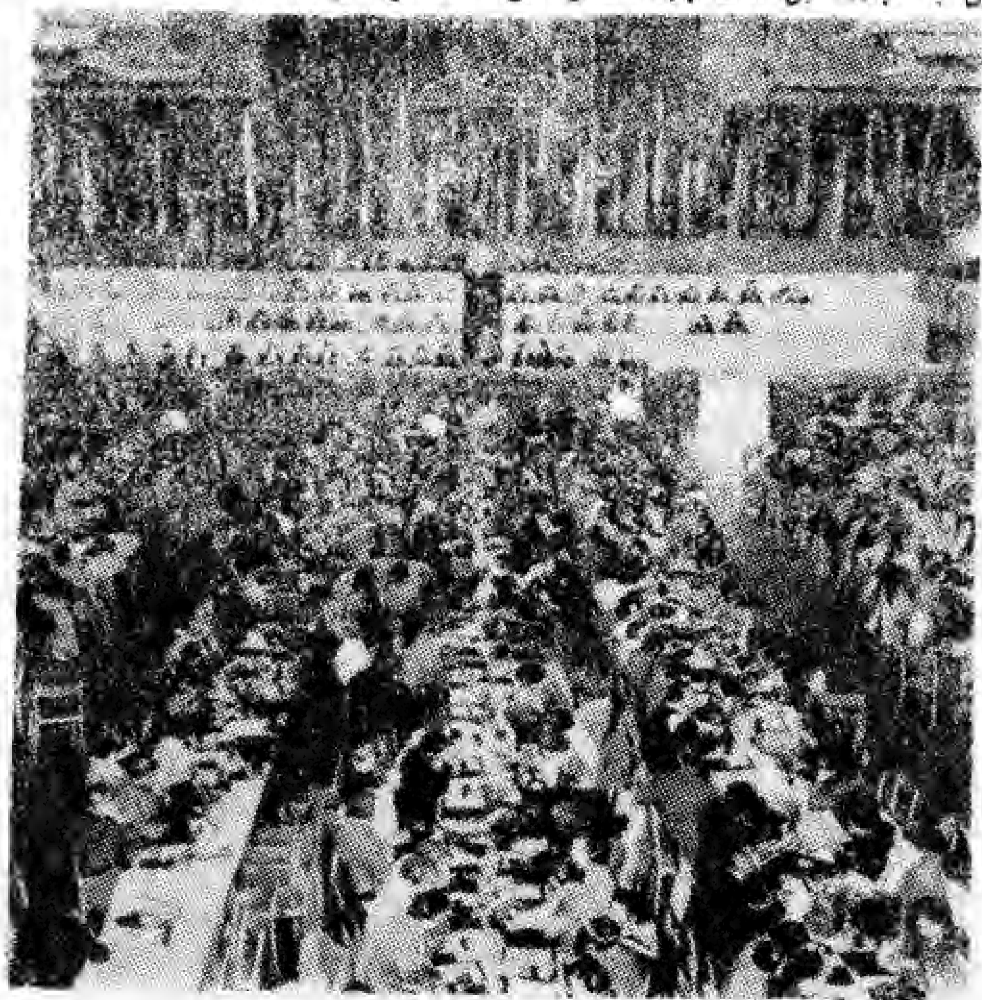
دوهزار فرستاده زنان هفتاد کشور جها نوهمچنان نمایندگان ده سازمان بین المللی در کار این کنگره اشتراك داشتند ودرجریان‌کار پر ثمر خویش سند پر بهای را تصویب نمودند . این سند که اعلامیۀ حقوق زن نام‌داشت انعکاس گر آرمان ها و خواستهای دیرینۀ زنان بوده ودر شرایط امروزی اهمیت‌خودرا حفظ نموده است .

در اعلامیه آمده است که :

«کلیه زنان صرف نظر از تعلقات نژادی،ملی وموقف اجتماعی باید از حقـوق ذیل برخوردار باشند :

- حق تضمین شدۀ کار .
- حق انتخاب آزاد حرفه ومسلك .
- حق اشتغال درتمام ساحات اجتماعی واداری .
- حق دریافت دستمزد مساوی در برابرکار مساوی .
- حق مساوی استفاده ازبیمه های‌اجتماعی.
- تضمین حق دریافت دستمزد برای زنان‌دهقان .
- حمایه از مادران و کودکان، حق‌مصئونیت‌کار .
- حق تحصیل، منجمله تحصیل مسلکی .
- حق انتخاب کردن وانتخاب شدن درتمامی‌ارگانهای رهبری جامعه بدون تبعیض .
- حق ایجاد وفعالیت آزاد سازمانهای‌دموکراتیك زنان واشتراك در دیگر سازمانهای دموکراتیك .
- حق داشتن زمین واستفاده کردن ازآن‌برای زنان دهقان .
- حقوق مساوی مدنی با مردان در ارتباط‌با ازدواج ، اطفال ومیراث .

شرکت کنندگان کنگره با تصویب پیام به‌زنان جهان آنان را صرف نظر ازعقاید سیاسی ومذهبی به مبارزهٔ بی امان جهت تحقق این‌اهداف فرا خواندند .



نمایی از سومین کنگره زنان منعقده کوپنهاگن .

سومین‌کنگرس‌جهانی زنان مرحلهٔ پرارزشی‌در تشکل و بسیج جنبش دموکراتیک زنان و گسترش روابط ان با سازمانهای مختلف زنان‌بحساب میرود ، واففهای وسیعی رادر برابر سازمانهای عضو فدراسیون در کار و پیکارشان بخاطر تحقق آرزو ها وآرمانهای زنان گشود .

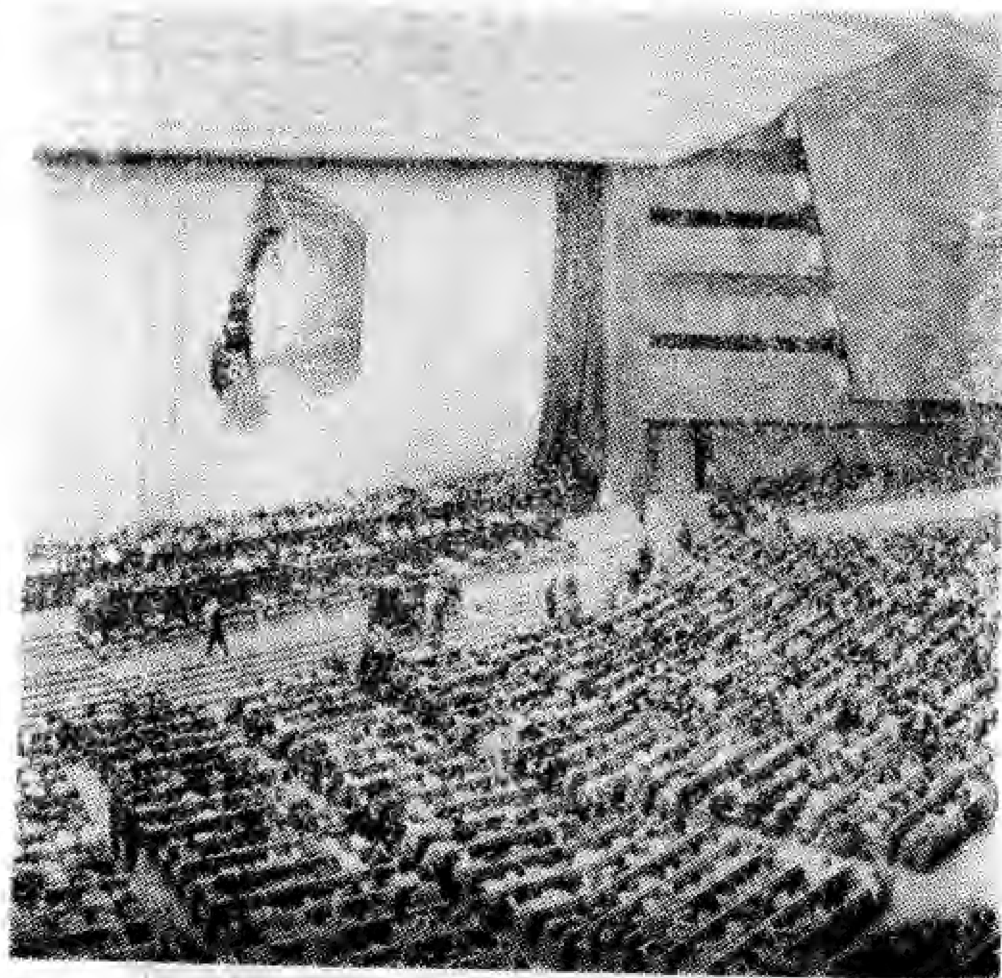
بعد ازاین کنگره در یکعده کشور هسای‌جهان سازمانهای ملی تازه زنان ایجاد گردید بطور مثال در زیلاند جدید، پرتگال، ژاپن، افریقای جنوبی، هندوستان ودیگر کشور ها .
فدراسیون زنان هند که ۳۲ سازمان‌محلی‌زنان رادر بر میگرفت واجتماع زنان ژاپن که در آن چهل سازمان زنان متشکل شده بـودپابعرصهٔ وجود گذاشتند . این کنگره موج جنبش دموکراتیک زنان کشور های امریکای‌لاتین و افریقا را خروشان تر گردانید .

چهارمین کنگرهٔ زنان جهان منعقدهٔ ویانا درسال ۱۹۵۸ نتایج کار فدراسیون رادر ارتباط باحل مساله زن، تامین تساوی حقوق زنان ، نقش آنان در پیشبرد امور اقتصادی، سیاسی فرهنگی واجتماعی مورد ارزیابی قرار داد .

اشتراک کنندگان ، گزارش فعالیتها و عمل‌کرد فدراسیون راطی پنج سال بعداز کنگره سوم استماع نموده ، مشی فدراسیون رابرای‌پنج سال آینده تصویب کردند .

نمایندگان زنان هشتاد کشور جهان درویاناگردهم آمده، پرابلم ها وپیروزیهای پیکار زنان را بخاطر تامین حقوق و آزادی هایشان‌جمع بندی نمودند .

مانیفست این کنگره کــه انعکـاس دهندهٔ‌مطالبات وآرزو های پایمال شده زنان بــود تقاضا داشت تا بمقام زن بمثابهٔ مادر موجودزحمتکش و پرورنده نسلهای انسان احترام شود وامکانات همه جانبه تامین گردد تا زن‌بتواند وظایف مادری خویش را با سهمگیری فعال در حیات اجتماعی مؤفقانه تلفیق نماید.



در کنگره منعقده مسکو بیش از دو هزارنماینده از ۱۱۳ کشور اشتراك داشتند .

درماه جون سال ۱۹۶۳ شهر قهرمان مسکو، پایتخت کشور شوراها دو هزار نماینده وفرستاده ۱۸۰ سازمان ملی زنان ۱۱۳ کشور رابه آغوش پذیرفت .

نمایش عظیم وتاریخی مسکو افاده گسترومندی موج خروشندهٔ جنبش دموکراتیک زنان بوده وگسترش صفوف روندهٔ آنرایکباردیگر به اثبات رسانید .

جلسهٔ وسیع مسکو به اشتراک سازمانهای بااوتوریتهٔ بین المللی دایر گردیده و روی مسایل ذیل شور وبحث بعمل آمد :

- نقش فدراسیون در مبارزه همگانی خلقهای جهان بخاطر صلح وتحکیم استقلال ملی .
- نتایج کار در جهت تامین حقوق مساوی برای زنان وسعادت کودکان .
- وضع زنان در جامعه وخانواده .
- سهم زنان در نبرد بخاطر تامین صلح ،خلع سلاح همگانی وتعمیق پیوند های دوستی بین خلقها .



آرم کنگره مسکو

- شرکت زنان در امر مبارزه بخاطر تحکیم استقلال ملی .
- پرابلم های صحت وبهداری، تعلیم وتربیه اطفال و نوجوانان درکشور های مختلف،
مسایل مورد بحث کنگره حادترین پرابلم‌های حیات زنان رادر بر میگرفت و بهمین علت توجه بزرگ جهانیان به کنگره مسکوجلب گردیده بود .

اوژنی کوتون ضمن سخنرانی خود در برابر نمایندگان کنگره متذکر شد که :
«مسیر عمدهٔ کار وپیکارمان همانا مسیرقبلی یعنی تلاش برای ایجاد یک خانواده بزرگ جهانی زنان است که در آغوش این خانواده بزرگ هرزن پشتیبانی و همبستگی نیرومند زنان رادر کار وپیکار خویش درجهت حل مسأله زن باگوشت وپوست خویش لمس نماید ...»

کنگره رسالت عظیم دفاع از صلح، پیکاربخاطر خلع سلاح عام وتام را وظیفهٔ مقدس هرزن وهر مادر خواند .

اوژنی کوتون در سخنرانی خود ابرازداشت که آیا مادری میتواند با مرگ و نابودی دسته جمعی انسانها که نتیجهٔ تصادم اتمی خواهدبود موافقت نماید ؟

ما حق نداریم که آرام گیریم ووظایف خویش را انجام شده پنداریم، امروز دوثلث کودکان جهان بطور دایمی گرسنه اند . نصف اطفال جهان از نشستن عقب میز مکتب محروم اند وحتی در کشور های پیشرفته سرمایه‌داری برای اطفال امکانات لازم تحصیل ابتدایی، مسلکی وعالی وجود ندارد .

آیا با این حالت که در اکثر کشور ها ی غربی اطفال دهقانان وکارگران به مکتب و تحصیل دسترسی ندارند میتوان آشتی کرد ؟

٦٣٤ نماینده در بخشهای مختلف کارکنگره شرکت ورزیده وضمن ارزیابی وتحلیل عمیق وضع زن در کشور های شان باین نتیجه رسیدند که تنها نظم سوسیالیستی قادر به حل مسأله زن است . آزادی های مندرج درقانونهای بورژوایی عوامفریبی بیش نیست .

نمایندگان کشور های نوبه استقلال رسیده ووابسته طرح جمع شدن گلیم بورژوایی رااز کشور های شان داشتند .

فریاد خشم آنان در فضای کنگره چنین طنین انداز گردید که دست امپریالیزم ازسر- زمینهای ما کوتاه !

با بقایای تاثیرات نظام سرمایه داری ،خرافات، سنن وعادات پوسیده باید مقاطعه کرد !

والینتینا ترشکووا اولین زن فضانورد مهمان خاص کنگره بود .

کنگرهٔ مسکو این امکان را میسر گردانید تاسازمانهای زنان اروپا، امریکا، آسترالیا و کانادا عمق ضرورت پشتیبانی از جنبش رهایی بخش خلقها رادرك نمایند .

نقش سازمانهای زنان در پروسهٔ همگانی‌اعتراض علیه جنگ امریکا با ویتنام و خطر تجاوز علیه کیوبابطور بی سابقهٔ ارتقاء یافت.زنان امریکا، کانادا، آسترالیا، زیلاند جدید، انگلستان، فرانسه ، سویس، سویدن و دیگرکشور ها کمپاین های احتجاجیه را بخاطر محکوم کردن جنایات وآدم کشی های امریکادر ویتنام و تحریکات آن علیه انقلاب کیوبا تنظیم نمودند .

کنگرهٔ جهانی زنان منعقدهٔ هلسنگی که درسال ۱۹٦٥ گشایش یافت حادثهٔ پر بهایی در تاریخ تکامل جنبش دموکراتیک بین‌المللی‌زنان محسوب میگردد .

آن نمایندگان زنان ۹۳ کشور جهان کهوسیع جهانی را بخود معطوف داشته و درکار جریان کار این کنگره توجه حلقه های فرستادگان ۱۲۰ سازمان ملی بودند اشتراک ورزیده بودند . هم چنان هیأت نمایندگی ۲۷سازمان بین المللی در کار کنگره شرکت داشتند .

کنگره گزارشاتی در ارتباط با مسایل نقش‌زن در مرحلهٔ کنونی، زن وخانواده، زن وکار، زن وجامعه را استماع نمود . مسأله محوری‌کار کنگره را ارتقای نقش زنان در جنبش نجات بخش ملی ومنجمله همبستگی با مبارزهٔعادلانه زنان ویتنام تشکیل میداد .

فن تخی آن عضو بوروی اتحادیهٔ زنانویتنام و نمایندهٔ اسامبله ملی جمهوری دموکراتیک ویتنام به نمایندگی اززنان قهرمانوآزادهٔ ویتنام عقب تریبون پر اعتبار کنگره قرار گرفت . او از رزمها وحماسه های زنانویتنام، از شهامت وبی هراسی آنان ازآشتی ناپذیری شان بادشمن اشغالگر حکایت کرد .

فن تخی آن ا ز زنانی سخن زد کهاکثریت برزگران را تشکیل داده در یک دست گاو آهن واسپار ودر دست دیگر تفنگ‌داشتند .

بخاطر نجات از مرمی های ماشیندار ها وخریطه های حامل مرگ طیارات بمب افگن امریکایی که معمولا روز عملیات میکردند ،زنان زحمتکش ویتنام شب هنگام در تاریکی به مزارع رفته وبرای جنگ آوران ویتنامیآذوقه تهیه میدیدند ، از شالیزار ها وباغها مراقبت مینمودند . دختران جوان خدمت درصفوف ارتش راباکار دهقانی تلفیق میکردند.

وقتیکه نمایندهٔ زنان ویتنام جنوبی معاونرئیس اتحادیه زنان برای نجات ویتنام جنوبی نگوین تخی بین‌آغازکلام نمود، اشتراک‌کنندگان‌کنگره باکف زدنهای پرشور همبستگی و پشتیبانی قاطع خویش را از مبارزات آزادی بخش خلق ومنجمله زنان بالا کشیده و یتنا م در برابر تجاوز گران امریکایی ابرازنمودند .

بیانات نویسندهٔ پولیندی مونیکاوارنیسکایاکه چکیده ای از واقعیت های زندگی مردم ویتنام بود بالای حضار تأثیر ویژهٔ بجاگذاشت . او که مدت شش ماه در جبهات داغ ویتنام به صفت ژورنالیست ایفای وظیفه‌میکرد بیان داشت ... «سیمای شجاع لی تخی-

رینگه زن قهرمان ویتنام برای ابد به خاطرم نقش بسته است . او را پولیس سایگون ناجوانمردانه ووحشیانه بخون کشید . آرامگاه سووان آموزگاریکه هنگام تدریس مرمی دشمن سینه اش را شگافت همواره در برابر دیدگانم است . او هنگام هجوم دشمن به آموزشگاه اطفال را در آغوش کشیده و میخواست سینهٔ خویش را سپر تیر دشمن نماید . من کتابچه های سوراخ سوراخ از رد های گلوله، لباسهای طفلانه آغشته بخون اطفالی را دیده ام که قربانی وحشیگری گردانندگان انحصارات بزرگ شده اند . صدای مادران آنهارامیشنوم که با اشکهای خونین برگونه ها و چشما ن پربرق چون پلنگ زخمی ازمن می طلبیدند بافریاد خشم ونفرت شان رابه گوشهارسانم. در قطعنامه کنگره از زنان جهان دعوت بعمل آمد تا در کمپاین وسیع، تظاهرات و میتینگها بروز ۲۰ جون که سالگردعقد قرارداد ژنیو میباشد هرچه گسترده تر وفعال تر اشتراک ورزند . وفیصله بعمل آمد تا وسایل جهت اعمار یک مرکز حمایه طفل ومادر در هانوی که سمبول همبستگی زنان تمام کشور ها با زنان وخلق ویتنام در مبارزه شان بخاطر آزادی، صلح وعدالت اجتماعی بحساب میرود جمع آوری شود .

نتایج بحث وتحلیل وسیع در بارهٔ وضع زنان در جامعه و خانواده در سند اساسی کنگره انعکاس یافت که تحت نام پیام به زنان جهان بخاطر اشتراک مساعی شان در جهت تأمین حقوق زنان به تصویب رسید .

این سند بیانگر مطالبات زنان در ساحات سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی بود وحاوی رهنمود های عملی ومشخص در بارهٔ فعالیتهای سازمانهای ملی وبین المللی زنان در مبارزه بخاطر تامین حقوق مساوی برای زنان با درنظرداشت وضع زنان در جوامع مختلف میباشد .

کنگره ضرورت همکاری با دیگر سازمانها از جمله اتحادیه های کارگری را تاکید نموده واعلام داشت که مبارزه برای تساوی حقوق زنان جزء متشکله مبارزه عموم خلقها بخاطر دموکراسی وترقی اجتماعی بشمار میرود . پرابلم های زنان جزء پرابلم های زحمتکشان است وبه حل آن کلیه زحمتکشان جهان علاقمند اند .

بدین منوال نمایندگان کنگره نگرانی وتشویش خویش رادرقبال بغرنج شدن اوضاع جهانی ودستبرد زدن امپریالیزم بر آزادی واستقلال ملتها ابراز داشتند وتوجه جهانیان رابه حادترین پرابلم های جهان در آنزمان قطع تجاوزات امریکا در ویتنام ، وضع د ر شرقمیانه وپشتیبانی از مبارزات خلق عرب فلسطین، استحکام پروسهٔ امنیت اروپایی، پشتیبانی از مبارزات خلقهای افریقا بخاطر استقلال ملی علیه راسیزم جلب نمودند .

در این پیام از کلیه زنان، تمامی مادران وزحمتکشان جهان برای ایجاد جبهۂ واحد ضد امپریالیستی دعوت بعمل آمده است .



اشتراک کنندگـــان هم آیش بزرگ مسکو تقاضای اخراج پایگاههای نظامی در خـــارج قلمرو کشور ها را مطالبه نموده وپشتیبانی قاطع خویش رااز پیشنهاد آغازمذاکرات بخاطر خلع سلاح عمومی و امضای موافقت نامه راجع به منع انتشار سلاح ذروی ابراز داشتند .

آخرین کنگره جهانی زنان ازتاریخ ۲۰ـ۲۴اکتوبر ۱۹۷۵ در شـهـر بـرلیـن بـر گزار گردید .

انگیزهٔ تدویر این کنگره بزرگـداشت از سال بین المللی زن بود .



گردهم آیی برلین که تحت شعار صلح، مساوات وانکشاف جلسات خود را افتتاح کرد .

نمایندگان ومهمانان این هم آیش باشکوه یکباردیگر ضرورت تجهیز نیرو های خـویش را در مبارزه بخاطر تحکیم مـواضـع صلـح، دموکراسی، وتامین حقوق زنان وتشکل کلیه نیرو های اجتماعی صرف نظر از عقایدسیاسی ومذهبی شان بخاطر تحقق این آرمانها تاکید نمودند .

پیشنهاد ات مشخصی جهت ارتقای نقش زنان درین مبارزهٔ برحق مطرح گردید .

در کار کنگره ۱۹۵۲ نمـاینده و مهمان به‌نمایندگی از سازمانهای زنان از ۱۴۱ کشور وفرستادگان ۲۸ سازمان بین‌المللی ومنطقوی،هشت سازمان‌مذهبی وهشت موسسه‌اختصاصی سازمان ملل متحد شرکت داشتند .

اجتماع جهانی زنان منعقدهٔ برلین طـیجلسات پلیناروکمیسیونهای اختصاصی مسایل ذیل را مورد مطالعه قرار داد :

- تساوی حقوق زن در جامعه .
- زن وکار .
- زن وخانواده وجامعه .
- پرابلم های مربوط به تحصیل زنان .
- مسایل بیسوادی دربین زنان .
- نقش زنان در مبارزه بخاطر صلح، خلع‌سلاح، استقلال ملی وهمبستگی بین المللـی

به آدرس کنگره ۹۰۰ پیام شادباش وتهنیت‌از شخصیت های ملی و دولتی کشور ها ی مختلف وازسازمانهای ملی وبین المللی مخابره‌شده بود .

گردهمآیی برلین تحت شعارصلح، مساوات‌وانکشاف کار خویش را آغاز نمود .

فریده براوون رئیس فدراسیون دموکراتیک‌بین المللی زنان در گزارش خویش به کنگره متذکر گردیدکه : «اعلام سال ۱۹۷۵ به مثابه‌سال بین المللی زن مظهر عالی از احتـرام بشـر یـت بـه مقـا م و ا لا ی زن است.واز دول جهـان تقاضا دارد تـا در ارتبـاط باوضع تبعیض در برابر زنان، وحل مسألـه‌زن بطور دقیق تدابیر عملی مشخصی را اتخاذ نمایند .»

بیش از ثلث نفوس شاغل دنیا را زنـان‌تشکیل میدهند ٤٦فیصدزنان ازسنین ۱۵-٦٤ سالگی د ر ساحات تولیدی مصروف ا نـد .فیصدی زنان شاغل در تمام کشور هاهمگون نیست .

بطور مثال در امریکای لاتین این رقم به ۲۰فیصد میرسد ، در افریقا و آسیا تقریباً به ۳۰ فیصد، در اروپا وامریکای شمالی ۳۵ فیصدرا تشکیل میدهد .

بزرگتریـن رقـم فیصـدی زنان شاغـل درکشور های سوسیالیستی است .

اکثریت زنان در کشور های مستعمـره ،نوبه استقلال رسیده و کاپیتالیستی محـروم امکانات کسب تحصیل مسلکی اند . آنـان در بدل کار های‌ثقیل‌ودشوار کمتریـن دستمزد را نصیـب می گـردند . خطـر اخـراج‌از کار بیش از هر کسی دیگری زنان رادرین جوامع تهدید میکند .

در اکثریت این کشور ها سهم زنان درامور تولید اجتماعی نمیتواند با وظایف شان در درون خانواده درست تلفیق گردد. پرابلم‌عمده بسیاری ازین کشور هارا عدم موجودیت ویا کمبود شبکـه های خـدمات برای اطفال‌تشکیل میدهد .

فیصدی بیسوادی در بین زنان سرسام کننده است . بطور مثال این رقم در کشور های افریقایی به هشتاد فیصد، در کشورهای‌آسیایی به پنجاه فیصد ودر امریکای لاتین به ۲۷ فیصد میرسد . از همینجاست که زنان باید پیکار عادلانه شان را بخاطر کسب حقوق مساوی با مرد وتغییر از ریشه نظم‌ظالمانه فعلی دراکثریت‌کشورها تشدید بخشید.

فریده براوون از عقب تریبون پرجلال‌کنگره هفتم بابانگ رسا اعلام داشت که‌مبارزه بخاطر تساوی حقوق زنان جزء متشکله جنبش‌خلقها بخاطر استقلال ملی ، دموکراسی وصلح بوده و با آن پیوند ارگانیک دارد . ندای همبستگی بانیروهای صلح دوست وهمه‌آنانیکه درجهت تحکیم ثبات اوضاع در شرق میانه، تامین حاکمیت جمهوری قبرس، علیه خونتای چیلی ، دیکتاتوری اسپانیا وپر تگال می‌رزمنددرفضای‌کنگره طنین اندازبود. طرح پیشنهادی کنگره د ر ارتباط با تدویر کنفرانس جهانی خلع سلاح به‌سازمان ملل‌متحد پیش کش شد .

نتایج کار پر ثمر این هم آیشی بزرگ‌زنان در دو سند بزرگ جمع بندی گردید: پیام به پارلمانها وحکومتهای جهان وپیام‌به زنان سراسر جهان . کنگره برلین فاکتور نیرومندی در توسعهٔ صفوف جنبش دموکراتیک‌بین المللی زنان محسوب میگردد .

فریده براوون رئیس فدراسیون دموکراتیک‌بین المللی زنان تدویر کنگره را حادثهٔ پر - اهمیت تاریخی ارزیابی نموده وبیان داشت‌که‌این نمایش بزرگ افاده گر نیروی عظیم‌زنان در مبارزه مشترك بخاطر صلح، آزادی واستقلال خلقها میباشد .

از تاریخ ۸-۱۳ اکتوبر ۱۹۸۱ درپراگ پایتخت چکوسلواکیا کنگره سرتاسری زنان که یکی از مهمترین حوادث در جنبش‌بین المللی زنان است گشایش خواهد یافت. این کنگره به ابتکار فدراسیون بین المللی‌زنان سازمان یافته است . پیشنهاد در باره تدویر آن د ر جلسه بیروی فدراسیون‌دموکراتیك بین المللی زنان که از ۹ تا ۱۱ اپریل سال ۱۹۸۰ در برلین دایر شده بودمطرح گردید واشتراك کنندگان بیرو از ین پیشنهاد استقبال نمودند .

درین جلسه تصمیم گرفته شد تا کنگره‌تحت شعار برابری - استقلال ملی و صلح تدویر یابد . اهداف کنگره سرتاسری زنان در «پیام به زنان جهان» که در ماه اپریل هنگام تدویر جلسه بیروی فدراسیون تائیدگردید ، انعکاس یافت . درین پیام گفته میشود : به تشدید فعالیت سازمانهای ملی‌زنان، تحکیم وتوسعه نفوذ آنها و همچنان توسعه همکاری با نیرو های که در راه حقوق‌زنان مبارزه مینمایند باید مساعدت نمود .

در کار کنگره یکهزار نماینده و مهمان ازتمام کشور های جهان اشتراك خواهند کرد . در جلسات کمیسیون هاوپلینوم هاپروبلمهای‌ذیل مورد بحث قرار خواهد گرفت :

- مبارزه زنان در راه صلح وخلع سلاح .
- زنان ومبارزه برای استقلال ملی وترقی.
- تساوی حقوق زنان در جامعه .
- پروبلمهای زنان زحمتکش از آن جملهزنان دهقان .
- زن وخانواده .
- همکاری سازمانهای زنان با موسسهملل‌متحد وموسسات اختصاصی آن .

در جریان کنگره سخنرانی های در بـــارهموفقیت های زنان درکشورهای سوسیالیستی، مبارزه زنان کشور هـــا ی سرمـایه داری ،پروبلمهای زنان کشور های در حال رشد و کشور های نوبه استقلال رسیده ایرادخواهدشد وهمچنان سخنرانی های از جانب زنـان کشور های که علیه استعمار وبخاطراستقلال‌ملی می رزمند ایراد خواهد گردید .

توده های وسیع زنان در امر تدارك کنگرهسهم می گیرند . در عده ای از کشور هاکمیته های ملی تاسیس میشود . بنیاد فعالیت شان‌آن مرام به حساب میرود که در سال ۱۹۸۰ در کپنهاگن در کنفرانس سرتاسری درچوکات‌دهه زنان به تصویب رسیده بود . کمیته‌های ملی به پخش معلومات درباره کنگره مساعدت‌مینمایند . سازمانهای ملی تشکیل شده یکجا بادیگر سازمانهای مترقی فعالیت میکنند . این‌کمیته های ملی ، کنفـرانسها ، سیمینار ها ملاقات زنان را در سطح ملی تشکیل میدهندودر جریان این ملاقات ها موضوعات واهداف کنگره سرتاسری را مورد بحث قرار میدهند.

برای پشتیبانی اقتصادی از کنگره صندوق‌وجهی ملی ایجاد میشود .

در ۱۸ مارچ سالجاری در بوداپست جلسهمشورتی سازمانهای بین المللی و منطقـوی دایر شد . اشتراك کنندگان این جلسه درمورد پرابلمهای موجوده تدارك کنگره مشوره کردند وتصمیم اتخاذ نمودند که گروپهای‌کاراسنادی را به حیث مواد اساسی برای جرو بحث تهیه نمایند. درطی این ملاقات مشورتی«انگبارگ گرید» نماینده مرکز مسایل‌اجتماعی وانسانی موسسه ملل متحد اظهار کرد کـهموسسه ملل متحد ا ز پیشنهاد فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان در باره تدویرکنگره جهانی زنان پشتیبانی میکند و در امر تدارك وتدویر آن کمك خواهد نمود .

درین ملاقات مشورتی ۱۷سازمان بین‌المللی‌غیر دولتی وچار موسسه جداگانه موسسه ملل متحدحصه گرفتند که ذیلا اسمای شان ذکـــرمیگردد :

- شورای بین المللی صلح .
- فدراسیون بین‌المللی اتحادیه های‌صنفی.
- سازمان همبستگی خلقهای آسیا وافریقا.
- لیگ بین‌المللی‌زنان برای صلح وآزادی.

- سازمان سرتاسری زنان افریقا .
- کنفرانس کاتولیك های مهرو پاهی دربرلین .
- شورای بین المللی زنان .
- فدراسیون بین المللی پلان گذاری خانواده .
- فدراسیون سرتاسری جوانان دموکرات .
- موسسه ملل متحد، سازمان بین المللی کار، یونسکو وغیره .

کنگره جهانی زنان به شکل دموکراتیك دایر خواهد گردید . مواد برای کار آن در جلسات گروپهای کارکه د ر آن نمایندگان سازمانهای بین المللی وملی شرکت مینمایند ترتیب وموردبحث قرار خواهد گرفت . این گروپها برای آنکه بتوانند با مسایل زنان در سرتاسر جهان آشنا گردند بر اساس قارههای مختلف سازمان یافته اند . درماه اپریل دردهلی اولین جلسه گروپ کار دایر شدکه در آن اسناد کار کنگره به عنوانی زنان جهان در مبارزه برای صلح برضد مسابقات تسلیحاتی تدوین شد . دومین جلسه گروپ کار درلزبن (پرتگال) دایر گردید که طی آن لایحه گزارش در باره زنان زحمتکش تدوین گردید که درآن طور جداگانه پروبلمهای زنان روستائی انعکاس یافته است زنان روستائی در تعداد زیادی ازکشورهای جهان تحت ستم قراردارند.

همچنان در گزارش تذکر رفته است که وضع زنان زحمتکش در کشور های سر مایه داری در نیمه سالهای ۷۰ به علت بحران اقتصادی وخیم تر شده است . فعلا جلسه گروپ کاردر انگلستان دایر میگردد وعنقریب جلسات گروپهای کار کاستریگاز گانگا ، سویزرلیند دایر خواهد گردید . کنگره جهانی زنان در پراگ جزء انفکاك ناپذیر جنبش عظیم جهانی برای صلح و خلع سلاح خواهد شد ودر امر تحکیم وحدت زنان در جهت مبارزه برضد جنگ د ر دفاع از استقلال ملی، حقوق اقتصادی، سیاسی واجتماعی آنها کمك بسزا خواهد نمود .

کنگره هشتم فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان :

بعد از تدویر کنگره جهانی زنان به تاریخ ۱۵ـ اکتوبر ۱۹۸۱ در پراگ کنگره هشتم فدراسیون دایر خواهد گردید که نتایج فعالیت فدراسیون را بعد از ختم کنگره هفتم مورد مطالعه وبررسی قرار داده اهداف آینده رامشخص نموده واورگانهای رهبری فدراسیون را اینتخاب خواهد نمود .

* * *

ارگانهای رهبری کنندهٔ فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

درکنگره (۷) فدراسیون‌دموکراتیک بین‌المللی‌زنان «۲۶ـاکتوبر سال ۱۹۷۵ درشهر برلین» ارگانهای ذیل انتخاب شده اند :

۱ـ شورای فدراسیون‌دمو کراتیک‌بین المللی زنان :

بر مبنا ی اساسنامه ف.د.ب.ز در شورای‌فدراسیون نمایندگان تمام سازمانهای ملی عضو اشتراك دارند .

این سازمانها حق دارند که سه عضو دایمی‌شورا و سه معاون از هرکشور تعیین نمایند .

اگر دریك کشور چندین سازمان عضویت‌فدراسیون را داشته باشند درآن صورت آنها عضو دایمی شورا ومعاون آنها رابه موافقه‌هم‌تعیین می کنند .

کشور های‌عضو شورای فدراسیون‌منتخبه کنگره ۱۹۷۵ :

الجزایر :ـ اتحادیه ملی زنان الجزایر .

انگولا :ـ سازمان زنان انگولا.

بینین :ـ سازمان دموکراتیک زنان داگومی

شعبه زنان اتحادیه اجتماعی‌جوانان آزادداگومی.

بوروندی :ـ اتحادیه زنان بوروندی .

کامیرون :ـ اتحادیه دموکراتیک‌زنان‌کامیرون.

جمهوری مردم کانگو :ـ اتحادیه انقلابی‌زنان کانگو .

جمهوری عربی مصر :ـ اعضای انفرادی‌فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .

زامبیا :ـ شعبه زنان جبهه کار زامبیا .

لیسوتو :ـ بخش‌زنان‌کنگره حزب‌بازوتولینده.

ماداغاسکار :ـ کمیسیون دایمی ملی‌به‌خاطرحقوق زن واطفال در چوکات کمیته همبستگی ماداغاسکار .

ماوریکا :ـ کمیته زنان ماوریکا .

سازمان زنان ماریکا .

مراکش :ـ بخش زنان سوسیالیست نیروهای متحد ملی .

موزامبیق :ـ سازمان زنان موزامبیق .

نامیبیا :ـ بخش زنان سازمان توده‌ای جنوب‌غرب افریقا (سواپو) .

نایجریا :ـ فدراسیون سازمان های زنـــان‌نایجریا .

بخش‌زنان‌فدراسیون اتحادیه‌های صنفی‌نایجیریا.

ریونون :ـ اتحاد زنان ریونون .

جمهوری دموکراتیک‌سان‌تومی‌وپرنسیپی‌جزیره‌سیشل:ـ جمعیت زنان حـزب متحد توده ای جزایر سیسلی .

تیریلون :ـ سازمان زنان کنگرس ملی .

سومالی :ـ سازمان زنان سومالی .

افریقای جنوبی :ـ بخش زنان حزب‌کنگرس‌ملی افریقایی .

سودان :ـ اتحادیه زنان سودان .

تو نس :ـ اعضای انفرادی فـــدراسیـــون‌دموکراتیک ب .ز .

زائر :ـ اعضای‌انفرادی فدراسیون‌دموکراتیک.

زیمبابوی :ـ شورای ملی‌افریقایی زیمبابوی.

آسیا :

بنگله دیش :ـ «ماهیلاپریشاد»کنگرس زنان‌بنگله دیش .

کامپوچیا :ـ انجمن زنان دموکرات کهمر .

جمهوری دموکراتیک‌کوریا :ـ فدراسیون ملی‌زنان جمهوری دموکراتیک کوریا .

هندوستان :ـ فدراسیون‌ملی زنان‌هندوستان.

اندونیزی :ـ جنبش زنان‌اندونیزی(گیروانی).

ایران :ـ تشکیلات دموکراتیک زنان ایران .

عراق :ـ جمعیت زنان عراق .

فدراسیون سرتاسری زنان عراق.

اسرائیل :ـ فدراسیون زنان اسرائیل(ماپام).

جنبش زنان دموکرات اسرائیل (فودامتیرن) .

جاپان :ـ فدراسیون سازمان زنان جاپان .

اردن :ـ جمعیت زنان عربی اردن .
سازمان زنان عربی اردن .
سازمان زنان به خاطر محو بیسوادی .
جمهوری دموکراتیک مردم کوریا :ـ اتحادیه دموکراتیك زنان کوریا
اتحادیه دموکراتیك زنان کوریا درجاپان .
کویت :ـ انجمن اجتماعی ـ کلتوری زنان .
لائوس :ـ اتحادیه زنان جبهــه وطنپرستان لائوس .
لبنان :ـ جمعیت به خاطر دفاع ازحقوق زنان لبنان .
جمهوری توده ئی منگو لیا :ـ کمیته زنان منگـولیا .
نیپال :ـ سازمان زنان نیپال .
عمان :ـ سازمان زنان عمان .
پاکستان :ـ انجمن دموکراتیك زنان .
انجمن زنان مبارز به خاطر کسب حقوق مهاجرین.
فلسطین :ـ اتحادیه سرتاسری زنان فلسطینی.
فلیپاین :ـ انجمن «فلیپاین جدید» .
جمهوری ویتنام جنوبی :ـ اتحـــادیه زنان برای آزادی ویتنام جنوبی .
سریلانکا :ـ جبهه زنان سریلانکا .
بخش زنان کنگرس دموکراتیك کارگران .
جمهوری عربی سوریه :ـ اتحادیه سرتاسری زنان عربی سوریه .
جمعیت زنان سوریه به خاطر دفاع ازمادران واطفال .
جمهوری دموکراتیك ویتنام :ـ اتحادیه زنان ویتنام .
جمهوری دموکراتیك مردم یمن :ـ اتحادیه سرتاسری زنان یمــن

استرالیا و اقیانوسیه :

آسترالیا :ـ اتحادیه زنان آسترالیا .
زیلاند جدید :ـ اتحادیه زنان زیلاند جدیـــد

اروپا :

البانیا :ـ اتحادیه زنان البانیا

بلجیم :ـ اسامبلی زنان به خاطر صلح ورفاه
اطریش :ـ اتحادیه دموکراتیك زنان اطریش
جمهوری مردم بلغاریا :ـ کمیتــه زنان بلغاریا
جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیـــا :ـ اتحادیه زنان چکوسلواکیـــا

دنمارك :ـ فدراسيون‌دموكراتيك زنان‌دنمارك.

جمهوری فدرال آلمان :ـ ا عضا ی انفـرادی‌فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان .

فنلند :ـ اتحادیه دموکراتیك زنان فنلند .

فرانسه :ـ اتحادیه زنان فرانسه .

جمهوری دموکراتیك آلمان :ـ اتحادیـــه‌دموکراتیك زنان آلمان .

بریتانیای کبیر:ـ اسامبله ملی زنان .

یونان :ـ سازمان زنان یونان .

جمهوری توده ای هنگری :ـ شورای ملـی‌زنان هنگری .

ایسلیند :ـ اتحادیه زنان ایسلیند به خاطرصلح وکلتور .

لوکزامبورك :ـ اتحادیه زنان لوکزامبورك .

نیدرلاند :ـ جنبش زنان نیدرلاند .

ناروی :ـ اتحادیه زنان ناروی .

جمهوری توده ای پولیند :ـ شورای زنان‌پولیند .

پرتگال :ـ جنبش زنان دموکرات پرتگال .

اسپانیه :ـ جنبش زنان دموکرات .

سویدن :ـ اتحادیه جنبش زنان سویدن .

سویس :ـ فدراسیون زنان سویس به‌خاطرصلح وترقی .

اتحاد جمـاهیـــر سوسیالیستی شوروی :کمیته زنان شوروی .

برلین غربی :ـ جمعیت زنان دموکرات‌برلین.

قبرس :ـ فدراسیون سرتاسری‌سازمان‌زنان.

جمهوری سوسیالستی رومانیا :ـ شورای‌ملی‌زنان جمهوری سوسیالستی رومانیا .

ایتالیا :ـ اتحادیه زنان ایتالیا .

یوگوسلاویا :ـ کنفرانس زنان یوگوسلاویا به خاطر فعالیت اجتماعی .

امریکای لاتین :

ارجنتاین :ـ اتحادیه زنان ارجنتاین .

بولیویا :ـ اتحادیه زنان بولیویا .

برازیل :ـ کمیته زنان برازیل .

چلی :ـ اتحادیه زنان چلی .

بخش زنان حزب متحدتوده‌ای .

کولامبیا :ـ اتحادیه‌دموکراتیك زنان‌کولامبیا.

کوستاریکا :ـ الیانس زنان کوستاریکا .

کیوبا :ـ فدراسیون زنان کیوبا .

جمهوری دومینکان :ـ سازمان زنان جمهوری‌دومینکان .

اکوادور :ـ جبهه متحد زنان اکوادور .

گواریلوپا :ـ اتحادیه زنان گواریلوپا .

گواتیمالا :ـ اعضای انفـــرادی فدراسیون‌بین المللی زنان .

گایانا :ـ سازمان مترقی زنان .

هائی تی :ـ اتحادیه زنان هائی تی .

هاندوراس :ـ جمعیت زنان هاندوراس .

مارتینیکا :ـ اتحادیه زنان مارتینیکا .

مکسیکو :ـ اتحادیه ملـــی ز نا ن مکسیکـــو

کمیته زنان برای دفاع از میهن .

نیکاراگوا :ـ فدراسیون‌زنان نیکاراگوا .

پانامه :ـ کمیسیون زنان به خاطر دفاع ازحقوق زنان واطفال .

فدراسیون ملی زنان دموکرات (فینامورى) .

پاراگوای :ـ اتحادیه زنان پاراگوای .

پیرو :ـ اتحادیه توده ای زنان پیرو .

پورتوریکو :ـ فدراسیون زنان پورتوریکو.

سالوادور :ـ جمعیت مترقی زنان‌السلوادور.

اورگوای :ـ کمیته متوافق زنان اورگوای .

وینزیویلا :ـ بخش زنان کمیته همبستگـــی‌بین المللی .

اقیا نوس شمالی :

کانادا :ـ کنگرس زنان کانادا .

اضلاع متحده امریکا :ـ زنان به خاطـــــر تساوی نژادی وحقوق اقتصادی .

۲ـ رئیس : فریـــده برا وون(آستر الیا)

۳ـ معاونین افتـــخاری فـــدراسیون بین المللی زنان :

سیزه نبراوی ـ جمهوری عربی مصر .

راداتو دوروا ـ جمهوری توده‌ای بلغاریا .

میری پریت ـ بریتانیای کبیر .

دولوریس بباروری ـ اسپانیه .

رینسوم کوتی ـ نایجیریا .

خولیه اریوالا ـ اوروگوای .

گو سته فوچیکوا ـ جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا .
اوتینسه بوسی دی آلینده ـ چیلی .

٤ـ بوروی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

اعضای بوروی فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان عبارت اند از :
رئیس : فریده براوون (آسترالیا) .
سکرترجنرال : مریم تومینین (فنلند) .
معاونین ریاست : فا سخی بیتا خواراتحادیه ملی زنان الجزایر (الجزایر) .
الیزی تیل ـ اتحادیه دموکراتیک زنان‌آلمان(آلمان دموکراتیک) .
ژیزیل‌سیری ـ اتحادیه‌زنان‌فرانسه(فرانسه).
هارونه آصف علی ـ فدراسیون ملی زنان‌هند (هندوستان) .
فوکی کوشیده ـ فدراسیون سازمان زنان‌جاپان (جاپان) .
ویلمه ایسپین دی‌کاسترو ـ فدراسیون زنان‌کیوبا (کیوبا) .
والنتینا ترشکوا ـ کمیته زنان شوروی(اتحاد شوروی) .
نمایندهٔ ویتنام واعضای دیگر :
انگولا ـ سازمان زنان انگولا .
ارجنتاین ـ اتحادیه زنان ارجنتاین .
کانادا ـ کانگرس زنان کانادا .
چیلی ـ اتحادیه زنان چیلی .
کوستاریکا ـ الیانس زنان کوستا ریکا .
چکوسلواکیا ـ اتحادیه زنان چکوسلواکیا .
بریتانیای‌کبیر ـ اسامبله ملی زنان بریتانیای‌کبیر .
گانیا ـ سازمان مترقی زنان گانیا .
عراق ـ جمعیت زنان عراق .
جمهوری دموکراتیک توده‌ای کوریا ـ اتحادیه‌دموکراتیک زنان کوریا .
جمهوری توده ای منگولیا ـ کمیته زنان‌منگولیا .
موزمبیق ـ سازمان زنان موزمبیق .
فلسطین ـ اتحادیه‌سرتاسری‌زنان فلسطین .
پرتگال ـ جنبش دموکراتیک زنان پرتگال .
سومالی ـ سازمان زنان سومالی .
افریقای جنوبی ـ بخش زنان حزب کنگرس‌ملی افریقای جنوبی .
سودان ـ اتحادیه زنان سودان .

ایالات متحده امریکا ـ زنان بخاطر تساوی نژادی وحقوق اقتصادی .

اوروگوای ـ کمیته متوافق زنان اوروگوای .

۵ ـ کمیسیون کنترو ل مالی :

ترکیب کمیسیون کنترول مالی :

رئیس کمیسیون ـ ایدت ایریدی شورای ملی زنان هنگری .

يك نماینده از سازمان های ملی ذیل :

اتحادیه دموکراتیك زنان آلمان .

جمعیت بخاطر دفاع از حقوق زنان لبنان .

کمیسیون دایمی بخاطر حقوق زنان واطفال درچوکات کمیتهٔ همبستگی ماداغاسکر (ماداغاسکر).

اتحادیه دموکراتیك زنان اطریش (اطریش).

جمعیت دموکراتیك زنان پاکستان .

بخش زنان کمیته همبستگی بین المللی ونیزویلا.

٦ـ سکر تریت :

اعضای سکرتریت ف.د.ب.ز عبارت اند از:

مریم تومینین سکرترجنرال (فنلند) ونمایندهٔ ها از کشور های ذیل :

هندوستان

عراق

اسپانیه

جمهوری سوسیالستی رومانیا .

اتحاد شوروی .

فرانسه

چلی .

افریقای جنوبی

جاپان

مبارزه برای صلح و خلع سلاح به مثابه یکی از وظایف عمدهٔ جنبش بین المللی زنان

صلح نیاز مندی همه خلقها ست ! ولی‌زنان به‌آن بیش ازهرکسی‌دیگری نیاز دارند . سطوری را که در پی میخوانید آخرین کلما ت‌زنانی است که بدست و حشیان هیتلری‌نابود شده اند :

مادر عزیزم !

نو شتن آخرین کلما ت زند گی کارخیلی دشوار یست . نا خود آگاه همه‌خاطرات در ذهن انسا ن زنده میگردد . و بهتر یـــن‌آنها درد توانفر سا یی را ببار می آورد .

درین روز ها همواره من نا گز یر ا م‌تا به خود بگویم . «با شهها مت باش بزانو درنیا» .

ما در جان ! شجاع باش من نیز تلا ش‌خواهم کرد تا دلاور باشم .

انا دختر تو

انا که ۲۹ سال داشت در پرا گ بـــه‌تاریخ ۱۲ می ۱۹٤٤ بدست اشغالگران‌هیتلری تیر باران شد .

عزیزم میمه !

مادر ت برای همیشه از نزد ت میرودولی در آخر ین دقایق زندگی در عالم خیا ل باتو است .

دختر نازنین و بینها یت دو ست‌داشتنی‌ام!تلاش کن دختر خو ب باشی به درسها یـــت تو جه کنی واز ما ماهایت همیشه فرما نبرداریاش آنان رامانندمن دوست داشته باش !

من به آرا می میرو م به همه دو ستان‌ونزدیکان مابگو تا مرا بخاطر گناه بزرگم ، مصیبتی که برایشان ببارآورده ام ببخشند . تو نباید گر یه کنی . من هیچگاه برایت مایه ننگ نبوده ام وقتیکه بزرگ شدی همه چیـزرا خواهی فهمید .
یگانه خواهش ام از تو اینست که‌خو ب‌درس بخوا نی . روحم همیشه با توخوا هـد بود .

مادر بد بخت تو

گاریکی میر که به سن ۲۸ سالگی بـــه‌تاریخ او ل نوا مبر ۱۹۴٤ در ایتالیا بـــدار آویخته شد .

مـادر جان ، مادر !

عنقـریـب لحظـهٔ فـرا میـرسـد کـــه‌با زندگی برای همیشه وداع میگـویـم . همه دشواریها راحا لا دیگر به عقب گذاشته ام .رنج دوری از گانسن کوچکم دیگر به پایا ن رسیده است . از خاطرش تشویشی ندارم . میدانم که او را به دست های مطمئن تـــو سپرده ام .

مادر عزیز ! به من و عده بده کـــه‌بخاطر او با رو حیه باشی ، مطمئنم که تـــو میتوانی این طور باشی همانطوریکه توانسته ای همه رنجها و محرومیت هـای ز نـد گی رابا شکیبا یی تحمل نمایی ، آیا درســـــت‌نیست مادر جان ؟

من نزد گـــانسن بزرگ خودمیروم . امیدواریم فر زند ما مظهر خو بی های پدر ومادر خود باشد . هر باریکه تو او را بسینه خودمیفشا ری مرا بیاد بیاور .

مادر ، مادر یگانه ام ! عشق بزرگ ام‌شما را همواره در حلقه خواهد داشت . به همان اندا زه دلاور باشی که همین لحظه مـــن‌میخواهم باشم !

برای همیشه از تو جدا میشوم

دختر ت ......

خیلده کـــویی ، ۳٤ ساله به تـاریـــخ٥ اگست ۱۹٤۳ در بـرلین تیر باران شد . شوهرش گانسن کـویی در سال ۱۹٤۲ بـدار آویخته شد .

اینها و هزاران زن دیگر کـه قـربانـــی‌جنگ های امپریا لیستی شده اند ، مسلما استحقا ق زندگی را داشتند . آ نـان بایستی‌میز یستند ، می آفریدند و به‌انســـا ن وزندگی زیبا عشق میورزیدند .

صاحبان میلیونها جوره بوت طفـــلا نـــه‌که همین اکنون درسا حه موزیم اردو گاه‌مرگ آشویتس بجا مانده است ، میلیونها کـــودکیست که در کوره های جهنمی هیتلر خاکستر شده اند .

چنین است راه آورد جنگ برای مادران‌و زنان واز همین جاست که جنبش‌دموکراتیك بین المللی زنان به جزارگانیك جنبش هـوادارا ن صلح مبد ل گردیده است . هنـــوز

در بدو تاسیس فدراسیون جهانی زنان برنامه مبارزه زنان به خاطر صلح درمانیفیست فدراسیون مصوب دومین کنگـــره آن سازمان تجلی یافت . واز زنان جهان دعوت بعمل آمد تا بمثا به نیمه بشریت در نبرد علیـــــه جنگ ونیستی بسیج شوند .

امـــروز فـــدراسیـــون یکجـا بـا همـــه بشریت متر قی در صدد آن است تا از فاجعه وحشت انگیز جنگ ذروی که امپریا لیزم سخت در پی آتش زد ن به آنست جلو گیری بعمل آید . زیرا در او ضاع بین المللی تشنجا ت ناشی از تحریکا ت امپر یالیزم و تهد یـــد جهان به جنگ هستوی تباه کن نسبت بهـــر وقت دیگر بیشتر محسو س است. امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم امریکا تپ و تلاش های مذبوحانه را در هر چـه مختنق تـــر سا ختن فضا ی بین المللی و ایجاد یـــك جنگ گر م هستو ی آغاز نموده واز همه نیرو برای خنثی کردن تلاش های نیرو هـــا ی متر قی در زمینه رفع تشنجا ت بین المللـــی استفاده بعمل می آورند وباتکا با ماشیـــن جنگ افروز ناتو مسابقا ت تسلیحا تی ر ا شدت بخشیده وروزتاروز انبار انواع واقسام سلاح های هستو ی را افزایش مید هنـــد جنگ های نفر ت انگیزی را در گو شه ها ی مختلف جهان که هزارا ن ، هزار انسا ن را با تباهی و نیستی مواجه میسازد ، دا مـــن میزنند .

امپر یالیزم امریکا که در قبال این حوادث مقصر است باز هم بودجه نظا می خود را می خوا هد به اضا فه تر از دو صد میلیارددالر افزایش دهد ، تصمیم ایـــجاد (۱۴۰) فابریکه تو لید سلاح را در ایالات متحـــده امریکا دارد و می خوا هد پایگاه های نظا می خود را در دیگـــو گــــارسیا ، مصـــر، کنیا وآسترالیا مستقر سازد . امپریالیزم امریکا با این اعمال وحشیانه چهرهٔ بی نقاب خـــودرا یکبار دیگر با همـــه نفـــرت انگیـــزی اش به جهانیا ن می نمایاند .

در قبا ل این همه اعمال جنایتکارا نه بشریت متر قی وظیفه حیا تی حفظ صلـــح و جلو گیری از جنگ را روی دو شهـــا ی خود میکشند ، امروز دیگر اعلان موا فقـــت باصلح و خلع سلاح کافی نیست شرایـــط امروز ایجا ب میکند تا جنگ افـــروزان را شناخت ووا قعبینا نه در ك نمود که کـــی برای صلح و استحکام آن میـــرزمـد . باید همه کسانی که آرزو مند زندگـــی سعادتمند فردا یند و در برابر حیا ت نسل هـــا ی آینـــده احساس مسؤولیت می نمـــاینـد با پیوستن به صفو ف مبا رزین فعال راه صلح علیه فاجعه وحشتناك جنگ ذروی بپا خیزند .

زنا ن به مثا به نیمه جدا یی نا پذ یـــر بشریت بیشتر از همه تشنه صلح اندزیرایك مادر فقط در فضای صلح آمیز قادر به تر بیه فرزندا ن سا لم است .

مبارزه ثمر بخش زنان برای تحکیـــم امر صلح از مدتها بدینسو جر یان دارد و به ویژه بعد از جنگ دو م جهانی این مبا رزه پیگیر به صور ت متشکل و همه جا نبه در

وجود فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین المللی‌زنا ن متجلی گردید .

فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین المللی‌زنا ن که چند ی قبل ۳۵ مین سا لگردتاسیس خود را تجلیل نمود و ساز مان دمو کرا تیک‌زنا ن افغانستا ن افتخار عضو یت آنرا دارد توانسته انز جار و نفرت عمیق ز نـــــا ن‌سرا سر جهان را علیه جنگ این عا مــل تبا هی بشریت مو فقا نه ساز مــــا ن‌بد هــد .

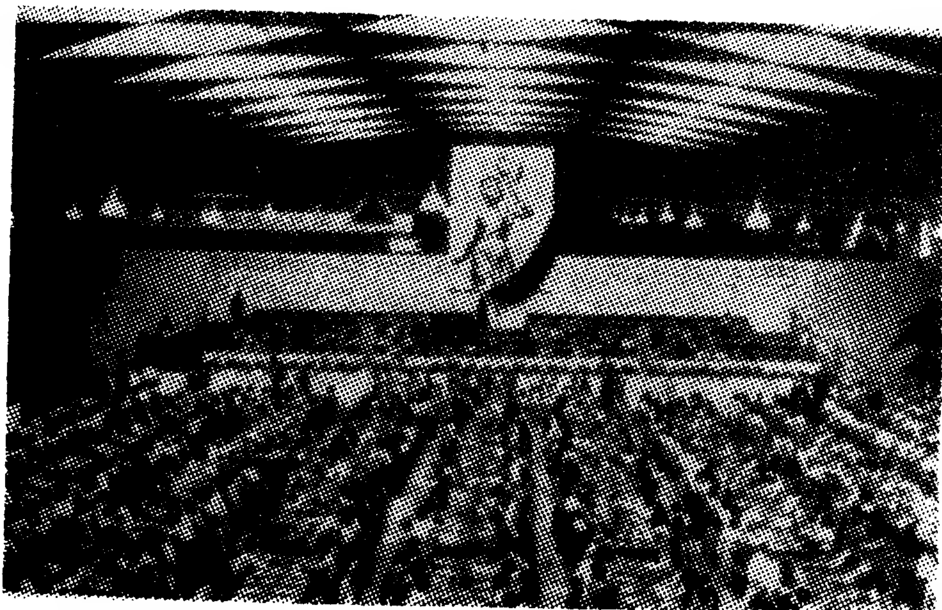
فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین‌المللـی‌زنا ن از صلح بمثا به تضمین مطمئنی برا ی سعاد ت و آسایش کودکان ، رفاه خا نـواده‌وسعاد ت همه بشر یت با همه نیرو دفا ع مینماید . زیرا فدراسیو ن معتقد است که‌حل وفصل مثبت مسایل مبر م بین المللـی تسریع کننده وظایف فدرا سیون در مبا رزه‌برحق احیای حقو ق زنا ن به حسا ب میرود از همین جهت برای تحکیم امر صلح ، علیه‌مسا بقا ت تسلیحا تی و جنگ مـبـــارزه بر رسی پس منظر ۳۵ ساله کا ر وپیکار پر تلاش و درخشان فدراسیون تثبیت کننده این ادعا است .

- در ســـال هـــــای ۱۹۷٤ - ۱۹٤۷ فدراسیو ن دمو کرا تیک بین المللی زنا ن کمپاین وسیع تبلیغا تی را در تمام ساز مان‌های ملی آن فدرا سیو ن علیه مشتعـــــل سا ختن جنگ های ذروی بر پا کرده و بـــااستفاده از اشکا ل فعال مبارزه چون دایـر نمودن میتنگ ها ، جلسا ت ، بیا نـــــا ت‌و طرح پیشنهـادات مشخص بـه مـوسسه ملل متحد ، خوا ست خود را برای جلو گیری‌از افزایش تو لید سلاح و منع استفاده از سلاح ذ روی ابراز نمود .

- کنگـــرهٔ دوم فدراسیون کـه در سال۱۹٤۸ در بودا پست دایر شد نمو نه بارز از تلاش های ایـــن فـدراسیون جهـت تحکیم‌امر صلح است . درین کنگره مانفیست صلح که بر نامه اساسی کا رو پیکار فدر اسیون‌درجهت تحکیم صلح محسوب میگردد بتصویب رسید . درضمن از زنان سراسر جهان جهت‌مبارزه برای استقرار صلـــح بمثابه نیـــاز مبـــرم عصر ما دعوت بعمل آ مـــد . فقـــط یك سال بعد ا ز آن نقش فـد ر ا سیو ن در تا سیس نخستین کنگره سر تا سر ی‌پرچمداران صلح جهانی متبارز گردید . این کنگره افاده گر نیرو مندی جنبش جهانـــــی‌نیرو های صلح دو ست بمثا به ســـــــد شکست نا پذیری در بـرابـر نقشـه هـای‌توسعه طلبانه امپریالیزم جنگ طلب بـوده است . فدراسیو ن دمو کرا تیك بین المللی‌زنان ، عضویت در هیأت رئیسه ایـــن شورا راکسب نموده است .

در نتیجه کار خستگی نا پذیرفدراسیو ن‌نصف تعداد امضا کنند گان در پای سنـــد استاکهولم را زنان تشکیل میدهند .

فدراسیو ن درسال ۱۹۵۵ فریاد مادرا ن‌را به خا طر حفظ جگر گو شه های شان از خطر جنگ در کنگرهٔ جهـانی مـــادران منعقده‌لوزا ن بلند نمود . درین کنگره که در نتیجه



درکنگرهٔ منعقدهٔ لوزان سال ۱۹۵۵ مادران سوگند یاد کردند که بخاطر تحکیم امر صلح هیولای جنگ را ازپا درمی آوریم .

فعالیت فدراسیون مادران سراسر جهان بخاطر ابراز نگرانی عمیق از در گرفتن جنگ ذروی که در آنزمان خطر آن روبافزایش بود نمایندگان خود را به لوزان فرستادند تا نفرت عمیق زنان را که مادرند ازجنگ این عامل تباهی بشریت ابرازنمایند و نیرو های جنگ طلب را از تصا میم وحشتنا ك جنگ ذروی که باعث ریختن خون هزاران هزار انسا ن میگردید مانع شوند . اعلا میه که مادران درین کنگره به تصویب رسانیدند ندای درونی یك مادر را میرساند که چگو نه نگرا ن سر نو شت آینده فرزندا ن خود است .

در تصویب نامه این کنگره چنین آمده است:

ما نمیخواهیم که فرزندان ما به جان همدیگر بیا فتند ، ما کودکان خود رادرفضای دوستداشتنی صلح پرورش میدهیم وبهیچ نیرویی اجازه نخواهیم داد در رو ح آنها نفر ت وعمل ننگین نژاد پرستی را اشاعه دهد زیرا همه اطفال اعم از سفید یا سیاه و یا زرد پوست همه استحقاق بهتر زیستن را دارند ، همه به صلح ضرورت دارند و ما با همه نیرو از آنها دفاع میکنیم .

ما صادقانه سو گند یاد میکنیم که بخاطر تحکیم امر صلح که منفعت همه کود کان درآن مضمر است یك پار چگی خود را حفظ و هیولای جنگ را از پا در میاوریم ، ما با شعار خلع سلاح ، خوا هان دو ستی بین خلقها هستیم و دست دو ستی بسوی همد یگر دراز میکنیم و بدینگو نه به پیشواز بهارا ن پر شکوه صلح و صفا میرویم .

گردهم آ یی با عظمت مادران درلوزا نقد ر ت ارزشمند ز نان را که مادر انـــد برای حفظ و تا مین صلح ، همبستگـــــی شانرا در مبارزه علیه امپریالیزم جنگ‌افروز با جهانیان اثبات نمود .

نیروی مادر برای نجات کود کـــان وخانواده ، برای تامین زندگی آرام و بـــا سعاد ت نیروئیست لایزا ل و شکســــت‌ناپذیر .

کنگـره بین المللی زنان منعقـده شهـــرماسکو درسال ۱۹٦۳ نقش زنان را در مبا رزه برای صلح و خلع سلاح ، مثبت و پر ثمـــرارز یا بی کرد و در ضمن این کنگره اتکاء روی مطالب زیرین راسخت مورد تو جـــــه‌قرار داد .

- جلو گیری از جنگ ذروی .
- خلع سلاح عام و تام .
- محو استعما ل سلاح ذروی درپژوهش‌های نظا می در سا حا تی چون کره زمین فضا و بحر .
- نا بودی تما م ریشه ها و نشا نه های‌جنگ دوم جهانی در قاره ارو پا .

از تریبیون با عظمت ایـن کنگره بیـــن‌المللی اولیـن زن فضـانـورد جهان والنتینا ولادیمیر وا تر شکوا سخنرا نی نموده گفت ،«من قاطعا نه اعتقاد راسخ دارم که ندای صلح خواهانه همه نمایندگـــان این کنگره به نفیر توفنده ضد جنگ مبدل خوا هد گردید کـــه انفجارا ت گوش خراش رانا بود خوا هــــدکرد .

والنتینا ترشکوا د ر مورد خـــاطره اولیـن‌پرواز خودبه نمایندگـــان گفـــت : «ایکـاش کشتی فضایی من وستوك -٦بوسیله پیونـــد دهنده بین قلب های تمام زنان جهان مبد ل گردد .

من سیاره مانرا ، از فضا خیلی قشنگ وزیبا یافتم . می خواستم درآن لحظات احساسم را به همه جهانیان و به همه مادران بـرسانم واز آنا ن دعو ت نمایم تا نگذارند فضا ی شفا ف و نیلگو ن سیاره دوست داشتنی مارا‌ابر های تیره جنگ و غبار های سیاه تصادم اتمی تیره سازد .

من نیم ساعت زیبا یی سپیده سحررا در فضا دید م و طلوع آفتا ب رابا همه زیبائیش ، ما هیچگاه نمیتوا نیم به هیــــچ‌نیروی اجازه بد هیم که در خشند گـــــی اشعه زرین آفتاب را طـوفـان انقـلاب های‌ذروی از دیده ها پنهان سازد .»

بزرگترین اهمیت کنگره ماسکو دریــــن‌امر بزرگ نهفته است که با ارائه مثال های متعدد و از تجا ر ب سال های دراز مد ت‌گذشته باین نتیجه رسید ند که مبا رزه در راه صلح پیو ند ارگانیك و جدا یـــــــی‌ناپذیر با مبارزه بخا طر استقلال ملی علیه استعمار و استعمار نو ین دارد .

بدین وسیله سهمگیری زنان در جنبش‌های رهایی بخش ملی ، این جنـــبش را در براپراستعمار گرا ن نیرو مند تـر ساخت .

ـ کنگره جهانی هوا دارا ن صلـــــح‌درسال ۱۹۷۳ در شهر ماسکو انکشاف وتوسعه همگا نی جنبش بین المللی صلح رابار آورد.درین کنگره تا ریخی ، بیش از صد ساز مان ملی و(۲۰) موسسه بین المللی که از آ نجمله ۹ ساز مان بین المللی زنـان بشمول فدراسیو ن دمو کرا تیك بین المللی زنان و۹٦ ساز مان ملی زنان از ۸۱ کشور جها ن شرکت نموده بودند . درین کنگـــره همـــه نمایندگان سازمان های زنان هم عقیده با هم پروگرام مشخص همگو ن سا ختن عملیا ت‌نیرو های صلح دوست جهان را در مبا رزه برای تامین صلح تدوین نمودند .

در ین کنگره هـر تــه کوِسی نیـن رئیس‌فدراسیون دموکراتیك بین المللـی ز نـا ن سخنرانی نمود. اوبه نمایندگی از فدراسیون اسناد و فیصله های کنگره ماسکو را تاییـــد و پشتیبانی خود را از آن اعلان نمود .

نتیجه نها یی کنگره این وا قعیـــت‌را یکبار دیگر تاکید کرد که باید هر چـــه فشرده تر و سریعتر توده های ز نـــا ن‌به جنبش بین المللی صلح جلب واز هـمه نیرو و امکان برای بر آورده شدن ایــــن‌هدف باید استفاده کرد .

نقش بر جسته فدرا سیو ن در مبا رزه‌علیه نیرو های خو ن آشام امپریا لیستـــی شگا ف عظیمی در دیوار پولا دین استبدادوارد نموده و قدرت پیکار زنان را در مبا رزه علیه استعما ر گران غار تگر ، بخاطر استقلال‌ملی و برای تا مین امر صلح به اثبـــا ت رسانیده و بسا ن مشعلی در آسمـــان‌پیکارانقلا بی می در خشند .

سا ل ۱۹۷٥ در تحت فشار افکار مترقی‌جهان وبه ابتکار فدراسیون د مو کر ا تیـــك بین المللی ز نا ن موسسه ملل متحد و ادارشد که سال ۱۹۷٥ را بنام زن جهـــت بررسی کارنامه ها ونقش زنان در همه جهـات‌زندگی تجلیل نماید . بدین مناسبت گردهم‌ـ آیی وسیع زنان در بر لین صور ت گر فت‌که‌یکبار دیگر بر نامه فعالیت زنان را جهت‌بدوش گرفتن نقش فعال در مبارزا ت عادلا نه صلح‌خواهانه مورد تایید قرار داده ودر پیا م‌این کنگره به زنان سراسر جهان چنیـــــــن‌می‌خوانیم :

فعالیت و تلاش نسل امروزی سیما ی‌سیارهٔ مارا در آینده ترسیم میکند و در برا بـر همه این حوادث مامسؤول هستیم ، سیاره ما‌میتواند به با غ شگوفان و پرثمری مبـــدل گردد ویا بیابان و یرانه باشد که محصـــو ل‌جنگ ذروی خواهد بود . سیاره ما میتواند به سیاره صلح و همکا ری متقابل دو ل و یـــا‌اینکه به سیاره که در آن عدم عدالت‌وتجاوزات حمکفرما یی میکند مبد ل گردد .

زن که از عصاره وجـودش طفل خـــود را میپرور اند از حق خاصی برای تا مین آینده شگو فان برای آنها بر خور دار است .

درپیام کنگره زنـان در بر لین بـــــ ه جهانیان اعلام گردید :

ما با همه نیرو در برابر مسا بـــقا ت تسلیحا تی قد علم میکنیم تا بدینو سیله حقوق واقعی زنان راتا مین نماییم ،ما علیه همـــه انحصارا ت تجاوز گر نظا می پیکار مینماییم ما نیرو های امپریالیستی را که امرصلح راباتشنج مواجه میسازد تقبیح می نمائیم .

فدراسیو ن دمو کراتیك بین المللـــی زنا ن در نتیجه تلاش های پیگیر بــــرای جلو گیری از تا خت و تاز های وحشیا نـــه امپریالیزم برای دامن زدن بیك جنگ هستوی وسهم فعال برای تخفیف تشنج بیـن المللی توانست کـــه مـــدال طـلایی صلـح را بنام (ژو لیا کوری) بدست آورد .

یك بر رسی کو چك از ارقام سر سام آور مصارف نظا می ما را به واقعیت گیـــج کننده نتایج ناشی از مسا بقا ت تسلیحا تـی مواجه میسازد ، تو جه کنید همه سا لـــه ۵۰۰ میلیارد دالر را مسابقا ت تسلیحا تـــی می بلعد. فقط درایالات متحده مصارف بـرای تسلیحا ت به ۱۵۰ ملیارد دالر میرسد وریگن رئیس جمهور جدید تلاش میورزد تا این رقم رابه ۲۲٦ میلیارد دالر افزایش دهد . تعـدادزیاد متخصصین در امور مربوط به تسلیحـــا ت مصروف اند درحـــدود ۸۰ میلیون انسان دررشته های مختلف تو لید اسلحه جـــا ت اشتغا ل دارند و تقر یبا فعالیت (۲۵فیصد)دانشمندا ن با امور نظا می پیو نـــــــد دارد .

محافل جنگ طلب امپریالیستی اینشکست خوردگان دهه ۷۰ سخت سراسیمه اند .

دست آورد های حا صله نیرو هـــای صلح، دموکراسی و تـــرقـــی در دهه اخیر آنان را به زوزه کشیدن وا داشته اســـت .امپر یالیز م به «ابتکارات» تازه یی دست میزند ستراتیژی جدید نظا می را طر ح و عمـــــل مینماید که بر پا یه آن «جنگ محدود ذروی» را تو جیه و ناگز یر جلوه مید هند و همیـن اکنون مصروف ایجـاد پایه هـــا ی مـــادی وفنی ایـن ستراتیژی انـد . ٦۷۲ راکت بـوردمتوسط در اروپا جا بجا میگردد . تـا ســـال ۱۹۸۲ قوای عکس العمل سریـــع یکصـــلـو ده نفری که قادر است در مدت ۷۲ سا عـــت به هر نقطه جهان منتقل و مد ت دو ماه بدون کمك از مر کز عملیا ت نماید در حـــا ل ایجاد است .

۲۵۰۰ پایگاه نظا می امریکـــا در ۱۰۰کشور جهان وجود دارد که بمثابه پایگا های ضد جنبشهای رهایی بخش خلقها و مداخله در امور داخلی دیگر کشور ها مورد استفاده قرار میگیرند .

ایا لا ت متحده امریکا به ایجاد پایگا ه های جدید و مدرنیزه ساختن پایگاه هـــای

قبلی در جـزایــر دیگـوگـارسیا ، عمـان،سومالی ، کینا و مصـر متوصـل گـردیده است .

امریکا عرضه گر ٤٠ فیصد وسایـل‌نظامی در جها ن است .

ازین مدرک ١٠٠ میلیون دالر همه ساله‌به جیب گردانند گان انحصارا ت بزرگـک امریکا یی سرا زیر میگردد .

امریکـا و آلمـان فـدرال بیشتـر یـن بخش محصو لات نظا می خو یش را به‌شرق میا نه صادر می کنند . اسرائیل وعربستا ن‌سعودی بازارهای درجه یـک سرازیر شـدن اسلحه امریکا یی و آلمانی است . همیـن‌اکنون گدا م های ذخیره اسلحه این کشورها را می توا ن باذخیره های جنگی نا تـو‌مقایسه کرد .

خریدار د یگـر اسلحـه امـریکـایی‌رژیم منفور افریقا ی جنو بیست . امریکـا با تقویه پوتنسیال نظامی جمهـوری افریقای‌جنوبی را به پایگاه راسیزم و اپارتاید مبدل ساخته‌است .

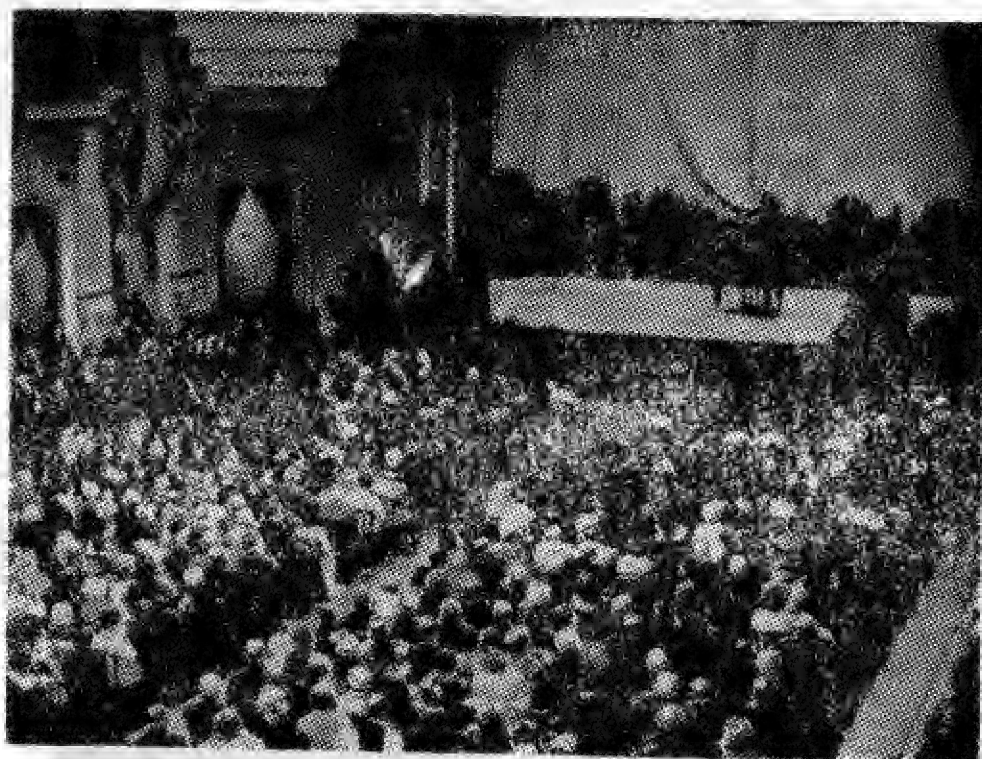
مجمو ع مصار ف نظا می کشور هـای‌در حال رشد به ٣٠ ملیارد دالر بالغ میگردد ایـن مصارف تحمیلی با منافـع خلقهای کشور های نو به استقلال رسیده از بنیاد در تضاد است . زیراراه آوردآن برای خلقهـای ایـن‌کشور ها بجز گرسنگی، مرض ، فقرو عقـب ماندگی چیز دیگر نیست .

به تقصیر امپریالیزم طی مدت بعـد ازجنگ‌دوم جهانی ٢٠٠ تصادم نظامی در ساحه این کشور ها صور ت گر فته‌است .

به وسیله پولیکه در جهـــا ن‌جهت مسا بقا ت تسلیحا تی به مصر ف می رسد در امور مربوط بـه تعلیم و تر بیـه‌دو مر تبه ودر امور حفظ الصحه سه مر تبه جهت بهبود زندگی انسا نها افزایش بعمـل‌آمده میتواند . بعد از جنگ دو م جها نـی ٧ تریلیو ن دالر برای تو لید سلاح مصر ف‌شده واین رقم برابر با مبلغی است که در طو ل یکسا ل بشر یت در نتیجه فعا لیـت‌وکاربوجود می آورند. فقط ده فیصد تقلیل در مصارف نظـا می اعضا ی شورا ی امنیـت‌موسسه ملل متحد امکانا ت آنرا مسا عـد میسا زد تا وسایل تحصیل برای صد ملیون‌طفل آماده گردد .

آمار اخیر در مورد دو ملیارد وششصـد‌ملیون باشند گا ن کشور های در حا ل رشد سخت رنج آور و رقت انگیز اســـت .(٨٠٠) ملیون انسان دریـن کشور هـا بیسواد اند ویك ملیارد آن همیشه گرسنه‌اند ، درآمد روزانه ٩٠٠ میلیون آن تقریبا ١ر٣ حصه یك دالر است . فقط اگر چند اقدا م در راه‌خلـع‌سلاح صورت گیرد پول قابل تو جه برای‌کمك ملیون ها انسا ن گرسنه و بی غذا تهیه‌خواهدشد و اگر مسا بقا ت تسلیحا تی کا مـلا متو قف میشد و تمام عواید آن در اختیـارسکتور صلح خواهانه اقتصاد قرار میگر فت تصور کنید آهنگ رشد همه جهـات زندگـی‌بشریت تاچه حدود ی سر عت میدا شت .

با در نظر داشت همین مطلب حیاتیست که فدراسیون با همه مسؤولیت در برابر حیا ت ملیو نها انسا نی که به نان ضرور ت‌دارند در بر نامه خود روی ضرورت مبارزه برای منع آز مایش های ذروی و عدم‌استعمال ایـــن سلا ح و خلع سلا ح عا م و تـــا م سخت اتکاء میکند .



گردهم آیی ویانا تحت شعار «در شرایط کنونی خلع سلاح عام وتـام باید به ضرورت حتمی مبدل شود» گشایش یافت .

به ابتکار فدراسیون مجمع بین المللی‌برای‌خلع سلاح و در دسمبر ۱۹۵۹ وملاقات درویانا در‌تحت شعار«در شرایط‌کنونی خلع‌سلاح‌عام‌وتام‌باید‌به‌ضرورت حتمی مبدل شود» درماه مارچ ۱۹۶۲ صورت گرفت . همچنان درماه نوامبر۱۹۷۱ فدراسیون در باره خلـع سلاح پیامی را که در بر لین تایید شده بود به موسسه‌ملل متحد فرستاد . سیمینار های بین المللی تحت شعار (زنان جهان آماده مبارزه درراه‌صلح اند) در سال ۱۹۷۵در شهر نیویار ك و تحت‌شعار (زنان وخلع سلاح عمو می) د سال ۱۹۷۸ در ویانا صورت گرفت .

فدراسیو ن جهت همبستگی فعا لیـت‌سازمان های ملی کشور برای مبارزه عـلیه تولید سلاح ایجاد مـلاقات ها ی رابین ایـن‌سا ز مانها تدا ر ك دید و در چند کشو ر

این سازمانها با ایجاد مظاهرات، پیامها و فرستادن هیات خود به پارلمان و حکومت عدم رضائیت خودرا با تولید بمب نیوترونی ابراز داشته و تقاضای متعددی در زمینه منع تولیدات بم نیوترونی ابراز داشته و جابجا کردن آنرا درکشور های اروپای غربی شدیدا تقبیح نمودند.
فدراسیون سیمینار ز نان کشور های اروپائی‌را دربارهٔ حل مسایل خلع سلاح و منع بمب نیوترونی در سال ۱۹۷۹ در کو پن هاگن ودرسال ۱۹۸۰ در وارسا مبتکرانه سازمان داد .
والینتینا ترشکوا به حیث معا و ن ر ئیس فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان در رأس هیات فدراسیون در جلسه اختصاصی مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در مورد مسأله خلع سلاح تشکیل شده بود حضور داشت . اودرسخنرانی خود بدین مناسبت اظهار داشت ملیونها زن در جهان با همه نیرو آماده اند تا بصورت خستگی نا پذیر و مداوم در راه خلع سلاح ، تخفیف تشنج بین المللی ، بخاطـــر تامین صلح که نیاز مبرم زمان ماست وبخاطر خوشبختی خلقها برزمند .
در ۲۵ اکتبر سال گذشته ز مانیکه هفتـــه تعیین شده از طرف ملل متحد به خاطر خلـــع سلاح در یکتعداد از کشور ها بر گزار میشد یکروز این هفته بنام مبارزه زنان در راه صلح تعیین گردید .
سازمانهای ملی زنان عضو فدراسیون تظاهرات ونمایش های عظیمی درین روز تحت شعـــار «نابود باد جنگ ذروی» براه انداختند .



نمونهٔ از تظاهرات خیابانی زنان بخاطر تأمین صلح .

در تظاهرات خیابانی در انگلستان هفـتادهزارزن شرکت داشت . میتنگ های بزرگ در مرز های آ لمان فد رال ، فرانسه و اطریش دایر گردید .
گرد هم آئی ز نان در سیمینار منطقـــوی عدن تحت شعار « زنان در مبارزه بخاطرصلح وعلیه تجاوزات امپر یالیزم در مناطـق خلیج فارس و بحرهند ، حادثه پراهمیتی در تاریخ صلحجویانه زنان محسوب می گردد .

شرکت کنندگان سیمینار ، نمایندگان بیست و چهار سازمان ملی زنان نزده کشور قاره های مختلف جهان پیامی رابه تصویب رسانیدندکه درآن از دو لت های عراق و ایران به قطع جنگ و آ غاز مذاکرات بخاطر حل و فصـــل سیاسی مسائل مورد ا ختلا ف فرا خواندند. هم چنان درین پیام تقاضا گردیده است تامنطقه بحر هند بهزون صلح و آرا مش مبدل گردد .

در پیام فد راسیون به پیشواز کنگرۀ جهانی زنان آ مده است که :

« بر خورد ما در برابر قضایاو پرا بلم های کنونی جهان می تواند متفاوت باشد و لی مـــا معتقدیم که مبارزه بخاطر صلح و استحکـــام مواضع آن ، تلاش همه جانبه در جهت سعادت وامنیت خانواده ها و کودکان مان همۀ ما راباهم پیوند میدهد . »

فدراسیون ساز مانهای زنان جاپان(فودا نرین) در جهت تحقق و رعایت سه پرنسیپ: سلاح ذروی نباید تو لید گردد ، نبایدخریداری شود و نباید در سر زمین های دیگر جا بجـا گردد کار عظیم و پر ثمری راساز مان میدهد. خاطره قربانیان بمب ذروی شهر های ناکاساکی وهیر وشیما برای همیشه نزد زنان جاپان باقی خواهد ماند.

همه ساله در سر تاسر جاپان این تاریخ رابمثابه عزای ملی بر گزار می کنند .

درسال ۱۹۸۱ « فودانر ین » ضمن اشتراک در کمپاین عنعنوی بهاری بخاطرصلح طرح لغو قرار داد نظا می جاپان وامریکا و ا خـــراج پایگاه نظا می امریکا را از قلمرو جاپان، به پیش کشید .

نقش ز نان آ لمان فدرال در مبارزه عـــلیه ملیتاریزم و نیو فاشیزم بطور بی سابقه ارتقاء یافته است .

درسال ۱۹۸۰ زنان دمو کرات جمهـــوری فدرال آلمان در شهر دیوسلدورف گرد آمـده وطی اعلامیه خطاب به کلیه ز نان آلمان خاطر نشان سا ختند که: « احیای مجدد فاشیزم و بروز جنگ را هر گز اجازه نخواهیم داد. ازحقوق ز نان دفاع خواهیم کرد و بخاطر تحکیم سیاست رفع تشنج بطور دوامدار خوا هیـــم رزمید ....»

این بود تاریخچه مختصر از تلاشهای صلح جویانه فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان بخاطر جلوگیری از اشتعال عفـریـــت جنگ وخوشبخت زیستن همه باشندگان سیاره ما .

کنگره سر تاسری ز نان جهان از ۸-۱۳اکتوبردرپراگ تحت شعار (مساوات، استقلال ملی و صلح) در شرایطی گشایش می یابدکه تن آ ما سیدۀ امپر یالیزم باز هم در صدد آنست تابا مشتعل سا ختن جنگ بخیال خودشان خودرا از مرداب نابودی نجات دهد .

یکبار دیگر درین کنگـــره مسألـه اشتراک زنان در مبارزه علیه مسابقات تسلیحاتی وجنگ مورد مباحثه قرار خوا هد گرفت و یکـــی ازکمیسیونهای کنگره روی پرو بلم اشتراک زنان در مبارزه بخاطر امر صلح و خلع سلاح فعالیت خواهد نمود .

اخیرا کمیته زنان شوروی طی پیامی بهمهٔزنان جهان اعلام داشته است تا مبارزات‌خودرا در راه منع مسابقات تسلیحاتی آ غاز و خطرجنگ ذروی را نابود کنند . درین پیام ازهمهٔ زنان جهان د عوت بعمل آ مده تافعالانه‌برای‌تخفیف تشنج بین المللی سهم گـرفته و از پیشنهادات در بارهٔ صلح وامنیت در منطقـــه‌خلیج فارس ، دربارهٔ ایجاد زونهای بـــدون سلاح ذروی در افریقا ، امریکای لاتین وشرق‌میانه، دربارهٔ تاسیس زونهای صلح در جنوب شرق آسیا، در بحر هند و مدیترانه، دربارهٔاستفاده از تدابیر اعتماد در شرقمیانه، حمایه وپشتیبانی نمایند .

در اعلامیه گفته میشود : شرکت نمایندگان‌همهٔ زنان جهان و جمعیت های مترقی درکنگره سرتاسری زنان که از ۸ـ۱۳ اکتبر در پراگ‌گشایش می یابد ضربهٔ نیرو منـــد و سد مستحکمی در برابر فعالیت های تجاوزکارانهٔامپریالیزم خواهد بود و یقیناً ایـن کنگـره به سنگـر مطمئن جنبش عمومـی زنان بـــرای‌نابودی خطرجنگ وتأمین دوامدارصلح مبـدل خواهد شد .

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان بـــه‌نمایندگی از همهٔ ز نان کشور با و ضا حت کامل پشتیبانی همه جانبه خودرا ازمتن‌اعلامیه‌کمیته زنان شوروی اعلام میدارد و در همـــه سیمینار ها ، کنگره ها و ملاقات های کـــه‌به ابتکارفدراسیون به منظور تا مین‌امر صلح جهانی صورت می گیرد فعالانه شرکت خواهدنمود .

شورای مر کزی ساز مان دمو کراتیک زنان‌افغانستان‌در پیام جوابیه این اعلا میه عنوانی کمیته زنان شوروی و عنوانی بوروی‌فدراسیون‌دمو کراتیک بین ا لمللی ز نان متذکر می‌گردد:

« ساز نان‌افغانستان با احساس عمیق‌ودقت‌تمام پیام کمیتهٔ ز نان شوروی را به زنـــان جهان استماع نمودیم . ما درنگرانی وتشویش‌تان که از تلاشهای تهاجمی و دستبرد ز دن امپریالیزم به داعیه صلح و امردیتانت ناشی‌می‌گردد ، خود را عمیقا سهیم میدانیم .

کورس جدید تشدید مسابقات تسلیحـاتی‌که توسط امپریالیزم جهانی آ غاز گـــر دیده است ثبات و تعادل او ضاع بین المللی رابهم میزند وامکانات بروز جنگ را هر چـــه بیشتر گردانیده است .

امروز ثروت های مادی و معنوی فراوانـی‌را که باید درجهت رفع نیاز مندی هـــای خلقهای کشور های کم رشد مورد استـفـاده‌قرار می گرفت، مسابقات تسلیحاتی و تدارکات جنگی بکام خویش فرو می برد .

دفاع از مواضع صلح ، اینست مقدسترین‌وعمده ترین و ظیفه هر انسان سیارهٔ ما بویژه زنان ، زیرا زن بمثابه مادر بیش از هرکسی‌دیگراز مصیبت جنگ متضرر گـــردیده و از آنجائیکه تامین سعادت کودکـــان ، آرا مش‌کانون خانواده و تر قی اجتماعی تنهادرشرایط صلح آمیز امکان پذیر است بناعاً زنان مترقی‌جهان بخاطر سعادت خود و کو دکان خویش در پیشاپیش سپاه هوا داران صلح ، آ نانیکه‌علیه جنگ ، تو سعه بود جه های نظا می و خطر تصادم اتمی‌میرزمند، حرکت میکند .

مازنان افغانستان بخاطر سا ختمان جا معهٔ‌مسعود و شگو فان مانند هر خلقی به صلح وآرامش نیاز مندیم .

پلانهای ابتکاری صلح آمیز اتحاد شوروی‌رابه مثابه پلان عملی تشنج زدایی و تـأمین اعتماد بین دول وامنیت دسته جمعی ارزیابی‌نموده‌پشتیبانی‌قاطع‌خویش راازآن‌اعلام میداریم.

پیشنهادات جدید اتـــحاد شوروی پلا ن‌مشخص وعملی ثبات اوضـــاع را در اروپـــا عادی شدن و ضع در شرق‌میانه و ایجادفضای‌اعتماد متقابل در شرق دور و میانه محسوب می‌گردد و گرانتی مطمئن جهت تا مین صلـــح‌پایدار و جلوگیری از تصادم اتمی‌میباشد .

از پرو گرام صلح لیو نید ا یلیچ‌بریژنف‌منشی عمومی کمیته مر کزی حزب کمونیست وصدر هیات رئیسه شورای عـــا لی ا تحـــا دشوروی برای سالهای ۸۰ تائیدوپشتیبانـــی عمیق و قاطع خودرا اعلام‌میداریم .

ازپیشنهاد ساز مان ملل در ارتباط باتدویرکنفرانس جهانی در سال ۱۹۸۱ که در شهر کولمبو تحت شعار مبدل سا ختن منطقه بحرهند به منطقه صلح برگزار می‌گردد پشتیبانی میکنیم .

وپشتیبانی بیدریغ خویش را از طرح های‌صلح آمیز اتحاد شوروی در ارتباط با اعـــلان منطقه خلیج فارس بمثابه صلح وامنیت‌واعلان‌قارهٔ امریکای لاتین وشرق میانه بمثابه‌زونهای بدون سلاح ذروی و مبدل شدن جنوب شرق‌آسیا و منطقهٔ بحر هند به زون‌صلح وامنیت وایجاد فضای اعتماد درشرق دور اعلام می داریم .

درشرایط توطئه های امپریالیزم امریکـــا، هژمونیزم چین علیه و طن محبوب وانقلابی‌ما، زمانیکه امپریالیزم در تبانی با متحدین خویش‌جنگ اعلان ناشدهٔ را علیه خلق ما براه‌انداخته است مبارزه بخاطر صلح ومحوکانون های‌جنگ‌برای ما زنان افغانستان اهمیت ویژوبخصوصی را کسب می نماید .

زنان کشور ما که بیش از هر و قت دیگربدورا دور ساز مان دمو کراتیك زنان‌افغانستان حلقه زده اند نقش قابل ملاحظه را در تحکیـــم‌وحدت ویکپارچگی خلقهای مادرسا ختمان‌جامعه نوین در پیکار مقدس ودشوار مردم‌علیه‌دشمنان‌وطن وانقلاب ملی و دیمو کراتیك ما ایـــــن گماشتگان امپریالیزم وار تجاع ایفاء مینمایند.

آنان بخاطر سعادت کودکان و مقا طعـه بارنج ، فقر ، گرسنگی و بیکاری بی ا مـــان میرزمند .

بخاطر تامین شرایط مساعد جهت شر کت فعال وسهم گیری پر ثمر زنان درامر انقلابی پروسه نو سازی وتولید اجتماعی تلاش مـــی ورزند ، تاباشد زن مقام شایسته خویش را در جامعه احراز نماید .

ما یکجا با همه بشریت مترقی و حلقه های اجتماعی خلقهای جهان در یك سنگر وا حد بخاطر صلح و سعادت آ یندگان ما، بـطـوردوامدار خواهیم رزمید .

اقدام بیشرمانه ر ئیس جمهور ر یگن رامبنی بر کمك نظامی به باند های ضد انقلاب افغانستان شدیدا محکوم نموده ، انز جـــار ونفرت عمیق خویش را علیه شیوه های ضـــد انسانی ترو ریسم بین المللی به سر دمداری امریکا ابراز می نمائیم .

این سیاست تفتین آ میز و فتنه گـــرانه مانع حل سیاسی او ضاع در اطراف افغانستان می گردد .

ماکمك برادرانه و به موقع اتحا دشو روی را به خلق افغانستان در دشوار ترین لحظات مرگ و زندگی حائز ا همیت حیاتی تلقی نموده سپاس عمیق خویش را نسبت به خلق شوروی از یك نسل به نسل د یگر ا نتقال خوا هیم داد .

رفیق ببرك کار مل منشی عمومی کمیتـــه مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهو ری دمو کراتیك افغانستان ضمن سخنرانـــی در کنگره ۲٦ حزب کمو نیست اتحاد شوروی چنین گفتند :

« اگر کمك بموقع اتحاد شوروی بزرگ به افغانستان قهرمان نمی بود ، ا مروز افغانستان انقلابی ، آزاد ، مستقل و غیر متعهد و جـو د نمی داشت ، حزب و طنپرستانه و انترنا ـ سیو نالیستی ما هیچگاه این کمك برا درانه را فرا موش نخوا هند کرد .

خواهران گرامی شوروی !

بشما اطمینان مید هم که ما زنان افغانستان رسالت و طنپرستانه وانتر نا سیو نا لیستی خود را تشخیص داده همه نیروی خویش راتجهیز نموده دوش بدوش شما در پیشاپیش پیکـــار خلقها بخاطر صلح ، دمو کراسی ، تـــر قی اجتماعی از یك پیروزی به پیروزی د یگـــر حرکت خواهیم کرد . »

جنبش دمو کراتیك بین ا لمللی ز نـــان درفشدار راستین جنبش هواداران صلح است.
امروز ما نند سی و پنج‌سال قبل فدراسیون زنان‌را به مبارزه جهت تحکیم صلح و علیـــه جنگ فرا می خواند .

صدای او ژنی کو تون هنوزدر گوشهاطنین انداز است که می گفت : « ... بیاد آ ورید قربانیان مارا، مجروحین ومعیوبین مارا، آنانی راکه سعادت آیندهٔ خویش را جاویدانه درپای بشریت ریخته اند .

بیائید بخون قر بانیان راه آزادی بشر یت‌از جنگال فاشیزم سوگند یاد نمائیم که بخا طر ایجاد واعمار د نیای جدید و زیبا و علیه‌جنگ‌چون مشت پولادین یکپارچه شویم ..»
نیروی ز نان عظیم است اگر در مبارزه‌علیه جنگ و نیستی متحد شوند ، جنگی نخوا هد بود .

والینتینا تِکا چینکازن سخنور شو ر و ی‌میگوید :

شبنم های اشك مادران داغدیده
که بر آ رامگاه فرزندان و دختران خـویش‌ریخته اند ،
بر مزار آ نانیکه در کار زار های مرگ وزندگی
مرگ را بخاطر ز ندگی پذیرفته اند
سر انجام به بحر پر خروش و طو فانی‌مبدل خوا هد شد ،
وآنانی را که‌خیا ل آ تش زدن جهان‌رادارند،
بکام خویش فرو خواهد برد .

* * *

اکنون بـــرای تمام نیروهای تر قی خوا ه و بـــــه خصو ص زنا ن و مـــادرا ن سراسر جهان علمـــاً و عملاً باثبا ت رسیده کـــه آزاد ی نهایی زنا ن از قید و بنـــد خرا فا ت قرو ن گذشتـــــه صرفاً در شرا یطی امکـــا ن پذیر است که جا معه مرا حل تسلط قدر ت های اقلیــــت استثمار گر را طرد نمـوده و توده های اکثریت زحمتکش و در راس طبقه کارگر قـدر ت سیاسی را بـــدست آورده باشد .

که این شرایط هم صر فاً با استقرار نظا م سو سیا ـ لیستی در جا معه و نهاد هـای جدید اجتماعی آن که محصو ل شرایط خاص آن است ایجـادمیگردد .

از همینجا ست که تود ه های ملیو نی زحمت کشـا ن سرا سر جهان بخصو صـــــ زنا ن ومادرا ن آگا ها نه و هدفمند در صد ها سنگر بـا عشق و علاقه آتشین میرز مند قر بانی مید هند و قدم به قدم و مر حله به مر حله شرا یـط را برای استقرار جا معه نو یـن آماده میسازند .

امروز نمو نه های کشورهای سو سیا لیستی ودرراس کشور بزرگ وکثیر الملـــه شورا ها تجار ب گرانبها یی را در مورد حل علمی مو ضوع زن بدست رس بشر یت متر قــی گذاشته است .

درین جا نمو نه حل درست مو ضوع زن را در کشورشورا ها مطالعه خواهیم کرد کـــه امید است تجا ر ب آن مـورد استفاده هوا خوا هان حقیقـی آزادی زنا ن قرار گیرد .

حل مسأله زن درکشور های‌سوسیالیستی در مثال :

زن آزاددر اتحاد شوری

انقلاب کبیر سو سیالیستی ا کتبر که درسال ۱۹۱۷ در روسیه به‌پیروزی ر سید بمثابۀ نقطۀ عطف در تاریخ بشریت، سر آ غاز دوران جدید ، گزار از سرمایه داری به سوسیالیزم بشمار می رود . پیروزی انقلاب ا کتبر کلید حل بغرنج ترین پرابلم های ا جتماعی‌را در دست بشریت داد . قدرت استثمارگران ر ا سرنگون نموده مالکیت خصوصی را به مالکیت سوسیالیستی مبدل ساخت ، حل عادلا نـــۀ مسئله اراضی را به نفع د هقا نان میسـر گردانید ، امکانات ر هائی خلق های وا بسته از یوغ ستم و استعمار را تا مین نموده برای خلق ها حق تعین سر نوشت را به ار مغـان آورد .

بااستقرار قدرت شورا ها شرایط لازم‌جهت تامین برابری واقعی زن با مرد در اجتماع بوجود آمد .

او لین فر مانهای دو لت شو روی که بـــه‌امضاء لنین صادر گردید با آر مانهای ز نان مطابقت کامل داشت . برای اولین بار زنان به کسب حقوق سیاسی مساوی بامرد ، حـــق کار ، دریافت د ستمزد مساوی نائل گردیدند. قوانینیکه تا مین گر مو قف مساوی آن د ر خانواده بود پاس گردید .

تصویب قانون حفاظه کار زنان و اطفال ،حمایه مادر و کودك همه و همه مثال هـــای برجسته مواظبت بزرگ دو لت شو ر وی اززن بمثابه مادر است .

سند عمدۀ ز ندگی مردم شوروی ا و لیـــن‌قانون اساسی جمهوری جوان بود که درسال (۱۹۱۸) پاس شد که ضمن آن برای همه‌اتباع شوروی صرف نظر از تعلقات جنسی ، نژادی وملیت حقوق مساوی تضمین گردید .

در سال (۱۹۱۹) لنین با سر بلندی وافتخار چنین گفت : « حکومت شوروی بمثابۀ قدرت ز حمتکشان در او لین روز های استقرارخود با هر آنچه که به حقارت واسارت‌زن می-

انجا مید مقاطعه نموده و بزرگترین گامهارا درجهت برابری قانونی ز نان بر داشته است .
حزب کمو نست اتحاد شوروی به مسا وات زن‌در چو کات قانون اکتفا ننموده برای تا مین برابری واقعی زن در عمل پیکار کرده است.

دو لت شورا ها از همان آ غاز استقرارخودتوجه بخصوصی را به میتود ها و شیوه های کار بخصوص در بین زنان مبذول داشته است.

در دشوار ترین روز های بعد از پیروزی‌انقلاب ، ز مان جنگ داخلی ، گرسنگی،ویرانی، تجاوز خارجی و مبارزه حاد طبقاتی در شرایط‌کشوریکه بیش ازصدملیت که هر کدام‌درسطح مختلف تکا مل قرار داشت بسر می بر دندوبصورت مطلق همه زنان بیسواد بودند ، حزب کمو نست شوروی آن میتود های کار رادر بین زنان بر گزید که برای آ نان قابل‌درك وفهم بود .

بعد از تدویر او لین کنگره سر تا سر ی‌زنان کارگر و د هقان در همه مناطق و نواحی شوروی در پهلوی کمیته های حزبی‌کمیسیون‌ها و بعد تر شعبات بخصوصی جهت کار در بین زنان ایجاد گردید .

در شرق شوروی که بقا یای خرافات گذشته‌قبلا وجود داشت کار تنویری ، سازماندهی وپرورشی در بین زنان با درنظر داشت سنن‌وعنعنات پسندیده مردم واحترام به عقاید آنان صورت می گرفت .

دراین محلات علاوه بر جلسات نما یندگان‌زنان ، کلوپهای ز نان کارگر و مرا کز اجتماعی ز نان د هقان تاسیس یافت . د رچوکات این مراکز ز نان سواد می آ مو ختند، تعلیمات مسلکی فرا گرفته سطح دانش حرفوی ومسلکی شان ارتقا می یافت . همچنان مشوره های طبی در یافته ، مراقبت از نو زادوتربیه‌طفل برایشان تدریس می گردید .

شرکت زنان در کار های تولیدی

سوسیالیزم در برابر ز نان افقهای وسیعی‌را گشود وامکانات اشتراك فعالانهٔ آ نان را در پروسه تولید میسر گردانید .

شرکت زنان در امر تو لید اجتماعی عا مل‌مهم رشد شخصیت زن ، ارتقای سطح شعور سیاسی واجتماعی او بحساب میرود . کار اجتماعی استعداد های زن را شگو فان ساخته ودائره د لبستگی های او را و سیع‌ترمیسازد.

سوسیالیزم برای زنان حق کار ، حق انتخاب آزاد حرفه و مسلك ، حق دریافت دستمزد مساوی با مرد در برابرکار مساوی،حق استراحت حفاظه کارزن ، حق ا ستفاده از تضمینات اجتماعی و مادی در صورت عدم‌قابلیت کار را تضمین می نماید .

در اتحاد شوروی جهت جلب و جذب زنان به پروسه تو لید کار و سیع و همه جا نبه صورت گرفته است که دینا میك ار تقــای نقش ز نان در تو لید اجتماعی ثمر گرانبهای این کار و پیکار بوده است .

قبل از جنگ دوم جهانی ۲ر۱۳ فیصد زن درعرصه های مختلف اقتصاد ملی مصروف بودند ازسال ۱۹۵۰ـ۱۹۷۸ تعداد زنــان مشــاغـل از۲ر۱۹ تا ۸ر۵۵ ازدیاد یافته است و فعلا پانزده فیصد افراد مشغول کارزنان هستند.

پنجاه فیصد کارگران و مستخد مین، چهل وهشت فیصد کلخوز ها ، چهل و پنج فیصد کارگران سفخوز ها را زنان تشکیل مید هند.

چهل و هشت فیصد کارگران ومستخد مین امور تجارت و تغذیهٔ اجتماعی ز نان اند . در عرصه های مختلف امور صحت عا مه تر بیت بدنی و تضمینات اجتماعی هشتاد و سه فیصد زنان مشغول کار اند و همچنان هفتاد و چهارفیصد کار مندان امور آ مو زشی ملی و هفتاد وچهار فیصد مشغو لین امور فر هنگ ملی رازنان تشکیل مید هند .

زنان در رشته های اتوما تیزه شده تولیدنیز شرکت و سیع دارند . بطور مثال دررشته های تو لید سا مان آلات برقی ، رادیوتخنیك وغیره چهل و پنج تا چهل و هفت فیصد کار-گران صنایع تـ ولید ابزار آ لات ا لکترو نیك زنان هستند .

تعداد ز نان انجنیر رو به افزایش است .اکنون نود و پنج فیصد مجموع متخصصین زن دارای تحصیلات عالي اند .

سی و سه فیصد انجنیران ، چهل فیصــدمتخصصین فنی ، چهل و نه فیصد ا نجنـیران صنعتی ز نان می باشند . در نتیجه انقلاب علمی و تخنیکـی کـار دهقــان زنـان از لحاظ کیفیت خویش تغیر نموده به کار میکانیزه شده مبدل گردیده است هزاران زن شوروی مو فقــا نه به نوین ترین تخنیك ز راعتی آ شنا میشوند. زنان د هقان در موسسات اتو ماتیزه شده مرغداری ، در کمپلکس های دامپروری بکــارمی پردازند .

امروز چهل فیصد متخصصین امور زراعتی را زنان تشکیل میدهند . انگیزهٔ زن شوروی در کار و تولید تنهــا بدســت آوردن یك مشت پول نیست ، او آگا هانه در تولید اشتراك میورزد و بدین ترتیب می خواهد در ا مـــــرسا ختمان جا معه نوین اشتراك و رزیده و نقش خودرا درین نو سازی ایفا نماید . اومی خواهد سطح رشد فر هنگی خود را ارتقا بخشد ، ابتکار و خلاقیت از خود نشان بدهد.

مشخصه عمده سوسیالیزم شرکت و سیـــع زنان در رهبری تولید است . امروز بیش از نیم ملیون زن زحمتکش بحیث آمــران واداره کنندگان مو سسات تو لیدی مشغول کار اند.
همگام باتکا مل انقلاب علمی و تخنیکی ،ارتقای درجه تخصص و دانش مسلکی ز نان در دستور روز قرار می گیرد .

پرورش کادر های فنی و متخصصین د رچوکات شبکه های و سیع مکاتب مسلکی و همچنان مو سسات صنعتی و کو رسهاصورت‌می‌گیرد .

همین اکنون از جمله د و ملیون‌فارغـــان‌چهار صد هزار مکتب مسلکی سی فیصد آن را زنان تشکیل مید هند .

هرسال بیست و پنج ملیون نفر مستقیـــمادرموسسات صنعتی ، دانش مسلکی‌کسب می‌کنند که یك بر سه حصه این رقم زنان‌اند.

درنتیجه این تدابیر سطح تخصص ز نان‌بلند رفته از یکسو مقدار دستمزد آنان‌بیشتر می‌گردد وازسوی د یگر این امر عامل مو ثری‌برای رشد شخصیت ز نان و تثبیت مقـــام اجتماعی آ نان محسوب می گردد. موا ظبت‌وبررسی شرایط کارزنان در اتـــحاد شوروی وظیفه دولت است . طول روز کار هشت ساعت‌وپنج روز کار در یك هفته در کشور شوراها پذیرفته شده است .

شورای و زیران واتحادیه های مسلکی‌اتحادشوروی در سال ۱۹۷۸ مصوبهٔ را پاس‌نمودند که ضمن آن بخاطر اتخاذ تدابیر ا ضا فـــی‌جهت بهبود بخشیدن شرایط کار زنان مشاغلی در امور اقتصاد ملی ، گماشتن ز نان بـــه‌یکسلسله کار های شا قه و مضر به صحت منع قرار داده شده است . زنانی را که قبـلامصروف این ر شته ها بوده اند به تحصیـل مسلکی در رشته های د یگر گماریده و درایام‌تحصیل معاش قبلی‌را به آنان می پرداختند.

همه این تدابیر جهت تا مین مصئونیت درکاربرای زن بمثابهٔ مادربادرنظرداشت‌مشخصات فیزیولوژیکی او اتخاذ گردیده است .

زن شوروی به مثابه شخصیـــت‌اجتماعی

ارتقا متداوم فعالیت سیاسی زنـــان و سهم‌گیری و سیع زنان در پیشبرد امور اجتما عی یکی از مشخصات بر جسته نظـــام سوسیـالیستی محسوب می گردد .

زنان کشور شو را ها همانند همه خلـــق‌آنکشور حق انتخاب کردن وانتخاب شدن را دارند . در نهمین دوره ا نتخا بات شو رای‌عالی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۰ به‌نود ونه اعشاریه نود و نه انتخاب کنندگان شر کـــت‌ورزیدند . واز جمله نمایندگان شو را های محلی ۴۹٫۵ فیصد آ نرا زنان تشکیل‌میدهند.

همچنان ۴۱۷ یا ۳۵٫۹ فیصد نما یندگان‌شورا های عالی جمهوریهای اتحاد شوروی را زنان تشکیل مید هند .

از جمله نمایندگان شورایعالی اتحادشوروی‌چهار صد و هشتاد و هفت تن آن زنان اند . زنان بطور فعال در کار کمیسیونهای‌تدوین‌قوانین ، طرح پلانهای ا قتصاد ملی و بودجه دولتی و در حل مهم ترین مسایل‌سیـــاست‌داخلی و خارجی شوروی شرکت می ورزند .

درامور داد رسی و حقو قی نیز نقش زنان‌قابل ملاحظه است . ۱ر۳۳ و یا ۳۱۵۹دادرسی در اتحاد شوروی زن است .

نقش ساز مانهای اجتماعی در حیات دولت‌شورا ها رو به افزایش است . دختران جوان در عملکرد ساز مان کمسومول فعالانه اشتراکمی ورزند . پنجاه و دو فیصد ا عضای صفوف سازمان لیننی جوانان اتحاد شوروی را دختران‌تشکیل مید هند .

زنان در کار اتحاد یه های صنفی نیز بطورفعال شرکت می کنند . پنجاه فیصد اعضای اتحادیه های مسلکی و صنفی را زنان‌میسازند.

انقلاب فرهنگی و نقش آن در حل‌مسأ له ز ن

یکی از اجزای متشکله پلان سا ختمـان‌سوسیالیزم را انجام انقلاب فر هنگی تشکیل میدهد . لنین ضمن تدوین این پلان تـــو جه‌خاصی به حل مسئله زن مبذول داشته و معتقد است که به سر انجام رسانیدن حل عاد لانه‌مسئله زن و تا مین برابری واقعی او شرطعمدهٔ بحساب میرود. توده های هر چه و سیع تـــرزنان باید به شرکت در انجام د گر گونیهای سیاسی ، اقتصادی واجتماعی جا معه جـــلب‌گردند .

قبل از پیروزی انقلاب ا کتبردر ر و سیـه‌سه برچهار حصه نفوس بی سواد بودند .

درسال ۰۸ ۱۹ مجلهٔ پرورش مقاله‌ای بنشررسانیده وضمن آن به این نتیجه ر سیده بود که جهت محو بیسوادی بصورت قطعی در بین‌زنان دو صد و هشتاد سال ضرورت است .

ولی د ولت شورا ها در طول‌چند د هه‌این‌مسئله را بطور مو فقانه‌حل کرد و در سال ۱۹۳۹ بیسوادی کا ملا محو شده بود .

همین اکنون پنجاه و شش فیصد ز نان درمکاتب مسلکی مصروف تحصیل اند. از جمله محصلان آ مو زشگاه های عالی پنجاه و یـــک‌فیصد آ نرا ز نان تشکیل مید هند .

تعداد ز نان رو شنفکر رو به افـــزا یش‌است واین امر بیانگر شگو فانی فـــر هنگ شوروی می باشد .

هفتاد فیصد آ مو زگاران و معلمین و شصت‌ونه فیصد دو کتو ران ز نان اند . در سال های اخیر تعداد زنانیکه در بخشهای مختلف‌علمی مصروف کار اند سه مر تبه افزایش‌یافته است .

چهل فیصد کار مندان علمی را در اتحادشوروی زنان تشکیل می دهند . زنان‌درفعالیت های اتحادیه های مبتکر نویسندگان ، خبرنگاران ، آهنگ سازان ، هنر مندان، معماران و غیره وسیعاً سهم می گیرند . نظم سوسیالیستی همه شرایطی را که به زن اجازه میدهد تانقش اجتماعی خود را باانجام وظایف‌مادری پیروز مندانه تلفیق نماید ، تا مین نموده است . تسهیلات فراوان ا جتماعی زن‌راهمه جانبه یاری می رساند .

زن شوروی در خانواده نیز عضوتام‌الحقوق‌محسوب می گردد . زن جا معهٔ شوروی از حق مساوی انتخاب همسر ، اشتغال ، سکو نت ،انتخاب تخلص بر خور دار است .

جلب فعال توده های و سیع زنان به کار وزندگی اجتماعی ، مرز های کهنه تقسیم کاربین زن و مرد را از میان بر داشت .

قبلا تنها مرد نان آور و تا مین گر ما دی‌در فامیل بود . زن تنها محافظ خانه مسؤول امور مطبخ وبچه داری بشمار می رفت . ولی‌امروز زن مشغول کار تولیدی بوده درفعالیت های اجتماعی و سیعا نقش دارد .

او در همه عرصه های کار و پیکار باطبیعت‌از ز مین تا فضا واعماق معادن همگام و همپای مرد دست و پنجه نرم نموده و طبیعت‌رابنفع‌بشریت و تکامل جا معهٔ سو سیالیستی تغییر شکل مید هد .

ایجاد شبکه های و سیع خدمات بـــرای‌اطفال از قبیل کو دکستانها ، شیر خوار گاه ها ، ار دو گا هها ، مراکز ا جتماعی ا طـفال‌به زن شوروی این امکان را میسرساخته‌است که‌عضو فعال جامعه ومادر مهربان و با تو جه‌باشد . گراف تو سعه شبکه های خد مـــات بـه اطفال حرکـت صعودی دارد . بطور مثال‌در سال ۱۹۷۸ در یکصدو بیست و دو هزار کودکستان سیز ده ملیون و یکصدو هفتادوهفت هزار طفل پرورش شده اند .

همچنان تعداد ز یاد مو سسات ویـــژه‌ای‌اطفال و جود دارند . درسال ۱۹۷۸ تقریـــبا از پنج ملیون طفل درین مو سسات موا ظبت بعمل آمده است . در نگهداری اطفال‌موسسات ومراجع خارج از مکتب نقشی با ا همیتی راایفا می کنند . بطور مثال کـاخ هـــای پیش آهنگان ، مراکز تخنیکی کودکی ، ستاد یوم‌ها،کتابخانه های اطفال ، بنگـاههـای توریستی و گروپهای روز های تمدید شده و غیره .

درخطوط اساسی انکشاف اقتصادی واجتماعی‌اتحاد شوروی که در کنگره (۲۶) حزب کمو- نیست اتحادشوروی تصویب شد یکی ازمسایل‌محوری این پلان را بهبود بخشیدن شرایط‌کار وزندگی ز نان ز حمتکش تشکیل می دهد .

در ماه مارچ (۱۹۸۱) بلا فاصله بعد ازختم‌کار کنگره مصوبهٔ شورای و زیران ا تحـــاد شوروی پاس شد که به تاسی از آن ز نــــان‌از مر خصی یکساله بعد ازوضع‌حمل‌باحـفظ

دستمزد وترفیع استفاده کرده می توانند . همچنان بـا بدنیا آمدن طفل مقدار پنجاه روبل از جانب دو لت به فامیل کودك مدد میرسد.

همه این واقعیت ها و فا کتها ، مظهرزندهمواظبت خستگی ناپذیر حزب و دو لت شوروی اززن بمثابهٔ انسان زحمتکش ومادرمی باشد .

شرکت زنان شوروی در جنبش دموکراتیك بین المللی زنان

زنان شوروی در فعالیت فـدراسیون دمـوکراتیك بین المللی ز نان بطور فعا لا نـــه اشتراك میورزد .

کمیته زنان شوروی با (۲۵۰) ساز مان ملیزنان (۱۱۳) کشور مختلف با ساز مان هـای منطقوی و بین المللی روابط دو ستانه دارد.

با تبادلهٔ هیات های نمایندگی ، ا طلاعاتوتجربهٔ کار ، این روابط تحکیم متداوم مییابد وهمچنان در تطبق سیاست حزب و دو لـت شوروی به جهان نقش از زنده را ایفاء میکند.



والنتینا ترشکوا اولین زن فضانورد جهان و رئیس کمیته زنان شوروی .



مبارزه بخاطر سعادت کودکان

ا طفا ل آینده ها را میسا زند . آنان‌ادامه دهند گا ن راه پدران و مادرا ن خویش اند . مطمئنا که دنیا را مسعود تر وزیبا تر خوا هند سا خت . طین پر مسر ت خند ه آنان کانون خا نواد ه‌های‌مارا حرارت و نور می بخشند . بنا‌ا وظیفه بشریت است تا نگذارد هیو لای جنگ‌تبسم‌کود کا نه را از لبان اطفال مان بدزدد . باید همه اطفا ل جها ن در فضای صلح آمیز وآرا مش رشد یا بند . بخا طر ایجاد شرا یط لازم‌جهت رشد سالم آنا ن و تا مین سعادت‌برای هر کود ک باید بی ا مـــــا ن رز مید .

۳۲ سا ل قبل فدرا سیون دمو کرا تیک‌بین المللی ز نان طر ح ابتکا ری را پیش کشید که ضمن آن از جهان خوا ستـــا رگردید تا روز او ل ماه جون را بمثا به روز جها نی کود ک تجلیل نمایند .

۲۵ سال ما را از حادثه پرا همیـــت در زندگی کود کان فا صله مید هد . در سال ۱۹۵٦ سازمـان ملل متحد اعلامیه حقوق کود ك را تصو یب نمود . در حا لیکه ۲۵ سا ل از صدور این اعلا میه بشر دو ستا نه‌میگذرد ، اصو ل و محتو یا ت آن بـــرا ی بسیا ری از کود کان جهان روی کا غـــذ باقی مانده است .

اعـلامیه تـوجـه دولـت هـارا به کودکان و نسل جوا ن جلب نموده و حاوی اصل های ذیل است :

- هر طفل و کود کی حق دارد عـلا قه‌ومحبت داشته باشد و مورد محبت و عـلاقه قرار گیرد .

- هر طفل و کود کی حق دارد غـذا ی‌مکفی بخورد واز موا ظبت صحی بر خوردار باشد .

- داشتن نا م و ملیت حق هر طفـــل و کود ك است .

- هر طفل و کود ك حق دارد بیا موزدکه عضو مفید جا معه باشد و قا بلیت ها ی انفراد ی خو یش را انکشا ف دهد .

- تفریح و ساعت تیری مکفی از حقوق‌مسلم و بد یهی هر طفل و کـــــود ك است .

- در صورت معیو ب بود ن ، هر طفل‌این حق را دارد که از وی به صور ت‌خاص موا ظبت به عمل آید .

- نشو و نما دریك محیط مسا لمـــت‌آمیز حق هر طفل و کود ك است .

- هر طفل و کود ك حق بهره گیر ی‌از کلیه امتیازا ت متذکره را بدون تبعیـــض نژادی ، رنگ ، جنس ، دین، ملیت وسایر بنیاد های اجتما عی دارد .

در اعلا میه گفته میشود :

موا ظبت از طفل وظیفه جا معــــــــه‌است .

جا معه مکلف است تا برای اطفا ل‌همه‌امکانا ت و شرایط لازم را جهت رشـــــد اجتماعی ، معنوی و فیزیکی و شگـوفـانـــی‌استعداد ها یشا ن در فضای صلح آمیز و آرامش تضمین نماید .

مجموع کود کان جهان یك میلیارد وشش صد میلیون است یا به عباره دیگر یك ربع باشندگان سیاره ها را کودکان تشکیل مید هند . همه روز ۳۳۴ هزار طفل بدنیا می آید و لی خوانندهٔعزیز بیائید بـه‌ارقام و فاکتها بر گشته از وضع رقتبار کود کان اکثریت کشور ها مطلع گردیم .





دونمونه از وضع رقتبار اطفال در کشورهای عقب نگهداشته شده .

به اساس آمار رسمی امروز ۱۰ ملیون طفل‌جهان در اثر گرسنگی محکوم بـه مرگ اند . نیمی از کودکان جهان به امراض سؤ تغذی خفیف ، متوسط و شدید مصاب‌اند ۵۰۰ میلیو ن کود ك در شرا یط خیلی ناگوارزندگی می کنند ، ۱۳۵ میلیون کود ك ا ز آموزش محروم انـد ۱۰۰ میلیون کـودك‌جای تحصیل به کار مشغو ل اند ، از هر ۲۵ طفل فقط یك طفل از خدمـات بهداشتی بهره مند میشود ، از ٦٥ میلیون دختری که درسال ۱۹۷۵ مادر شده اند سیزده میلیو ن‌آن هنوز به سن بلـوغ نرسیده بودنـد، ۵۰ فیصد اطفال از یك الی پنج سا له همیشه‌گرسنه اند .

در کشور های امریکای لاتین هر سی‌ثا نیه یك طفل در اثر گر سنگی میمیرد ، وضع کود کان سیاه پوست نیز خیلی رقتباراست . از جمله هر هزار طفل باشندگـان سیاه پوست سیارهٔماسه صد طفل بنا بـر قلت مواد غذایی قبل از رسید ن به سـن ٦ سا لگی م حکو م به مر گ است .

٦۰ فیصد کودکان در دهات و ٤۰ فیصددر شهـر هـای کشـور مـراکش بـا گرسنگی دوا مدار موا جه اند ، که در نتیجه‌با امراض مد هشی چون تو بر کلوز ،راشید طیف وغیره مصا ب میگردند . در فصـل‌چهارم این اعلامیه آمده‌است .

«کودك حق دارد تا از تا مینـــــــا تاجتماعی جهت رشدسالم وهمه‌جانبه برخوردار باشد .»

و لی با کما ل تا سف هشت صـــــدمیلیو ن کود ك (۱۰۹) کشور جـــهان در دشوار ترین و نا مساعد ترین شرا یـــــط زندگی می‌کند ، بیش ازپنج صد میلیون طفل به سیستم بهدا ری و حفظ الصحه دسترس‌ندارد . تنها در ده سال اخیر در کشور های امریکا ی لاتین شگو فه های زند گـــیهفت صد میلیون ویك صد هزارکودك به علت ندا شتن دارو و عدم تداوی پژ مرد وپر پرشد .

در کشور السلوا دور از جمله هر هـــزارحادثه مر گ و میر ۱۲۰ حادثه آنرا مرگ و میر اطفا ل تشکیل مید هد . و این رقـــم‌در کشور گوا تیمالا به (۲۰۰) حادثه مـــــی رسد .

در یو نا ن مر گ و میر اطفال فی هزار۳ر۳٤، در ایالات متحده امریکا ۳۰ وحشتنا ك ترین رقم مر گ و میر نو زادان در کشورهای ارو پای غر بی بویژه در آلمان فدرا ل به ملاحظه میرسد . همه سا له ۲ر۲ فیصدنوزادا ن درین کشور طعمه مر گ اند .

در قاره افریقا ۱بر۳حصه کود کان نارسیده به سن پنج سالگـی می میرند وازجمله هزار طفل تنها ۳۰۰ طفل به سنین بلـــوغ‌میرسند .

شبکه های خد مات برای اطفا ل درکشور های سر مایه داری خیلی محدود بوده وعمدتاً به انحصارا ت بزرگ تعلق دارند وتوده های مردم به آنها دسترس ندارند .

تعداد کود کستا نها و شیر خوار گاهها‌در کشور های کا پیتا لیستی ناچیز اســـت وتنها یك فیصد مجموع اطفا ل این کشور ها‌میتوانندازآن استفاده نمایند .

بطور مثا ل شبکه های‌خد مــــا ت برای‌اطفال در فرانسه از جمله (۲۰۰) هـــزار طفل سنین کود کستا ن و شیر خوار گاه تنهـــا(۳۳) هزارطفل را می تواند بپذیرد .

کود کستا نها ی امریکا گنجا یش یك‌میلیو ن طفل را دارد در حا لیکه ٥ میلیو ن طفل امریکا یی به آن نیاز مند است .

در استر الیا تنها ۱۷ فیصد مادران می‌توانند اطفال خو یش را به کود کستا نها و شیر خوار گا هها بفر ستند . (٤۳)فیصدمادران که اطفا ل شا ن دارای سنین ۱ـ٥سال اند مجبور اند از پروسه تو لید بـــــدو ربمانند .

تعلیم و تحصیل را یگان و اجـــبا ری‌ابتدا یی حق مسلم همه ا طفال است . این امر در اصل هفتم اعلا میه حقوق طفل در ج گردیده است .

ولی در واقعیت امـــر چنین نیست بنابـر ارقا م و آمار منتشره توسط یو نسکـــــــو تعداد اشخاص محروم نعمت سواد در اکثـر نقـاط جها ن رو به افزایش است . تقـریباً در ٤۰ کشور جهان سیستم تعلیم اجباراابتدایی‌وجود ندارد .

۷۵ فیصد نفوس کشور های‌افریقا یی و ۵۰ فیصد نفوس کشور های آسیایی بیسواد اند . کاپیتا لیزم ۱۰۰ میلیون طفل سنیـــن- ۱۱ سالگـی را در پشت درب هــای بسته مدرسه گذاشته است .

فقر و بی پو لی از عوا مل مهمی است که کود کان را از تحصیل باز میدارد و آنان را در سنین پایین روانه بازار کـــــــــارمیکند .

بطور مثال در مـراکش ۷۵ فیصد اطفال ، در یونان یك میلیون و چهل هـزار کـودك بالاتر از سن ده سا لگی به مدرسه را هی‌ندارند . ٤ر٤حصه اطفال کشور اسپا نیافاقد امکانا ت کسب تحصیل اند .

تعداد د خترا ن شا مل مکتـــــــب‌در کشور های نو به استقلال رسیده کمتراز تعداد پسرا ن میبا شد که این فا کتوربالای پروسه تعلیم و تر بیه تاثیر خیلی ناگوا ر میگذارد .

در کشور های سر مایه داری درانتخا ب‌شاگردان اصل «انتخا ب اجتماعی»حکمفرماست پر نسیپ محو ری این انتخاب را تعلقیـــت‌نژادی ، رنگ ، پوست، مبدا اجتمـــاعـی ، اصل و نصب خانواد گی تشکیل مید هد .امروز در حدود دونیم میلیون اطفال امریکایی به مدرسه راهی ندارند . مجمو عا این اطفال‌از خانواده های فقیر سیاه پو ست ، سر خ پوست امریکایی، اهالی مکزیك وپورتوریکواند. انـــد .

تمام با شند گان جمهور ی‌افریقـــا ی‌جنوبی به چارگروپ تقسیم گردیده اند. یعنی سفیدپوستان، زردپوستان ، سیاه پوستان و دیگر بو میا ن ، اطفا ل آنان به هیچگو نــه حق ندا رند که یکجا تحصیل کنند ، تعلیـم‌اطفا ل سفید پو ست رایگا ن است و اطفال سیاه پوست باید فیس بپردازند .

دراصل هشتم اعلا میه حقو ق کود ك‌تذکر رفته است که :« در همه حا لات اطفال باید مستحقین در جه یك کمك و موا ظبت‌از طرف جـامعه شمرده شوند » حقیقت طـور دیگر یست .

بطور مثا ل همین اکنون هزارا ن طفـــل‌فلسطینی در نقا ط تحت اشغا ل اسرائیـــل زیر پا شنه های ستم و شکنجه صهیو نیزم‌خورد میشو ند . اطفا ل حتی قبل از سنین ۱۶سالگی بزندان افگنده میشوندوموردوحشیانه ترین اشکا ل شکنجه قرار میگیرند .

در چیلی پدرا ن و مادرا ن ٦۰ هزار طفل‌بدست دژخیمان پینوچـت نا بود گردیده‌است.

خو نتا ی چیلی پدرا ن و مادرا ن را دربرابر دید گان اطفا ل شا ن شکنجه مینماید و قرار تحقیقات طبی اکثریت مطلق این اطفال‌از سنین ٥ر۱ ـ ٥ سالـه که تشنجات عمیق روا نی پیدا می کنند غیر قابل عـــــلا جانـــد .

در اصل یا زدهم اعلامیه حقوق کودک ذکر رفته است که :

«طفل باید از تمام اشکال استثمار و وحشت محفوظ بماند» باکمال تاسف ایـــن اصـل نیز در بسیـاری از کشـور هــا زیر پا گذاشته میشود . در کشور های سرمایه داری کود ک نه تنها از و حشت محفوظ نمی‌ماند بلکه در فضای و حشت ، فشار ونفر ت رشد می یابند .

رسانه های جمعی، رادیو، تلــویـــزیون، روزنامه ها همه با نشرات زهرآگین خــویش به تبلیغ کار نامه های انسا ن های به اصطلاح فار ق العاده ایکه بخاطر رسید ن بـــــه «هدف» خــویش هیچ مانعــی را نمی شناسدمیپردازند و بدین ترتیب کـا نگستر یــز م جنایت ، زورگویی و نفرت نسبت به انسان و زندگی را اشا عه و تبلیغ مـــــــــــی نمایند .

بطور مثال در یو نا ن اطفال بطـــورا وسط سا لا نه (٤٦٠٨) فلم و حشتنـــا ک پو لیسی و جنا یی را می توانند تما شـــا کنند .

طبق مطالعــات سو سیا لو ژ یست هـــا ، تلویز یو ن در جا معه امریکا بیشتر ا زمکتب وخانواده در تر بیه اطفال نقش و تاثیر دارد زیرا تا سن (١٨) سا لگی هر با شنده‌امریکا ٢٠ هزار ساعت بیشتر از ساعا ت درسی‌در برابر تلـویـزیون میگـــذراند و با کمال تأسف ایــن وقــت بــرای مغشوش ساختـــن ذهن اطفا ل و نو جوانا ن به مصـــــر ف میرسد .

بطور مثا ل کود ک امریکا یی در طول ١٠ سا ل زند گی خود (از ٥ـ١٥ سا لگی) ١٣ هزار مر گ تحمیلی یعنی قتل انسا ن بدست انسا ن را در روی پرده تلو یــزیون به چشم می بیند .

تلویزیون آلمان غرب در طول یـــک هفته‌بطـور اوســط نمایش ٢٠٠ حادثه کــوبائـــی و ٨٠ جسد را به بینند گا ن پیشکش مــــــی‌نماید .

در چنین فضا یی ا طفال با رو حـــیه‌خصو مت نسبت به انسا ن بار آمده و چنین می پندا رند که‌انسا ن و زندگی او به پـــــرکا هی نمی ارزد و باید همه پرابلم ها را به وسیله اعمال زور حل کرد و نتیجه این همه‌پروپاگند همانا ازدیاد روز افـزون جنا یا ت توسط کود کان است .

مثلا در پایتخت انگلستا ن بیشتــــراز نصــف جنایـات تـوسط نـو جـــوانـان صورت میگیرد . علت دیگر افزایش جنایات‌اطفال و نو جـوانان اینست که دولت ها ی بورژوا یی به مسئله تنظیم درست و مفیدایام‌فراغت اطفال اصلا تو جهی نمی نمایند .عدم موجودیت امکانا ت سر گرمی در موسسا ت‌قبل از مدرسه و موسسات خارج از مکتب ، اطفا ل و نو جوانان رابه نشیب گاه فساداخلاقـــی سوق میدهـــد . تعـداد استعمــال

کننده گان مواد مخدره و الکو ل در بین اطفال ونو جوانان روبه افزایش است . در آلـمان غرب بیشتر از ۱۵۰ هزار دائم الخمر خوردسال وجود دارد . تنها در سال ۱۹۷۷ از جمله ۸٤ تن قربانی الکولیـزم و مواد مخـدره د ر برلین غرب ۱٤ تن آن اطفال تاسن ۱٤ سالگی بوده اند .

در ایالات متحده امریکا (۲۲) فیصد نوجوانان از سن ۱۲ ـ ۱۷ ساله معتـاد به مواد مخدره اند .

اطفا ل در کشور های سرما یه دا ری بمثا به نیروی کار مندا ن بی رحما نه استثمار میشوند . طبق آمار سازمان جهانی کار حداقل ۵۲ میلیون کود ك نا چار اند جهت امر ا ر معاش روا نه با زار کار گردند ، از جمله درآسیای جنو بی ۲۹ میلیون کود ك به عو ض تحصیل بکار مشغو لند .

در آسیا ی شر قی ۱ر۹ میلیون کودك .
در افریقا ۷ر۹ میلیون کودك .
در امریکای لاتین ۱ر۳ میلیون کودك .

کود کان در کشور های در حال رشدو نو به استقلال رسیده بویژه بطـــــــور بیرحمانه ای استثمار میشو ند واین و ضع پی آمد و نتیجه عقب ماندگـی ایـن کشور ها و سیا ست های نو استعما ری است . دریـــن کشورها هنو ز هم کود کان هفت سا له را به شا گردی به این و آن میسپا رند و در نتیجه کـودکان به معنی واقعی کلمه اسیر و بـرده کار فرما و صا حب کار میشو ند . طبـق آمار و ار قا م پژو هش ها یی که بو سیله ساز مان بین المللی کار در آسیا بعمل آمده است دریك سلسله از رشته های صنایـــع کودکان و بویژه دختر بچه ها بخش بـزرگ نیروی کار را تشکیل مید هند . بطـــور مثا ل در مرا کش در کار گا هـهـای قالین بافی ۱۲ هزار کود ك کار می کنند . بسیا ری از آنها یکشا هی هم مزد نمی گیر ند . آنها درشرایط دشوار از ٤۸ ـ ۷۲ ساعت در هفته کار میکنند .

مجله هرا لد چا پ کرا چی در شماره ماه مارچ ۱۹۷۸ اطلاع داد که در پاکستا ن یك ساز مان وا قعی تجار ت و خرید و فروش اطفا ل و جود دارد ، کود کان را در اردوگاه های کار مخصو ص نگهدا ری میکند . ایـــن کودکان را از هفت سالگی به کار وا میدارند واکثراً ضعیف تریـن آنها را عمـداً نـــاقص وعلیل مـی کنند (مثلاً چشمشان را کـــور مینمایند) و آنهـــــا را به گـــــدایـــی درسرکوچه ها می فرستند . مجلـه از محـلاتی که در آنجا ها بازار خرید و فروش بردگان کو چك و جود دارد نا م برده است .

در بعضی از کشور ها اطفال بکار های چو ن پیش خد متی ، ملازم ، کارگر فر عـــی

استخدا م میگردند . روزکار زحمتکشـــا نخورد سال تا ۱٤ ـ ۱۷ ساعت بطول می‌انجامد ولی دست مزد شا ن خیلی نا چیـــــــزاست .

گور ت وا لد هایم در بیا نیه ماه‌اگست‌سال ۱۹۷۳ خو یش در زنیو بیا ن داشت که: «درتایلند یك طفل‌در بدل ۸۰ دالر به‌صاحبان‌فا بریك فرو خته شده و همه عمردر بـــدل دریافت غزای بخود و نمیر کار می کند وهمه‌روز در طو ل ۱۰ ساعت اطفا ل به‌بسته بندی چـاکـلیت مـــی پردازنـــد . در تایـــوان دخترا ن خورد سال در جریا ن ۱٤ ساعت پیهم می با فند ، هزاران طفل در جاده های‌شهر روز نامه و سگر ت می فرو شند وبابوت پا ك میتمایند .

در کلمبیا هزاران کود ك ۸ـ۱٤ ساله‌روزانه ۱۷ ساعت در دهلیز های تنگ معادن زیر زمینی کار می کنند . در پا نا مه تنهـــا بیش‌از پانزده هزار طفل از سن ۱۰ ـ ۱٤ سا له مو تر شو یی می کنند . دراسپا نیا۲۸۰ هزار طفل خورد سال بکار های مختلف مشغول اند . درایتالیا صدهزار طفل از سن۸ ـ ۱۵ساله‌در فا بریکه های کو چك‌نساجی بیش از نیم ملیون درامور خانه سا زی ، دوصد هزار در ساحات تجارتـی و بیش از نیم ملیون درامور زراعت مصروف کار اند .

این بردگان خوردسال که همیشه گـرسنه‌و خسته اند روزا نه ۱۰ ـ ۱۵ ساعت کار می کنند. این اطفـــال باتبسم دوران کـــودکـی بیگانه اند ، خو شبختی طفو لیت رانمـــی دانند وپیش از وقت پیرمی شوند .



اینست نمونه ای از زندگی رقتبار کودکان درکشـور های وابسته به جهان سرمایه داری .

در کشور های پیشرو فته سرمایه دا ری‌که صد ها نفر از جوانا ن همه روزه بـــــه صفو ف لشکر بیکارا ن می پیو ند ند .ملیونها ئن از کودکان ۸ـ۱۵ ساله مجبوراند‌اغلب ده ـ دوازده ساعت در برابر دست مزد ناچیزکار کنند . تعداد این قبیل کودکان درامریکا

به ۸۰۰ هزار نفر ، در ایتالیا ۶۰۰ هزار ، درآلمان فدرا ل به ۸۰ هزار ، در بر یتا نیا بـه ۶۵۰ هزار ودر پرتگـــال به صد هزار نفـر بالغ میگردد .

این کود کان از حقو ق سندیکا یـــیمحرو مند ، اخرا ج آنان از کار در هرلحظه ایکه بکار وی احتیا ج نبا شد اشکا لی ندارد.بسیا ری از کود کان هم قربانی جرا حـا ت و صدماتی میشوند که هنگـــام کـار بر آنهاوارد می آید ، بطور مثال : در ایتالیا همـه سـالـه هنگـام انجـــام کـار های تـولیـدی بیش از هزار کودك (تاسن سیزدهساله)هلاك میشوند .

در بخش دیگر اعلا میه حقوق طفل آمدهاست :

«کود ك باید در فضای حسن تفا هـــمو دو ستی خلقها تر بیه شود .»

جنگ عمدهترین دشمن اطفال بهحسا بمیرود .در شرایط کشتار و باریدن خر یطه های مر گ توسط بمب افگنهای نفرین شدهکودکان نمی توانند سعاد ت مند با شنـــــد اطفال اولین قربانیان جنگ و تجاوز اند . بیشاز نصف قـربانیان تجـاوز طـولانی ایـــالات متحده امریکا بر و یتنا م را اطفال تشکیـلمید هند . بر علاوه یك میلیون طفل ویتنا می بدست آدم کشا ن انحصارا تبز رگ یتیـــمشدهاند .

خلق و یتنا م قهر ما نا نه در برا برامپریـالیـزم امریکا مقـاومـــت کـرد ولـی هنوز زخمهای مردم بلا کشیده ویتنام التیا منیا فتهبود که با وحشیگری شمؤو نیزم چینبايد مقابله میکرد . در نتیجه تجاوز هـژمـونیزم چین بر ویتنا م هزاران کود ك متضررشده ، هشت صدمکتب، چـار صد شفاخـانه و صـدها موسسه طبی دیگر و یران گردید .

وحشت غرش بمـب افگـن هـا و شلیـــكها، اطفال جنوب لبنان را همواره می آزارد . تعداد قربانیان این جنگ در بیـن کـودکـان سر سام آور است . از نتیجه جنگـــــــی کــه تـــو ســـط مـــر تجعیـــــن افروختهشـده اســـت پنـــج هـــزار طفل یتیـــم گردیده اند . سیهزار طفل بهمعیو بین عمریمبدل شدهاند و دو صدو هفتاد هزار کودك از نقاط جنوبی لبنان به اردو گاههای آ وارگانانتقال یافته و در بد ترین شرایط ز نـــدگی می کنند .

وضع اطفال فلسطینی ژر فای یك ترا ژیدیواقعیست . سو مین نسل فلسطین بی و طـــن ودر حالت آوارگی بدنیا آمده است .

در سرزمینهای تحت اشغال صهیونست هاوضع کودکان ر قتبار تر و نا گوار تر است این اطفال قربانیان سیاست صهیونست هـــابوده زیر یوغ انواع محرو میت ها استثمـار، ترور و خشونت غنچه زندگی شان شگو فاناشده پر پر می شود .

گماشته های امپریالزم در السلوا د و ربخاطر مقاومت در برابر موج خرو شندۀ جنبش مردمی از کشته ها پشته سا خته د هکده هارابه آتش می کشند ، زنان ، پیر مردان واطفال

را سر می برند . فا میلها را بشکل د سته‌جمعی نابود می کنند ، و قتی پیرو زیهـای وطنپرستان سر گیچۀ شان می سازد بخا طـرفرو نشاندن غضب خویش به خو نریزی می-پردازند .

مرگ یك و نیم ملیون د هقان بیگناه‌بشمول اطفال و زنان در مغارۀ نزدیك د هکده‌پاروتلا در نتیجه بمباران طیارات امریکائی لکۀ ننگ‌ابدی است بر پیشانی امپریالیزم امریکا .

پیروزی انقلاب ثور در افغانستان بمثابـۀجزء ار گانیك فر آیند انقلابات جهانی که‌پشت امپریالیزم و هژمـونیزم را لرزانیده ایـــن‌دشمنان آ سایش و ترقی مردم جهان راسخت سراسیمه گردانیده است . امپر یالیزم امریکاوهژمونیزم چین در تبانی با ارتجاع منطقه و نمایندگان طبقات حاکم مخلوع کشور ما همه‌تلاشهای مذبو حانه خویش را بکار می بندند تا در راه انقلاب بر گشت ناپذیر ما موا نـع‌ایجاد نمایند .

باند های مسلح از خاك پاکستان بعد ا زپرورش نظامی توسط آ دمکشان حر فوی چین واه‌ریکا بخاك ما گسیل داده می‌شوندووحشیانه‌به کشتار ا هالی قرات و دهکده‌ها پر داخته، مکاتب و شفا خانه ها را به آ تش میکشند .

نتیجه هستریك و تشنج روانی به اصطلاح‌مدافعین حقوق بشر همین اکنون هزاران بیوه ویتیم است که نان آ وران خویش را یـا درشکنجه گاه های ا مین این اجنت شنا ختـه شده سی.آی.ای و یا بدست جا نیان مسلحیکه‌از خارج مرز های کشور ما صدور می گردنـد از دست داده اند .

زندگی تراژیك فر زندان معصوم شهـــدای‌انقلاب ما که چشم های غم ا نگیز شان همیشه مملو از اشك و رنج است قلوب انسا نها ی باوجدان را می شگافد ونفرت عمیقی را دربرابر دشمنان بشریت برمی انگیزد .

کی می تواند جواب آن اطفالی را که بعد ازنابودی پدر تولد شده اند ، بد هد. با ندهای مسلح زر خرید امریکا ، چین و ارتجاع منطقه‌امروز ، اطفال بیگناه مارا به شکنجه گـا هها سوق میدهند ، بجرم مکتب ر فتن د ستهایشان را ازبند می برند ، آنان را بگناه وطنپرستی والدین شان قطعه ، قطعه می کنند . ا ینك به‌قصۀ زندگـی انـدوهنـاك سه فرشتۀ بیگناه واشرار تا خنه که چشم دید خبرنگار جر یدۀحقیقت انقلاب ثور است گـــوش فرا دهید : «افسانۀ شان درد آ لود و تکان دهنده است،قصۀ شان مخلوطی از درد ها و اندوه هـــای تب آلود است . این اطفال کو چك که داستان‌غم‌انگیز شان را در پی می خوانید ، باید در آغوش گرم ونوازش دهندۀ خانوادۀ خود مـی‌بودند . اینها پسران عموی هم هستند دو تن آن برادروآن یکی پسرکاکای شان‌است. آنان‌پدر ومادر خویش را آ غشته بخون دیده اند.

آن یکی که کلانتر از همه است می گوید :«یکشمو خو بودیم که اشرار آمدن یـک و نیم صد دانه گوسفند و بز داشتیم‌کله شه بوردن .بازطرف مادرم ر فتن ، مادرم جوان بود ما از ترس ده تاریکی گریختیم ، دو نفر ماده‌جویچه‌پت شدیم آ نکه گو چکتر از همه است‌وتاحال خاموش بود مانند فاتحی بالحنی آ گنده‌ازغرورمیگوید « مه دویدم یك جوال کلان آ رد بـود ده مابین اش درامدم دان جواله را ما کـــم‌گرفتم » وبزرگتر ادامه میدهد : مادرمه کتی خود بوردن ، پدرم صداکد با خبر که دست‌تان دجانش نرسه ، ده ای وخت یکیش‌تفنگ طرف پدرم گرفت ده دان پدرم فیرکد . گلوله‌از پشت سرش بر آمد ما به چشم خود دیدیم که مغزای سرش چتو باد شد . ماده تا ریکی‌کلی چیزاره دیدیم ، مادر مه دیدیم که چتـــو دست یکی شانه دندان گرفت و ده تاریکی ازپیش شان گریخت . صبایش مادرمه پیدا کدیم مگم او ماره نشناخت او دیوانه شده بود.زبان‌خوده جویده جویده بود لبای خوده جویده بـــود ، نصف زبانش نبوده ، مو یای خوده کنده بوداز سرش خون می‌آمد . یکدفعه خنده می‌کد از خندیش نمی ترسیدیم باز ازچشمانش ا شك‌می‌آمد گریه میکد میگفـت اوره نکشین ، اوره غرض نگیرین که یتیمان من باز یتیم میشن ،باز میدوید اقدر تیز می دوید که ماحیران می‌شدیم ، شمودوم مرگ پدرم بود که مادرم گـم‌شد که پا لدیمش ده مابین جوی کلان پر از او موردہ بود . « اکنون هر سه نـفـر شان‌خاموش میشوند در نگاه هر کدام مو جی از اندوه رنگ می زند . آنکه کو چکتر از همـه‌است میگوید: « حا لی مابیخی بی پدر وما در شدیم.» آنان از روز های گرسنهٔ خـــود ا زلحظات درد آلودی که بر هنه بودند و شبهارا در گودال های مخوف و ترسناك جنگل‌به‌صبح‌آورده از سفر دور و درازی که هنوز خستگی آن در تن شان است از آتش خشم و بیزاری‌که نسبت به این مسلمانان کاذب در قلـب کوچك شان شعله ور است ، قصه می کنند.این است چکیدهٔ ازجنایات واعمال ضد بشری کماشتگان امپریالیزم وار تجاع در افغانستان.

امروز در جهان همه روزه یك ملیارد دولارویاسالانه (٤٠٠) ملیارد دو لار در حا لــی صرف مسابقات تسلیحاتی وتولید سلاح های‌تباه کن و نابود کنندهٔ بشر می گردد که دوصد ملیون طفل رو زانه گرسنه می مانند وده‌ملیون‌طفل در اثر فقدان مواد غذائی وفات می‌نمایند.

فیصدی ناچیز مصارف برای مسابقـــا ت‌تسلیحاتی کافیست تا در جریان یك سال دو صد ملیون طفل گرسنه تغذیه گردند وملیونهاطفل خواندن و نوشتن بیا مو زند . بطور مثال مصارف جهت سا ختن یك طیارهٔ شکاری نوع(اف ــ ١٤) مساویست به قیمت نه مکتـــب

مصارف‌ساختن‌یك‌تانك (لیوپارد) دوبرابراست بامصارف‌ساختمان سی‌وشش اپارتمان سه‌اتاقه .

مصارف برای تنظیم تمرینات یك کنـــدك‌تانکست کافی است تابیست وهشت‌کودکستان اعمار گردد . سا ختن یك کشتی تحت البحری‌نوع (ترایدنت) پو لی‌را که در بدل آن‌شانزده ملیون طفل می توانند در طول یکسال تحصیل‌کنند . می بلعد .

قیمت یک طیارهٔ بمب افگن ماوراء صوت برابراست بادستمزد سالانهٔ (۲۵۰) هزار آموزگار .

از همین جاست که مبارزه بخاطر آ ینده تابناك و خور شیدی کودکان با مبارزه در راه استحکام مواضع صلح پایدار ، علیه مسابقات تسلیحاتی ، سیاست راسیزم و شئو نیزم پیوند ارگانیك دارد . زیرا تنها در شرایط صلح آمیز می توان نسل های رونده این وارثین فردای تمدن بشریت را بطور سالم پرورش کـرد . مبارزه بخاطر آیندهٔ سعادتمند اطفال مستلزم مبارزه بخاطر صلح ، خلع سلاح ، تامیـن استقلال ملی وامنیت خلقهاست .

خلقهای کشور های نو به استقلال ر سیده رو به انکشاف علی الر غم مقاومت و مداخلهٔ امپریالیزم ، بطور استوار در جهت محوفقر، بی سوادی ، تأمین سیستم مدرن حفظ الصحه اطفال به پیکار خویش ادامه مید هند .

بطور مثال حکو مت هندو ستان مصمم است تا سال ۱۹۸٤ پرو گرام تعلیمات اجباری را برای تمام اطفال سنین ٦ـ١٤ ساله در سر تا سرکشور پیاده نماید . تو جه بخصوصی بـه توسعهٔ شبکه مکاتب ابتدائی رو ستائی مبذول می گردد .

ایتوپیای انقلابی بهبود بخشیدن وضع اطفال را یکی از وظایف مبرم خویش میدانـد مردم قهر مان جمهوری جوان لاوس علی الرغم میراث سنگین استعمار و تجاوز امپریالیزم امریکا و ادامهٔ توطئه های چیـن هژمونیست کودکستان ها، شیر خوارگاهها و مکاتب اعمار مینماید .
مواظبت از مادر و طفل یکی از بخش هـای عمده سیاست دو لت را تشکیل می دهد .

بویژه اطفال یتیم تحت مراقبت همه جانبه قرار دارند . آ نان در خانه های شخصی زندگی میکنند ، تعلیم فرا می گیرند ، مو سیقی ، سپورت ومعلو مات مسلکی و حر فوی مـی ـ آموزند .

د ر ماه جـولای ۱۹۷۹ خلق نیکـاراگــوا رژیم دیکتا توری را سر نگون نمود و لــی میراث شوم د یکتاتوری برای مردم ا قتصاد ویران شده ، بی سوادی ، محرو میت و رنج بوده است . تقریبا نصف پسران و دختران ۷ـ۱۲ ساله محروم رفتن به مکتب بوده اند .
عساکر ار تش د یکتاتور نیکا راگوا حتی اطفال را بجرم شورش تیر با ران می نمودند .

کودکان ۱۲ـ۱٤ ساله را دستگیر می نمودند ودست راست شان را می بریدند تا به صفوف پارتیزانها نه پیوندند .

بعد از پیروزی مردم نیکاراگوا ازجمله اولین فرمانهای حکومت موقت فر مان تحصیل رایگان برای همه می باشد . سال ۱۹۸۰ بحیث سال محو بیسوادی اعلان گردید . درچوکات بریگاد ـ های داو طلب ۱۸۰ هزار نفر بسیج شده ودرجنبش مبارزه با بیسوادی سهم گرفت .

بخاطر بزرگداشت مو فقیت های وطنپرستان نیکاراگوا جایزه جهانی کرو پسکایا به آنها تعلق گرفت .

جمهوری دمو کراتیك افغانستان که در ماه اپریل همین سال از سو مین سالگرد پیروزی انقلاب ثور بزر گداشت بعمل آورد پرو گرام وسیع انجام د گر گونیهای بنیادی، سیا سی، اقتصادی ، اجتماعی جهت رفع عقب ما ندگی و اعمار جا معه فارغ از استثمار فرد بو سیله فرد را روی دست دارد .

خلق ماعلی الرغم مقاومت شدید استثمارگران مخلوع که در تبانی با امپر یالیزم و ارتجاع جهانی اند ، بااطمینان و ایمان کا مل به پیروزی نهائی اید یالهای خویش استوار وبی باك به پیش میتازد .

آغاز کمپاین مبارزه با بیسوادی و مبدل ساختن این پرو سه به جنبش همگانی درکشور یکی از وظایف مبرم مرحلهٔ جدید تکامل انقلاب ثور را تشکیل مید هد . ا مسال در مقایسه با سال گذشته در تعداد شا گر دا ن مکاتب (۲۶۰) هزار نفر افزایش بعمل آ مده است بعبارهٔ دیگر تعداد مجمو عی شا گر دان (۲۷) فیصد بیشتر از سال گزشته تعلیمی می‌باشد . کتابها و مواد درسی جدید تهیه گردیده وبدسترس شاگردان گذاشته شده ا ست . شورای و زیران ج.د.ا درارتباط باتغییرسیستم تعلیم و تربیه مصوبهٔ را پاس نموده است که در روشنی آن در جریان ده سال آ ینده سیستم تحصیل ده سالهٔ متوسط و چهار ساله ابتدائی پیاده و تطبیق خواهد شد . قرار است تاسال ۱۹۸۶ درشهرها وتاسال ۱۹۸۷ در دهات وقرای کشور بیسوادی محو گردد .

اطفال درج.د.ا ازمواظبت و توجه فرا وا ن دولت انقلابی ما برخوردار اند برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب ثور ساز مان پیش آ هنگان ایجاد گردید که بعد از تحول ششش جدی جهت گسترش و تو سعه هر چه بیشتر آن زمینه های همه جانبه فراهم گردیده است . دو مین تابستان است که ار دو گاه پیش آ هنگان در کابل کشایش می یابد . همچنان کاخ پیش آهنگان در کابل بحیث مرکز بزرگ تجمع و تر بیت اطفال تا سیس گردیده است .

در کشور های سو سیالیستی حمایه کودك ومواظبت از او به پرنسیپ محوری سیاست دولت مبدل گردیده است . اطفال از او لین دقایق ز ندگی خویش از موا ظبت و توجه جامعه بر خور دار اند .

لنین در او لین روز های بعد از پیروزی انقلاب اکتبر روی این اصل که بهترین دست‌آورد های بشریت به اطفال تعلق دارد تاکیدمی کرد وامروز این امر یکی از پرنسیپ های عمدهٔ سیاست دولت شوروی را تشکیل میدهد .

در مرامنامهٔ حزب کمو نیست شوروی آمده است : « تامین دو ران کودکی مسعود برای هر طفل یکی از مهمترین و شریفترین ا هدا ف اعمار جا معه کمو نیستی محسوب می گردد »

قانون اساسی اتحاد شوروی تضمین گر حقوق اطفال و حمایه از مادر وکودك میباشد. محتویات اعلامیهٔ حقوق کودك درقانون اساسی اتحاد شوروی تجلی برازندهٔ دارد .

جامعهٔ شوروی از اطفال بطو رخستگی‌ناپذیرمواظبت می نماید تانسل جوان سالم، باسواد، صاحب دانش مسلکی و بارو حیه ومورال‌انسان‌نوین پرورش و رشد یابد .

در اتحاد شوروی شبکه های و سیع‌خدمات‌برای اطفال ایجاد گردیده و همه ساله‌وسعت می یابد . هر زن ز حمتکش هنگام بار دا ری‌ووضع حمل حق استفاده از ر خصتی یکساله با حفظ معاش و تر فیع را دارا می باشد .

همین اکنون در ۱۲٤ هزار موسسه قبل ازمدرسه ۱٤ ملیون کـودك تحـت مراقبـت اند . مصارف سالانه یك طفل طی یکسال درشیر خوار گاه به (۵۰۰) روبل می ر سد که خانواده ها تنها یـك برپنج حصهٔ آنرا مـی‌پردازند و خانواده های کم در آمد اصلا از پرداخت فیس کو دکستان و شیر خوار گـاه‌معاف اند .

تحصیل همگانی واجباری متوسط در ا تحادشوروی یکی از دست آورد های بزرگ سو ـ سیالیزم تکامل یافته محسوب می‌گردد . د راتحاد شوروی ۹۹ فیصد جوانان دارای تحصیل متوسط اند . تنها طی پنج سال ا خیر برا ی‌پنج ملیون کودك مکاتب مجهز جدیدا ا عمار گردیده است .

بمنظور شگو فانی استعداد های خـلا قـه‌اطفال شبکه های و سیع مو سسات هنـری کلوپها ، کا خهای پیش آهنگان و مراکـــزفرهنگی ایجاد گردیده است . در سال ۱۹۷۸ در اتحاد شوروی ٤٤٥۰ کاخ‌وخانه پیش‌آهنگان۱۰۸۵ مرکز فرهنگی ، ۱۲۸۳ کلوپ تکنیسن های جوان ، ۵۹۵٦ مـدرسـه ورزشـی بـرای‌کودکان ونوجوانان وجود داشت . جهت بهبود بخشیدن امور تر بیه بدنی اطفال و نو جوانان‌تدابیر جدی اتخاذ گردیده است ، در حـــال حاضر اطفال از سه هزار ستادیوم و ر زشی‌بیش از هشتصد حوض شنا و یازده هـزار کلوپ به طور رایگان استفاده می نمایند . توجه بخصوصی به تدارك استراحت‌تابستانی اطفال مبذول می گردد . تنها تابستان گذشته‌بیش از بیست و پنج ملیون طفل و نو جوان در اردو گاه های پیش آهنگان در خارج ازشهرها استراحت کرده اند . برای اطفال ضعیف ومریض سنا توریم ها و جود دارد که سالانه‌در حدود ۷۳۸ر٦ هزار طفل‌درآنجا معا لجــه میشونـد . درایـن اواخر سناتـوریم هـــای‌اختصاصی جهت معالجه اطفال یکجا با پدران ومادران شان ایجادشده‌است‌که طرف‌تائید جدی‌خانواده ها واقع گردیده است .

وسایل ورسانه های جمعی دراتحادشوروی رسالت دارند تاکو دکان را با رو حیه انسان دوستی ، انتر ناسیو نالیزم و عشق به و طن پرورش د هند . انتشار کتب اطفال در اتحـاد شوروی رو به افـــزایش است . کتب اطفال‌در اتحاد شوروی به ۵۸ـلسان ملیت‌های‌مختلف و ۳۷ لسان خارجی انتشار می‌یابد، اطفال یتیم‌در اتحاد شوروی در محور توجه و مواظبـت دولت قرار دارد . تنها در جمهوری او کرائین بیست شیر خوارگاه هفده کودکستان و یازده مکتب شبانه روزی برای اطفال یتیم ا عمـــارگردیده است .

رو حیه موا ظبت از انسان بویژه نسل‌جوان‌در همه اسناد کنگرهٔ بیست و ششم حـزب کمو نیست اتحاد شوروی تجلی برازنده دارد. بخاطر کمك هر چه بیشتر به خانواده ها در پرورش اطفال کمیته مر کزی حزب کمو نیست‌شوروی و شورای و زیران اتحـــاد شورو ی مصوبهٔ مشترکی را پاس نمودند .

در کشور های دیگر سو سیالیستی نـــیزاطفال سمبول سعادت ، صحت و سلامت انـد در جمهوری سو سیالیستی چکو سلواکیااطفال‌تحت موا ظبت خاص قرار دارند . بطور مثـال در طول سال اول زندگی اطفال مجمو عـا ۲۲بار بصورت حتمی واجباری توسط دو کتو ران موظف معاینه می گردند . در بلغاریه بیش ازیکهزار ار دو گاه پیش آ هنگی و جود داردکه هر تابستان نزدیك به ۳۳۰ هزار دانش آموزدر آنها استراحت می کنند .

در جمهوری دمو کراتیك آ لمان سا عـــات‌کار مادرانیکه صاحب دو طفل اند به‌چهل‌ساعت در یك هفته اختصار گردیده است . درآلمان‌کارگران و د هقانان ۱۳۹ کاخ پیش آ هنگان ۱۹۵ مرکز فعا لیت تکنیسن های جـــوان ودوستداران طبیعت (ناتو رالیست) وجـــود دارد .

کیوبا یگانه کشور امریکای لاتین است که‌بیسوادی در آنجا لغو گردیده است . طی‌هشت سال اخیر دریـــن کشور یکهـــزار و سه صدمدرسه تازه سا خته شده است ، تـــمـــا م کودکانی که به سن تحصیلی ر سیده ا نـــد تحصیل می کنند (دو ملیون و شش صدهزار کودك در مدارس ا بتدائی و متو سطه د رس‌می خوانند) به آنان خو راك ، کتا بهـــای درسی و لوازم تحریر به رایگان داده میشود.

در جمهوری توده‌ای منگولیا ، اطفال ا ز مراقبت و توجه ویژه‌ای دو لت و جا معه بر- خور دار اند . همه اطفال درین کشور بـــــه‌استراحت ، حق استفاده از تسهیلات اجتماعی وبهداری ، ر فتن به مکتب د سترس دارند .

درسال ۱۹۷۳ صندوق و جهی ا طفال‌ایجادگردیده که عواید کار داوطلبانهٔ مردم منگولیا به آن انتقال می یابد .

چنین مثالهای از زندگی پر سعادت و آرام‌اطفال در کشور های سو سیا لیستی خیلـــی ها فراوان است .

تجربهٔ اتحاد شوروی و دیگر کشور هـای‌سوسیالیستی در ارتباط موا ظبت از کو دکان
نیرو های مترقی جهان را در مبارزه بخـاطـرآیندهٔ کودکان الهام می بخشد .

اکنون کو دکان یك سوم جمعیت روی‌زمین‌را تشکیل می‌دهند . نیازی به اثبات نیست‌که آینده جا معه بستگی به شرایطی دارد که‌جامعه‌برای کودکان فراهم می آورد . جهان سرمایه‌داری با محکوم کردن کو دکان به رنج وعذاب،گرسنگی ، فقر ، بیسوادی‌و بدست فراموشی سپردن آنها خود را از داشتن آ ینده محروم‌می سازند . جهان سو سیا لیستی با تو جه فراوان و مراقبت مداوم و همه جانبه نسبت به‌کودکان وایجاد امکانات و سیع برای یك‌زندگی سعادتمند و قرین با تنـدرستـی بـرای آنهاپایه های استوار و قابل ا طمینانی برای‌فردا وآینده بنا می کند .

کودکان که یگانه « طبقهٔ ممتاز » جا معـه‌سوسیالیستی اند ، در واقع هم‌درین جا معـه از بهترین نعمت ها بر خور دار اند .

در اعلامیه فدراسیون دمـوکـراتیك بیــن‌المللی ز نان به مناسبت سال جهانی کودك آمده است : « زندگی تمام کودکــان مــی‌توانست قرین سعادت باشد ، اگر دو لت ها وتمام جا معه بطور کلی همان علاقه ، تو جه‌ومراقبتی را که در کشور های سو سیا لیستی نسبت بدانها مبذول می دارند در موردکودکان‌معمول میداشتند . »

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نـان‌باالهام از پرو گرام فعالیت های خویش بطور خستگی ناپذیری در جهت تا مین حقوق برای‌کودکان مبارزه می نماید .

در پرو گرام فد راسیون تذکر ر فته است‌که :

ـ مبارزه بخاطر تا مین حق ز ندگی برای‌تمام کودکان ، دفاع آ نان در برابر استثمـار خشونت و محرو میت .

ـ پیکار خستگی ناپذیر جهت تا مین حـق‌حفظ الصحه رایگان و بهبود شرایط ز ند گی تمام اطفال سیارهٔ ما .

ـ تامین شرایط لازم برای تعلیم، تر بیه‌وتحصیل مسلکی رایگان به زبان ما دری بدون تبعیض نژادی ، جنسی و ملی برای‌همه‌اطفال.

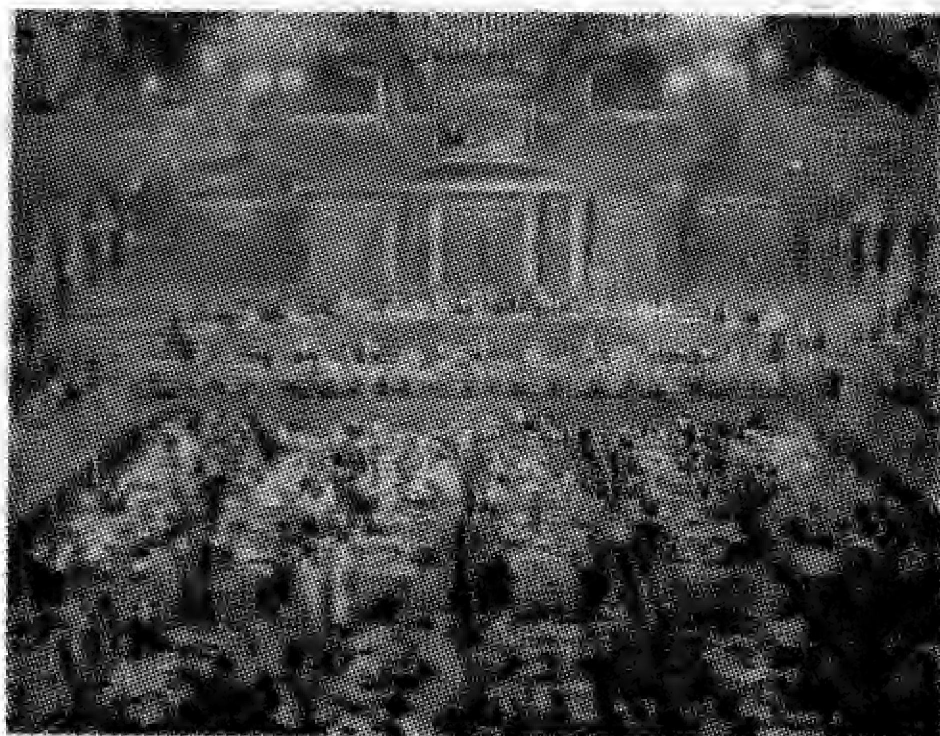
ـ مبارزه بخاطر تا مین شرایط مسا عدجهت‌تربیهٔ سالم اطفال در فضای صلح، دمو کراسی ودوستی بین خلقها .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نـان‌به زندگی و آ یندهٔ کو دکان د لبستگی عمیق دارد و بخاطر سعادت آ نان و بهبود و ضـع‌اطفال فعالانه پیکار می کند .

تدویر کنفرانسها ، محافل و اجتماعات وسیع بین المللی یکی از بخشهای عمدۀ این فعالیت را تشکیل میدهد .

در جریان این کنفرانسها مسائل مبرم مربوط به زندگی کودکان مورد ارزیابی قرار می گیرد .

درگردهم آیی ویانا دعوت بعمل آمد تازنان بخاطر دفاع ازحقوق کودکان مبارزۀ خویش را وسعت بخشند .



کنفرانس بین المللی و یانا که در ۱۹۵۲ به اشتراک فعال فدراسیون دموکراتیک بین-المللی زنان دائر گردید به فاکتورمهم مبارزۀخلقها بخاطر دفاع از حقوق کودکان مبدل گردید .

اشتراک کنندگان این گرد هم آیی باشکوه وضع کودکان را در بعضی از کشور هایجهان مورد بحث قرار داده پیشنهادات عملیمشخص را جهت بهبود بخشیدن شرایط زندگی اطفال به دول جهان پیشکش نمودند .

کنفرانس اسناد پر ارزشی را تصویب نمودکه از جمله خطاب به « زنان و مردان جهان» «راجع به تعلیم و تربیه اطفال» «راجع بسه پرابلم های صحت و بهداری اطفال»را میتوان نام برد .

شرکت کنندگان هم آیش و یانا از خلقهای جهان دعوت بعمل آوردند تا در مبارزه بخاطر دفاع از حقوق کودکان بپا خیزند .

بعد ازین کنفرانس در یکعده از کشور ها کمیته های دفاع از حقوق اطفال ایجــاد گردید . همچنان کمپاین و سیع تحت شعاردفاع از کو دکان در برابر تهدید جنگ‌جدید جهانی آ غاز گردید .

در سال ۱۹۵۵ فدراسیون دموکراتیك بیـن‌المللی ز نان از مادران قاره های مختلف‌دعوت بعمل آورد تا در لوزان گرد آمده و صدای‌نیرو مند اعتراض شان را علیه هیولای جنگ جدید جهانی به گوش جهانیان بر سانندوخطوط‌اساسی مبارزهٔ مادران را در شرایط متشنج بین المللی آ نو قت بخاطر دفاع از اطـــفال‌در برابر خطر جنگ جدید مشخص سازند .

خواستها ، آرزو ها واحساسات همهٔ مادران‌شا مل کنگره در بیانات او ژنی کو تون تجلی یافته بود . او گفت همه مادران صرف نـــظراز عقاید سیاسی و مذهبی ، لسانی و نژادی بایك ندا فر یاد می کشند که نمی خوا هیم‌فرزندان خویش را به جبهات جنگهای غـــیر عادلانه بسوی مرگ بفرستیم . از خطرسلاح‌های محو د سته جمعی هیچکسی در ا مـــان نخواهد ماند . امروز ثر و تهای بزرگ بخاطر تولید سلاح اتمی به منظور نابودی انسان و ویرانی تمدن بشریت مصرف می گردد . و لی‌این دست آورد بشریت می تواند در راه های صلح آمیز بخاطر بهبود زندگی انسانها تأمین‌صحت و سعادت هر خانواده بکار رود .

در فضای اولین کنگرهٔ جهـانی مادران فریادهای خشم همه‌مادران بهم آ میخته بود و طنین خروشندهٔ آن به گوش جهانیان رسیدکه‌انعکاس‌گرسنگی مادران جهت تربیه سالـم کـودکان شان به صلح بوده است .

در مانیفست کنگرهٔ لوزان آ مده است کـه‌وحدت شرط عمدهٔ پیروزی ز نهای جهـــا ن در مبارزه بخاطر تامین صلح و برای آ یـــندهٔ‌سعادتمند کودکان محسوب می گردد .

در اکتوبر ۱۹٦٦ شهر استاکهولم شاهـدحادثه عظیم د یگری بود . این بار نیز به‌ابتکار فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نـــان‌کنفرانس جهانی به اشتراك ٤٧ کشور و ١٤ سازمان بین المللی تدویر گردید و در آن مسائل تعلیم و تربیه ، استراحت و صحت اطفال مورد بحث قرار گرفت .

به پیشنهاد فدراسیون دموکـراتیك بیـن‌المللی ز نان سال ۱۹۷۹ سال جهانی کـودك اعلام گردید که بر گزاری آن به فاکتورنیرومندتوحید و تجهیز نیرو های مترقی در مبارزه بخاطر دفاع ازکـودك و آیندهٔ سعادتمـنـد اومبدل گردید .

به منظور بزرگداشت ازین سال‌دریکسلسله‌کشور های جهان کمیته های ملی ایجادگردید. کنفرانس باعظمت بین المللی مسکو که تحت‌شعار: بخاطر آینده سعادتمند و صلح آ میز کودکان دعـوت شده بود از بزرگترین حوادث‌سال ۱۹۷۹ محسوب می گردد .

در پیام لیونید ایلیچ بریژنف عـــنوا نی‌کنفرانس آ مده است که :

« اطفال عشق ، آیینه و امید ماراتشکیل‌می دهند ، نسل فعلی همه دست آ ورد هـا وثروت های ایجادکرده را بدست آنهامیسپارد.آنان ادامه دهندگان راه پدران ومادران خویش اند و رسالت دارند د نیای بهتر و زیبا تــر بسازند . د رفش صلح را ما به کودکان امروز وسپا هیان فر دای جبهۀ صلح می سپا ریم ،هرسال زندگی ما باید سال کودك باشد ...»

کنفرانس مسکو پرو گرام عملی مبارزه رابخاطر تا مین حقوق کو دکان و پیوند ارگانیك آن باپیکار در راه صلح ، خلع سلاح، استقلال‌ملی و تر قی اجتماعی بمثابۀ فاکتور عـمده آینده آرام ، تدوین نمود .

از تمام سازمانهای اجتماعی مترقی و دمـوکراتیك منجمله ساز مانهای ز نان ، جوا نان، اتحادیه های صنفی ، ساز مانهای مذ هبی ،فرهنگی ، پا رلمانهای جهان ، ار گان هــای محلی دو لتی دعوت بعمل آ مد تا بخــاطرزندگی بهتر اطفال بطور خستگی ناپذیرمبارزه کنند و تمام نیروی خویش رادر پیکارعادلانۀخلق ها جهت تا مین صلح و آرامش و آسمان نیلگون بدون را کتها و طیا رات بمب افگن .

- صحت برای تمام اطفال .
- زندگی بدون گروسنگی وسوء تغذی .
- ایجاد شرایط لازم جهت سواد آموزی وتعلیم وتربیه نمایند .

تجلیل از روز اول جون بمثابۀ روز جهانی‌کودك به عنعنه و سنت ار زشمند فد راسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان مبدل گر دیده‌است . ۳۲ سال‌قبل فدراسیون کلیه ز نان جهان را فرا خواند تااین جشن را گرا مــی‌بدارند واز آن تجلیل بعمل آ ورند تا با شد جامعه مسوولیت خود را در قبال سر نوشت وتربیه نسل جوان ازیاد نبرد و به پرابلم ها ومسئلۀ کودك که در بسیاری از کشور های‌جهان هنوز حل نگر دیده توجه نماید .

باتدویر نمایش ها ، لکچر ها ، نمایشگاه‌های کتب و آ ثار آ فریده شدۀ دست کودکان ملاقاتها ، سیمینار ها در چو کات ساز مانهای‌بین المللی ، پرو گرام‌های‌رادیوئی‌وتلویزیونی اختصاصی ونشرات از طریق د یگر رسا نــه‌های جمعی صدای کو دکان را به سمع‌جهانیان می رساند واز این همه و سایل جهت‌تشدید‌مبارزه بنام سعادت و آینده ز یبای کو دکان استفاده بعمل می آورد .

بااطمینان کامل می توان گفت که راه آوردهای مصوبات و فیصله کنگره هشتم فدراسیون وکنگرۀ جهانی ز نان منعقدۀ پراگ نیز درحل‌مسئله کودك و تشدید مبارزه بخاطر سعادت اطفال بزرگ و ار زنده خوا هد بود .

وضع زنان در کشورهای سرمایه داری

شرایط عقب مانده، سد راه رشدوشکوفانی‌استعداد های ز نان گشته تا ز مانیکه طبقات ومالکیت خصو صی وجود دارد برابری زن‌ومرد نمی تواند تحقق یابد .

بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی که جهان‌سرمایه داری را فرا گرفته است برای ز نان هم، مانند همه زحمتکشان ارمغانی جز بیکاری ، بی حقو قی و رنجهای بی پا یان‌چیز دیگری نداشته است .

زنان در کشور های سر مایه داری موردوحشیانه ترین اشکال بهره کشی و استثمار صاحبان سرمایه های بزرگ قرار می گیرند.

هنگا میکه و ضع ناگوار ز نان در کشورهای سر مایه داری مورد ار زیابی قرارمیگیرد قبل از هر چیز د یگری دو گرایش متضاد به‌مشا هده میرسد .

از یکطرف تعداد زنان که مصروف کار اند‌روبه افزایش است و عرصه های تولیدی که زنان گر دانندگان آن اند تو سعه می یابدواز جانب د یگر به حکم ار قام و آمار رسمی گراف بیکاری در بین زنان سیر صعودی خودرامی پیماید و تعداد زنانیکه به لشکر بیکاران می پیوندند واز پروسهٔ تولید بیرون ریخته‌می شوند بیش از هر وقت دیگر است . در یکتعداد کشور های سر مایه داری چون ایالات‌متحده امریکا ، انگلستان وژاپن تعداد ز نان کارگر بمثابه نیروی کار ار زان روز تا روزبطور قابل ملاحظه افزایش می یابد . درامریکا ۲۰ر۳٦فیصد درژاپن ۳ر۳۹ فیصد، درآسپانیا۲۲ فیصد، درآلمان غرب ٤ر٥۱ فیصد کارگران وکار مندان را زنان تشکیل مید هند .

در حالیکه در کشور های دیگر سرمایه داری چون فرانسه ، ناروی ، فنلند و دنمارك تعداد زنان شاغل روز تا روزکاهش می یابد.

بطور عمده ز نان در کشور های پیشرفته‌سرمایه داری در عرصه های صنایع خفیفه ، تجارت ، زراعت ودیگر انواع خدمات ها نندآرایشگاه ، خشکه شوئی و غیره مصر و ف اند .

ولی تناسب مصرو فیت ز نان درین‌سا حات‌درهمه کشورهای سرمایه داری همگون نیست. بطور مثال در امریکا ، سویدن ، انگلستان ،کانادا و یکتعداد کشور های د یگر و ز ن مخصوص مشغو لیت ز نان در امورکشاورزی‌خیلی ناچیز است . در حالیکه در اسپانیا بیست‌ونه فیصد ، در ژاپن سی و دو فیصد ودر ایتالیا ۲ر۲۷ فیصد ز نان مستعد بکار در ساحات ز راعتی مصروف کار اند .

ولی اکثریت زنان مستعد بکار ، کارگر وکارمنداند . نقش زنان درعمده ترین بخش - های اقتصاد مانند صنایع ا لکترو نیك، رادیوتخنیك ، صنایع شیمی و غیره رو به ا فزایش است . بطور مثال در امریکا چهل فیصدکارگران عرصه های صنایع ا لکترو نیکی‌را زنان تشکیل مید هد .

زنان ز حمتکش در کشور های کا پیتالیستی‌جزء متشکله صفوف پیشرو طبقه کارگر را می سازند و با سهم گیری فعال در مبا ر زا ت‌بخاطر حقوق سیاسی و صنفی طبقه خویش پو تنسیال جنبش کارگری را درین کشور هانیرو مند تر می سازند .

آنگاه که به توضیح مساله زن در کشورهای سر مایه داری می پر دازیم بایدخاطر- نشان گردد که جامعهٔ سرمایه داری به سهم‌گیری ز نان در امر تو لید ا همیتی قا ئـل نیست . ولی زنان ناگزیر اند تا جهت رفع‌نیاز مندیهای اقتصادی خانوادهٔ خویش بـه پروسهٔ تو لید بپیوندند . زیـرا د ستمزدشوهران و پدران نمی تواند تکـافو ضرورت های خانواده هارا بکند . در عین حالیکه عـدهٔکثیر ز نان از ۲۵-۳۵ ساله بگناه مادر شدن وبار داری از کار اخراج می گردند، در امراستخدام ز نان بکار مشکلات فراوانی و جود دارد و زنان او لین قر بانیان اخراج از کـاراند .

مثال ز ندگی و مصرو فیت ز نان د رکشورایتالیا نمونهٔ از تبعیض و نا برابری زن در جهان به ا صطلاح آ زاد است . ۸ر۱ ملیون‌زن و دختر جوان سنین ۱۴-۲۴ ساله یعنـی ۴۳ فیصد از تعداد مجموعـی بیکاران ایتالیازنان اند که از کار و تحصیل محروم می - باشند .

بخاطر توجیه وضع نابرابر زنان در کشورهای سر مایه داری ، لابر اتوار های جعل‌کار کشف دروغ و عوامفریبی‌گردانندگان‌انحصارات‌بزرگ تئوری به خانه برگشتن زنان راوسیعاً تبلیغ می نمایند و معتقد اند که زنان کنیزخانه‌اند. باید به بچه داری وامـور آشپز خانـه

بپردازند. آنان بخاطر بکرسی نشاندن اندیشه‌های ار تجا عی خویش این سفسطه را کــه شرکت زن در زندگی اجتماعی و ظیفه مادری‌او را خد شه دار سا خته واز تو جه و لطف‌او نسبت به کو دکش میکا هد ، همه جا نبــه‌اشاعه می د هند .

در آ لمان غرب هر تبعهٔ دو م بیکارآنکشورزن است . مجله شترن چاپ آلمان در یکــی از شماره های خود طی مقاله می نو یسد :زنان اخراج شده از کار کمترین ا مکان عملی باز گشت به کار را ندارند . بخصوص ز نان‌سنین چهل و بالاتر از آن و آنعده ز نا نیکه تحصیل مسلکی ندارندو همچنان زنانیکــه درتولید توسط ماشین های عصری تعویض‌گردیده اند .

جا معه بورژوازی در کسب تحصیل مسلکی‌وار تقای سطح دانش حر فوی نیز برای زنان محدودیت های فراوان به ار مغان دارد . علاوه‌برآن ساعات کار زنان نیز در مقایسه‌باساعات کار مردان بیشتراست . بطورمثال درانگلستان‌هفته کامل کار برای زنان ۸٦ ساعت و برای مردان ٤٦ر٥ ساعت است .

نظام غیر عا دلانه بورژوائی بیر حمانه زنان‌را بکار می گمارد بدون آنکه کو چکترین‌امکانی جهت تلفیق درست و ظایف مادری و اجتماعی‌زن در اختیار او گذاشته باشد . قوانین‌حمایه از کارزن ، حمایهٔ مادر و کودك کاملا روی‌کاغذباقی مانده است . د راکثریت کشور های سرمایه داری د ستمزد ز نان کمتر از مــردان‌است وازین طریق انحصارات بزرگ عــواید هنگفتی را می بلعد . مادر شدن برای ز نان‌زحمتکش در شرایط نظام سر مایه‌داری‌تراژیدی عظیمی بحساب میرود. زیراکه اکثراً هنگــام بارداری ووضع حمل زنان ازکارمنفك می‌گردند. اکثر زنان منجمله زنــان دهقان از سیستــم حمایه مادران که حد اقل برای دیگر ز نــان تنها در چو کات قوانین و جود دارد بکلی‌محروم‌اند . شبکه های خدمات برای اطفال‌که‌میبایستی در خدمت همه مادران باشد ، اکثرا موسسات شخصی بوده واستفاده از آن منحصر به‌یکعده اقلیت «ممتاز» است . مثلا درایتالیا چهل وسه فیصد مادران مجبور اند بخاطر نگهداری‌اطفال شان از پروسهٔ تولیدی بدور بمانند .

قانون تساوی د ستمزد در برابر کار مساوی برای زنان کــه از طرف سازمان جهانی کار اعلام گردیده است با پر روئی در جــوا مــع طبقاتی غرب نقص می گردد . در ایالات‌متحدهٔ امریکا د هقا نان ، کار کنان مهمانخانه ها ،رستو رانت ها و غیره مستحق استفاده‌ازمزایای قانون تساوی د ستمزد نیستند . بطور متوسط معاش زنان ٥٨ر٦ فیصد معاش مردان را در برابر کار مساوی تشکیل میدهد .

درسال ۱۹۷۷ معاش سالانه ز نان در کاناداشصت و دو فیصد و در تر کیه چهل فیصد کمتر از معاش مردان بود . در کشور ژاپن‌زنان معاش دو مر تبه کمتر از مردان‌رابدست می آورند، در حالیکه کارآنان کارشاقه و پرزحمت اســت . هــر کــارگــر زن کمپــانی

« ما تسو سیتی ا لکتریك » که محصو لات آن‌در سراسر جهان بنام نشنل معروف است باید در جریان روز کار خویش یعنی در طول بیست‌وهفت هزارثانیه ، تولیدپنجاه هزارمحصول را کنترول می نمایند . در کشور های د یـــگرسرمایه داری نیز وضع زنان بهترازین‌نیست . در سویدن ز نان ۸ر۱٦ فیصد کمتر از مر دان‌معاش می برند . درکشور انگلستان ۷ر۴۰ ، دربلژیك ۳۵،۴ فیصد، درایتالیا۲۴،۸فیصد، درفرانسه ۲۷،۵فیصد، درآلمان غرب ۳ر۲۹فیصد، درسویس ۳ر۳٦فیصد معاش زنان درمقایسه بادستمزدمردان کمتر است .

زنان در کشور های سر مایه داری تنهـادر ارتباط با دریافت معاش مورد تبعیض قرار نمی‌گیرند بلکه مستحق استفاده از تا مینـــات‌اجتماعی نیز نمی باشند . بطور مثال تقا عد زنان از مردان بمراتب کمتر است . از بیمـه‌های اجتماعی ز نان استفاده کرده نمی‌توانند، بسیاری از زنان اصـلا مستحق تقاعد شناخته‌نمی شوند از آ نجائیکه نمی توانند اکثرا بطور منظم ودوامدار در یك مو سسه کار کنند .

بطور مثـال در ترکیه تنها هشـت فیصـدزنان شامل بیمه های اجتماعی اند. ازآنجائیکه بسیاری از زنان در شرایط بیداد سر مایه های‌بزرگ به تحصیل مسلکی دسترسی ندا رند، ودر مکاتب ابتدائی جهت اجرای امور خانه وتدبیر منزل پرورش می یابند ، بناء کار شان عمـدتاً کار فرعی و خرده کاری است . بطورمثال در اطریش نود فیصد د ختران‌درموسسات تحصیلی مصروف فرا گرفتن حرفه های‌عنعنوی‌زنان اند. در آلمان غرب این رقم به نودوچهار فیصد میرسد که در نتیجه معاش آنان یك‌بـــرسه حصه معاش حرفه های مر دانه است .

در نتیجه مبارزات پیگیر و د وامدار ز نان‌برای تساوی حقوق شان ، در د هه های اخیر دگرگونیهایی در قوانین جــوامع بورژوائـــی‌در باره مقام زن درخانواده بعمل آمده است . ولی در هیچ یك از کشور های سرمـــایـــه‌داری ز نان از حقوق مساوی در خـــانواده بر خور دار نیستند . زن حق مساوی استفاده‌از ثروت های مشترك خانواده را ندارد . همچنان حق طلاق اکثرامنحصر به مرد است‌ودر یکعده کشور ها چون اسپانیا ، برا زیل، ایر لند طلاق قانونا ممنوع است .

بورژوازی بانیرنگ و حیله گری حـــقوق‌سیاسی ز نان را لگد مال می نماید . دراکثر کشور های سر مایه داری ز نان از سهم‌گیری‌در پیشبرد امور دو لت محروم اند . فقط زنان طبقات « ممتاز» حق شرکت در رهبری ار گان‌های دو لتی را دارند .

و لی علی الرغم مقاومت لجوجانه سرمایه‌داری امروز ناگزیر است در برابرامواج‌طوفانی جنبش طبقهٔ کارگر که جنبش دمو کرا تیك‌زنان‌جزء متشکله آن بحساب می رود ، عقب‌نشینی نماید .

درشرایط کنونی ز نان از حق ا نتخاب‌کردن‌وانتخاب شدن در ار گانهای دو لتی ، حـــق

شرکت در فعالیت احزاب سیاسی ، اتحادیه‌های کارگری و ساز مانهای مختلف توده‌ای را ولو بشکل فور مالیتی داراء می باشند .

در کشور های پیشرفته کا پیتا لیستی مبارزه بخاطر تساوی حقوق زنان در کلیه‌عرصه ها اعم از سیاسی ، اقتصادی ، ا جتما عی ،علیه تبعیض در برابر ز نان یکی ازمبرم‌ترین مسائل جنبش خرو شندهٔ کار گری‌را تشکیـــل‌میدهد .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان‌ازطریق ساز مانهای ملی ز نان به مبا ر زات پیگیر و دا منه دار خو یش در جهت بهـــبودبخشیدن به و ضع ز نان در ساحات اقتصادی، اجتماعی ، سیاسی و فر هنگی و احترام‌به‌مقام‌زن در درون خانواده ها ادامه مید هد .

ز نان مبارزه بخا طر صلح، تهدید مسابقات‌تسلیحاتی و خلع سلاح را از پیکاربرای‌تامین مساوات زن در عرصه ها ی‌اقتصادی‌واجتماعی‌انفکاك ناپذیر میدانند .

ساز مانهای مترقی زنان کشورهای سرمایه داری در راه تحقق ا هداف ذیل د لیرانه‌می ـ رزمند .

- تامین حق کار واشتغال
- پائین آوردن سن تقاعد
- حق تحصیل حرفه‌ای، ا مکا نات ار تقای‌سطح دانش مسلکی
- تا مین شرایط لازم کار
- حمایه مادر و کودك .

* * *

سهم زنان درمبارزات آزادی بخش ملی خلقهای کشور های نو به استقلال رسیده

ارتقای نقش روز افزون زنـــــان کشور های رو به انکشاف و نو به استقلال رسیده یکی از مشخصات مرحله کنونی جنبش دموکراتیک بین المللی زنان به‌شمار میرود .موج‌جنبش زنان درین کشور ها همپا و همردیف با جنبش رهایی بخش ملی نیرو مندی بی سابقه کسب نمـوده است و به عنصر پر اهمیت جبهـه‌ضد امپریالیستی و ضد استعماری مبدل گردیده است .

وضع زنان در تمامی کشور های‌در حال رشد همگون و یکسان نیست در شرایط کنونی روند تفکـیك راه‌رشد به این کشور ها در پروسه است .یکعدهٔ آنها راه رشد انقلابی‌ودموکراتیك را در پیش گرفته اند و در بعضی دیگر این کشور ها مناسبات سرمایه داری نضج گرفته و رشد می یابد در کشور های که راه‌انجام دگر گونیها ی بنیادی اقتصادی و اجتماعی را در پیش گرفته اند ،شرایط مساعد جهت بهبود بخشیدن وضع زنان تامین می گردد.

خلقهای این کشور هادر راه‌تقویه‌اقتصاد ملی ،طرد عقب ماندگـــی و وابستگی به انحصا رات بین المللی گامهای فراخی را بر داشته اند .

درین کشور ها تعداد زنان شاغل‌در ده سال اخیر رو به افزا یش‌بوده و ابعاد فعالیت آنها خیلی متنـوع اســـت .

به منظور جلب هر چه گستر ده‌تر زن به پروسه تولیدی‌اقداما ت‌خاصی صورت می پذیرد .

رشد و تحکیم امر دمو کراسی ومقاطعه با کلیه اشکال تبعیض، نا۔ برابری و ستم ، افقهای و سیعی را جهت شرکت فعال در حیات اجتماعی در برابر زنان گشوده است .

زنان جمهوری دمو کراتیك مردم الجزایر از امکا نات مساعد جهت رشد همه جانبه استعداد هـــا ی خویش برخور دار اند .

شرکت زنان الجزایر در قیام ملی ۱۹٥٤ ـ که بعداً به انقلاب ملی دمو۔ کراتیك مبدل گردید خیلی پربهـــا است .

سیمای زنان قهرما نی چـــــون حبیبه بنت بوعلی ، جمیله بوخرد ، جمیله بوپاشا، ملکه گوند و دیگران در تاریخ جنبش مقاو مت کشـــور الجزایر جاودانه می درخشند . آنان و صد ها زن قهرمان گمنام دیگر در پیشا پیش صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال کشور شان قرار داشتند.

وقتا که در سال ۱۹٦۲ ـ خلق آزاده الجزایر استعمار گران فرا ـ نسوی را ازکشور شان بیرون ریختند شورای ملی انقلاب آنکشور درپرو ـ گرام خویش سهم زنان را در جنبش رهایی بخش ملی و حصول استقلال پر اهمیت و ارزشمند ارزیابی نموده تساوی حقوق زن و مرد در چو کات قانون اساسی آنکشور تصریـــــح گردید .

نقش زنان در تمام عرصه هـــای زندگی روبه افزایش است .امروز ۹٪ تعداد مجموعی کار گران امـور تولیدی را زنان تشکیل میدهند .اگر در سال ۱۹٤٥ در پوهنتون الجزا یر تنها ۱۷ دختر مصروف تحصیل بود امروز ۲۳٫۳٪ مجموع محصلان پـو نیو رستی هارا دختران میسازند.

زنان آزاده ایتوپی دو شا دو ش تمام نیرو های مترقی کشور شان در سنگر گرم مبارزه به خاطر اعمـــار جامعه عادلانه فاقد از استثمار فرداز فرد قرار دارند .ره آورد های انقلاب ایتو پی که همین اکنون ۷ سال از پیروزی آن می گذرد برای خلـق ومنجمله زنان ایتو پی سترگ وپربها است . پروسه نو سازی در ایتوپیای سو سیا لیستی سیر تکا ملی خودرا می پیماید. مکاتب، درمانگاه هاومساکن رهایشی برای زحمتکشان اعمار می گردد .

وضع زنان کشور ایتوپی قبل ازانقلاب رقت بار و ناگوار بوده است میگفتند که (خرو زن را بـــه زورقمچین باید راند) شوهر مالك مطلق زن بوده میتوا نست اورا طلاق بدهدو از خانه بیرون راند . درروشنی



زنان ایتوپی قاطعانه از دست آورد هـــای انقلاب شان دفاع می کنند .

دستاورد های انقلاب ایتوپی زنان آنکشور از حقوق و آزادی‌های وسیع برخور دار گردیدند برای همه اتباع ایتوپی ومنجمله زنان حق تضمین شده کار تامین گردیده زنان هنگام بارداری و وضع حمل از رخصتی با معاش استفاده مینمایند .

در برنامه انقلاب ملی ودموکراتیک آنکشور تصریح شده است که :
دولت همه امکانات لازم را جهت شرکت فعال زنان در پروسه تولیدی فراهم خواهد کرد در اولین روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۰ اتحادیه انقلابی زنان ایتوپی بنیان گذاشته شد که به زودی به گردان پیشاهنگ ورهبری کننده زنان ایتوپیامبدل گردیده توده‌های وسیع زنان را در صفوف خویش بسیج و متشکل کرد نقش این سازمان درامر مبارزه با بیسوادی پربهاست اعضای اتحادیه تا حال ۸ملیون زن را خواندن و نوشتن آموخته اند.

زنان موزمبیق تا قبل از پیروزی قیام ملی بار ثقیل میراث استعمار و ستم را بر شانه میکشید ند ازکوچکترین حقوق اجتماعی و مدنی بی بهره بوده به کار های طاقت فرسا گماشته میشدند ازدواج اجباری دختران در سنین بسیار خورد پدیده معمولی جامعه موزمبیق بوده است .

زنان موزمبیق همپا و همسنگر برادران ، پدران، شوهران وفرزندان خویش به خاطر نیل به استقلال و تمامیت ارضی سلاح بر داشته با شرکت حماسه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی مثالها ی فراوان قهرمانی و جانبازی را از خود بجا گذاشته اند .

با ایجاد گروپهای منظم ومسلح در سال ۱۹۶۷ زنان کشور موزامبیق در جنگ رویا روی علیه اشغالگران اشتراك ورزیده و اسمهای قهرمانانی چون ژزنیا میشل ،مرینا یشیتوانا ، ترزه عموی مانیکا شتولیلا از افتخارات جنبش رهایی بخش مردم موزمبیق بشمار میرود .
ژزنیا میشل درپای یك پیکاراستوارار وقهرمانانه مرگ رابه خاطر زندگی زیبا پذیرفت و استقلال وطن خودرا نتوانست ببیند روز مرگ او را مردم موزمبیق به مثابه روز زنان آن کشور بر گزار می کنند .

قانون اساسی مورخ ۱۹۷۵ ، که بزرگترین دستاورد انقلاب مردم موزمبیق است حقوق مساوی زنان را تضمین نموده برای زنان تسهیلات همه جانبه فراهم گردیده است به زنان در ایام حمل و زایمان دو ماه رخصتی با معاش داده میشود هنگام بار داری زنان به کار های آسان گماشته میشوند .

سازمان زنان موز مبیق در جنبش توده ای مبارزه با بیسوادی کـه در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعالا نــــه اشتراك ورزیدند و همین اکنون در سنر تاسر کشور ۱۰۰ مرکز سوادآموزی ایجاد نموده است که در چوـ کات این مراکز زنان نه تنها ســوادی آموزند بلـکه اساسات دا نـش سیاسی ،تدبیر منزل ،مواظبت اطفال و کمك های اولیه را فرا می گیرند زنان کشور موزمبیق در رهبـر ی جامعه اشتراك وسیع می ورزند .

در نتیجه انتخا بات سال ۱۹۷۷ـ ۲۰٪ نمایندگان اسامبله ملـــی آن کشور رازنان تشکیل میدادند ،آنها فابریکه ها ،کوپراتیف هـا و دیگر موسسات تولیدی را رهبری میکنند.

مردم جمهوری دمو کراتیك مالگاشی که یك سال قبل در نتیجــــه پیروزی انقلاب ملی دمو کراتیك درآنکشور سمت گیری مترقی را بـر گزیده است با گامهای استوار وبلندبسوی فتح قله های شامخ پیروزی به پیشروی خویش ادامه میدهند .

تمام اتباع آن کشور صرف نظراز تعلیمات مذهبی ، جنسی و لسانی از حقوق مساوی بر خور دارا ند تنها بعد از پیروزی انقلاب شرکت همـه جانبه زن در پیشبرد امور دولتی واداری امکان پذیر شده است بـرای اولین بار در تاریخ کشور امــــور حکومت را زن بدست گرفته است عـلاوه بر صدر اعظم یکی از اعضای مجلس عالی تدوین قانون اسا سی نیز زن است .پانزده زن دیگـر اعضای کمیته انجمن های دولتی اند .حمایه از اطفال یکی از مسایل محوری سیا ست دولت مالگا شی به حساب می رود .

بسال ۱۹۸۰ ـ بـرای خلق پیروسال مشحون از حوادث و پیروز ی های بوده است در نتیجه انتخا با ت سال ۱۹۸۰ ـو بوجود آمدن حکومت مترقی مشی جدید دولت تنظیم گردید که در روشنی آن خلق پیرو به حقوق و آزادی های وسیعی نایل آمدند .

زنان پیرو در پرتو تحولات جدیدو امکا نات تازه ایجاد شده سومیــــن کنگره ملی خویش را تدویر نمودند که مرحله پر اهمیتی را در تاریـــخ مبارزات اتحادیه توده های زنان پیرو گشود و در برابر زنان پیرو وظیفه گذاشت تا در یك سنگر واحد بـــه خاطر تامین عدالت اجتما عی ،شگوـ فانی کشور ومحو بیسوادی بسیـــج شوند . با ایجاد مکاتب ، کورسهای مسلکی مراکز سواد آموزی اتحادیه توده ای زنان پیرو به کسب حصول

طلایی (کروپسکایا) مفتخر گردید. همین اکنون ۲۵۰ هزار زن و مرد درکورسهای اتحادیه تودهای زنان پیرو مصروف سواد آموزی و ارتقای سطح دانش مسلکی اند .

(۲۸) مرکز تربیه اطفال قبل ازسنین مکتب ایجاد گردیده وبه‌ابتکار اتحادیه زنان پیرو (۲۰) مرکـــزمشورتی طبی بوجود آمده است و در خدمت زنان اند .

آنگاه که‌ماز وضع زنان درکشورهای نو به استقلال رسیده و پیروزی آنان سخن می پردازیم باید در نظـرداشت که همه این دستاوردها فقط نخستین گامها در راه حل مسله زن‌اســـت .

مبارزات زنجیر شکن خلقها بـــه‌خاطر طرد میراث شوم استعمار و تحکیم پایه های اقتصاد ملی آغـــازگردیده و طوفانزا ادامه دارد .

وضع زنان در بسیاری از کشورهای وابسته و تحت استعمـــار ژرفنای یك واقعیت تراژیدی آنـان‌در بسیار از کشور های آسیا یی، افریقایی ،وامر یکای‌لاتین به‌دشواری‌های بزرگی رو برو اند ارمغان‌تسلط طولانی استعمار برای خلقهای اغلب‌این کشور ها فقر و مرض ،بیسوادی رنج و محرومیت بـوده است امپـریالیزم با توصل به شیوه های نـو استعماری تلاش‌داردتا آنان‌را وابسته‌به انحصارات بزرگ حفظ کند.

از مجموع دو ملیارد و ششصدملیون باشنده کشور هـــای بـــه استقلال رسیده یك ملیارد آن دایما گرسنه اند . در آمد روز انه نهصد ملیون نفر در این مناطق کمتر از یك‌ثلث دالر است . در اکثر یت مطلق کشور های آسیایی ، افریقایـی وامریکای لاتین مسئله کار زنان هنوز لاینحل باقی مانده است . گر چـــه بیست الی سی فیصد نیرو کار را زنان عرضـــه میکنند ولی از پنجاه‌الی نود فیصد آنـــان مصر و ف کار های فرعی اند . در برابر زنان‌بر خورد تبعیض‌آمیز صورت میگیرد دست مزد آنان با مردان یك ســان‌نیست. زنان دهقان به ویژه مـورد استثمار قرار میگیرند . به طورمثال‌در فلپین چهارده ملیون زن دهقان‌که ۶۷٫۵ فیصد زنـــــان آن کشور راتشکیل میدهند کارگران فامیلی نام دارند که در خانه های اربابـــان وصاحبان زمین مصروف کا ر بـــی اجرت اند . زنانیکه به حیـــث کارگران مزدور در مزارع استخدام مـی شوند در برابر کار مساوی با مردان‌دست مزد نا چیزی را نصیب مـی شوند .

مرض مدهش بیسوادی دامن گیراکثر یت باشند گان کشور های رو

به انکشاف است همین اکنون هفت‌صد و هشتاد و پنج ملیون نفر در کشور های روبه انکشاف از نـــورسواد بی بهره اند که چار صـــدو شصت و هشت‌ملیون یابه عباره‌دیگر ٦٠ فیصد آن زنان اند. تبعیض‌درـ سیستم تحصیلات د ر برابر زنا ن‌عامل تبعیض درامر استخدام آنان بوده زنان مجبور اند به‌کار هـــای‌فرعی بپر دازند . زنان کشـــور های درحال رشد ازعدم دسترسی بـــه‌دریافت کمکهای طبی سخت رنـــج میبرند . از ٦٠ـ٨٠ فیصد زنان درصورت زایمان‌ازمراقبت صحی‌محروم اند وضع‌زنان‌در شرایط‌نظم فاشیستی‌و دکتا تور ی خیلی دشوار و طاقت فرسا ست . . .

قوانین و مقررات وحشیا نه رسیزم‌در افریقای جنوبی عامل رنج هـا و و آلام بیشمار برای زحمـت کشان‌افریقای جنوبی بوده است مـردا ن اکثرا به خاطر نجات از زیر سا طورجانیان رژیم به کار گـــران مهاجر مبدل میگردند . زنان مجبور اند دردهات متروك در شرایط خیلی ناگوار با محرو میت هاو بد بختی هـــــاامواجه باشند . اکثرابا امراض ساری مصاب بوده‌دراثرعدم‌دریافت کمکهای‌صحی طعمه مرگ میشوند .

بعضا قوانین ضد انسانی نـژادپرستان حرکت سیاه پو ستان‌رادر مناطق معینی محدود میساز ند .

اینك به قصه درد آلود زن بـلاکشیده افریقای جنوبی که در برابر کمیسیون بین المللی جهت تحقیق‌جنایات رسیستها به آنکشور مسا ـ فرت نموده بود گوش فرا دهید . اوبابنیه لاغر چشمان گودزده‌و پرانده‌وه عقب تربیون قرار گر فت اسم من(گولد دستاون مراکه) است روز۲۳ می سال ۱۹۵۳ در جمهوری افریقای‌جنوبی به‌دنیا آمده ام‌طی مدت بعداز ۱۹۷٤ چهار باربه‌بند وزندان کشیده‌شده موردوحشیانه ترین وبیرحمانه ترین انواع شکنجه ها قرار گرفته‌ام‌من گناهم را نمیدانم . صدای وجدانم مرا وامیدارد تا قصه سر نو شت‌تلخ‌خویش را برای اعضای کمیسیو ن بیان دارم . زیرا داستان سر نوشت‌من چکیده ازسرنوشت زنان افریقای جنوبی است . روز دوم سپتا مبـــردر حالیکه من بصـــوب سوا نـــا روان بودم‌پولیس‌مو تر حاملم‌رامتوقف‌و مـــن و د یگـر همرا هانم‌راپیاده ساخته بدستها یمان‌دست بند آهنین‌زده ما را تسلیم کلانتری کلتپـــون



زنان نامبیا در مبارزه بخاطر آزادی .

نمودند . بعد از دور اول شکنجه توسط ماموران امنیتی ما را به یو -
گا نبورك بریاست مرکزی حوزه امنیتی بردند به من دستور دادندتا
برهنه شوم و بالای چوکی قرار گیرم و بالای سرم دوکتاب نمرات تیلفون
را گزا شتند . افسر موظف آنجا به نگهبان امر کرد که اگر احیانا مـن
من بیفتم مرا بباد لت و کوب بگیرد چند دقیقه بعد درد توان فرسای را
در سرا پایم احساس کردم ، همه وجودم میلرزید و نا خود آگاه بـه
زمین خوردم .آنگاه نگهبان به سراغم رسیده باچکمه های خویش به سر
وصورتم کوفت ، آنان انواع مختلف مواد انفلاقیه را به من نشـان داده
پرسیدند چیست؟ منکه نمیدانستم چه میتوانستم بگویم. بعدا مرا به اتاق
دیگر رهنمایی کردند : آنجا چهار پولیس ایستاده بود و هیچگو نـه
اثا ثیه در اتاق وجود نداشت دیوارهای خون آلود نمای اتاق را وحشت
ناك سا خته بود پو لیس ها سگرت میکشیدند ، به من حکم کردند که دو
باره برهنه شوم، بازهم به لت وکوب من پردا خته بار ها سگرت خو یش
را به بازوان وسینه ام چسپا نیده وسرم را به دیوار میکو فتند .

این زن قهرمان پنج ماه را درعقب میله های وحشت ناك فاشیستهای
افریقای جنوبی سپری نموده انواع واقسام شکنجه های غیر انسانـی را
تحمل کرده است . بدن او را مـی سوختا ندند ، سپس لین بـرق را
داخل زخم ها یش میکردنـد روی بدنش آب جوش میر یختند ، چنین
است واقعیت زندگی صد ها زن درافریقای جنوبی .

کشور نامیبیا هنوزدر تحت پاشنه های رسیستها بسر میبرد . زنا ن
نامیبیا یی بردگان (خارجی) درکشوراصلی خود اند . اطفال شانرا از تیغ
میکشند دهات و سر پناهای شانرامیسو زانند ، همین اکنون بیش از
نیمه نفوس آن کشور در اردو گـاه های مخصو ص بسر میبرند .

ولی اراده خلقها را نمیتوان درهم‌شکست مردم نامیبیا شکست ناپذ-
یراند . زنان دو شاد وشی مردان به‌خاطر استقلال ملی و آزادی مبارزه
میکنند .

در نواحی آزاد شده نامیبیا هـم‌زمان با انجام عملیات مسلحا نه و
جنگ رویا روی با دشمن ، تدابیرفراوان جهت رفع عقب ماند گی ،
مبارزه با بیسوادی و پرورش اطفال‌در معرض اجرا قرار میگیرد مکا تب
موقت‌و سیار درجنگلات ایجاد میکندتا در صورت لزوم آغاز عملیات بـه
مناطق دیگر منتقل گردد . در ایالت‌کنزا نسوان ۱۸۰۰۰ نفر از آنجمله
۳۰۰۰ طفل در بین جنگل زیر خیمه‌هابسر میبرند در مکتب موقت آن
اطفال به تحصیل میپردازند . هزارطفل در کود کستان های این جنگل
تحت پرورش اند در کشور های‌دیگرامریکای لاتین نظیرچلی ،یوز وگوای
پرا گوای ، بولویا، گواتی ، مـالاوغیره در شرایط بیداد گری رژیـم
های وابسته به امپریا لیزم زنان‌درشرایط دشوار بسر برده ولی علی -
الرغم آن‌همه دشواری هادر مبارزات‌مخفی مردمی اشتراك فعال دارند .

در نتیجه کود تای خونین ۱۹۷۳زمام‌امور کشوریوروگوای رانیروهای
فاشیست بدست گرفتند هزا زان‌وطنپرست ، منجمله زنـان روانـه
شکنجه گاها وزند انهـــــــــاشدند فضای ترور و اختنـاق در
کشور چیره شده همه حقوق وآزادی‌های دموکرا تیك و مدنی سلـــب
گردید موسسات تولیدی مسد ودگردیده و کار گران سبـــك دوش
گردید . زنان که ۳٤ فیصد مجموع کارگران را میساز ند به خانه هـــا
بر گشتنا نده شده و از دریافت حتی‌دست مزد ناچیز محروم گردیدند.
زنان یورو گوای باثبات و دلیرانـه‌به خاطر رهایی محبو سین سیاسی
و اعاده حقوق و آزادی هـــای دموکراتیك و کسب حق شرکـــت در
اتحادیه ها بی امان میرز مند . آنهادر شرایط مبارزه مخفی به خانواده
های محبو سین سیا سی کمك می‌رسانند .

زنان کشور های روبه انکشاف‌درمبارزه بر حق و دشوار خو یش علیه
اژد های امپر یالیزم و استعمارجدیدتنها نیستند. آنان پشتیبا نی‌نیرو-
مند فدرا سیون دمو کراتیك زنـان‌را با گوشت و پوست خو یش‌لمس
مینما یند .

با تدویر میتنگهـــــای همبستگـی‌وارسال پیام هـــا ، اعزام هیئت
جهت بر رسی شرایط زند گی و کارزنان ودها ابتکار دیگر عملادر پیکار
رهایی بخش خلقها و زنان کشو رهای در حال رشد سهیم است .

فعالیت سازمانهای ملی عضو فدراسیون دموکراتیک

بین المللی زنان در شمال :

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

اهداف و وظایف آن در شرایط کنونی

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان (۱۶) سال قبل بر مبنای ضرورت تاریخی واجتماعی کشور ما بر اساس تکامل وضع عینی جامعه وبه مثابه پی‌آمد قانونمند تکامل جنبش زن در کشور بخاطر تشکل ورهبری مبارزات زنان درعرصه‌های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی وصنفی وارد فعالیت وعمل انقلابی گردید •

سازمان مادرشرایطی پابعرصهٔ وجود گذاشت که چهرهٔ اقتصادی ـ اجتماعی کشور ما را یك فرماسیون اجتماعی فیودالی و ماقبل فیودالی تشکیل میداد •

در تحت چنین مناسباتی خلق ووطن ما سالیان متمادی تحت سر پنجه های استبداد قرون وسطایی اسیر بدترین اشکال جوروستم گشته وبا انواع خرافات ، رسوم وعادات عقب‌مانده دست به گریبان بوده‌اند وآماج انواع توطئه ودسایس زیر کانهٔ ارتجاع ونیروهای سیاهٔ ملی ، منطقوی وبین المللی قرار گرفته‌اند •

بنابر تسلط همین مناسبات فرتوت،زنان دردرازنای تاریخ از محکومترین ومحرومترین گروه های اجتماعی بوده‌اند • زنان نه تنها از کوچکترین حقوق انسانی مدنی بی‌بهره بودند بلکه بنابر موجودیت همین مناسبات منسوخ و کهنه‌ارباب‌رعیتی ازشرکت دراکثریت ساحات تولیدی وحیات اجتماعی محروم وبدور نگهداشته شده بودند .

پس از حصول استقلال درسال ۱۹۱۹ تحت فشار ضرورت زمان ودر نتیجه مبارزات پیگیر نیروهای ترقی پسندوپیشروجامعهٔ ماامیرامان‌الله دست به انجام ریفورمهایی در کشور زد که باانجام این تغییرات بائیستی دگرگونی‌های مترقی را دروضع زنان همراه میداشت•



تجلیل هشت مارچ روز جهانی زن

برای اولین بار زنان عقب میزهای مکاتب قرار گرفتند ، یکعده زنان جهت کسب دانش بخارج کشور اعزام گردیدند . جریده «ارشاد نسوان» به نشرات آغاز نمود وریفورم رفع حجاب روی دست گرفته شد • ولی باکمال تاسف از آنجاییکه با تدارکات وآمادگی های قبلی مادی و ذهنی در جامعه همراه نبود وازجانب دیگر مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی درجامعه مستقر بود ، نهضت دورهٔ امانی همانند جنبش مشروطه خواهی اول و دوم باسرپنجه های خونین و آلوده استبداد شوم فیودالی به پشتیبانی استعمار به نشیب گاه ناکامی سوق داده شد ووحشیانه سر کوب گردید •

هنوز تبهکاری وسفاکی های ارتجاع واستبداد خاطرهٔ نسلهای کنونی محو نگشته و مردم مستضعف ما بخاطر دارد که ارتجاع سیاه بهمدستی استعمار امپریالیستی حیله گرانه علیه جنبش توده ای مردم مان موضع گرفته بادادن لفافه مکارانه تلاش ورزید، نهضت زنان رابوسیله تخویف وتخدیر اذهان مردم پا کدل ما بناکامی مواجه سازد، چنانکه موفق هم گشت و برای دوران کوتاهی سیاهی وظلمت برسرزمین ما دامن سنگین خویش راگسترد. باسقوط خاندان حکومت امیرامان الله در اثر تحریکات فرستادگان و گماشتگان امپریالیزم ، بلا فاصله استبداد و اختناق بر کشور چیره گـردید . ولی چرخ تاریخ را که نمیتوان به عقب گشتاند همه تلاشها و دسایس دشمنان میهن دراثر مبارزات پیگیر خلق ما و تسلیم ناپذیری شیر مردان این سر زمین آزاده ، عقیم گذاشته شد•

ثمرهٔ ظفر نمون تسلیم ناپذیری مردم ومنجمله زنان کشور ما ایجاد امکان رفع حجاب بتاریخ (۲) سنبلهٔ ۱۳۳۸ و اشتراک زنان در پروسهٔ تولیدی واستفاده از خدمات اجتماعی وتحصیلی به طور نسبی بوده است .

ولی با آنهم فیصدی زنان شاغل درساحات تولیدی محدود وناچیز باقی مانده بود • آمارو احصائیه های رسمی نشان میدهد که تعدادزنان شاغل در کـارخانجات و مؤسسات در سال ۱۹۶۵ جمعاً به (۶۴۳۷) نفر میرسید •واین رقم درسال قبل ازانقلاب به مشکل تا (۵۰۰۰) نفر میرسید •

هیچ قانونی رسماً ازکار وحقوق زنان کارگر حمایت نمی نمود ، دستمزدشان عملا کمتر از مردان بود وعمدتاً دررشته های غیر اختصاصی وبکار های شاقه گماشته میشدند •

گرچه ظاهراً زمینهٔ تحصیل برای زنان وجودداشت ولی باهیچگونه تضمین اجتماعی واقتصادی توأم نبـود .

علی الرغم اشتراک فعال و همه جانبـه درکار تولید زراعتی در دهات وقراء کشور زنان از هیچگونه امتیاز مادی و معنوی بهره مند نمیگردیدند . کار آنان به مثابه کار تکمیـل

کننده مردا نشان در زراعت تلقی میگردیدومزدی از آن دریافت نمی نمودند • در شرایط حکمروایی نادر ،ظاهرو داود هیچگونه مواظبت‌جدی وپیگیر در حق زنان ، خانواده و طفل رواداشته نشده ووضع زنان کشور رقتبار و ناگوار بود واین وضع کماکان از سالهای ۱۹۲۹ الی سقوط حکـــومت آخـرین نماینده‌خانواده نادری ادامه داشت •

دستهای استخوانی زحمتکش زنان بازتــاب کار پر مشقت و دشوار روزانه بوده است، زندگی آنان بارنج و محنت آغاز میشد وبی فرجام می انجامید .

زنان‌کوچی مزدور ، زنان کارگر وگدا های‌طفل به‌آغوش کشیده ای سرکوچه هاموجودات سرگردان و در بــدری هستند کــه زندگـــی تراژدیك آنان قلب هر انسان با احساس را میشگافد •

اگر زنان واطفال ما عمر ها در کوچه ها، مغاره ها، گراج های نمناك ودیگر بیشه های محقری خزیده اند ، این واقعیت تلخ وغم انگیز میراث شوم سردمداری اشرافیت طفیلی محسوب میگردد •

ولی سنن پرافتخار مبارزه وپایداری مردم‌آزادهٔ مارا استبداد وحشی نتوانست از میان بردارد ، زنان به مثابه مادران و هموطنان‌دوشا دوش پدران و فرزندان خویش حتی درسیاه ترین وتنگ ترین روز ها ، آنگاهیکه‌یك مشت هوای‌آزادبرای تنفس وجود نداشت پرچم پرافتخار مبارزه را همواره بلند ودر اهتزاز، نگهداشته اند •

حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ـحزب‌طبقهٔ کارگر و همه زحمتکشان کشور، از همان لحظهٔ تاسیس وآغازفعالیت‌خویش کارآموزشی،پرورشی و سازماندهی را در بین زنان یکی از وظایف مهم خود دانسته وبه مساله جلب‌زنان به جنبش ملی‌ودمو کراتیك کشور توجهٔ دایمی داشته و اصولا برای نخستین بار درتاریخ کشور مسأله زنان را بطور علمی وهمه جانبه طرح نمود. طوریکه رفیق ببرك کارمل‌منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی ح•د•خ•ا ،دربیانیهٔ افتتاحیه کنفرانس سر تاسری زنان کشور به‌تاریخ (۲۸) نوامبر ۱۹۸۰ گفتند : «حزب در اولین مرامنامه خود پیوند ارگانیك جنبش زنان‌را با جنبش رهایی‌بخش‌ملی واجتماعی توضیح نموده وباپیگیری درراه تحقق این‌اصل پیکارنموده است •»

ضرورت مبارزه بخاطر آزادی زن از قیدوبند هاو سنت های فرتوت که سیر جوامــع طبقاتی و بخصوص مناسبات فیودالی و ماقبل‌آن‌برای زنان‌کشور ایجاد نموده بودو ضرورت پیکار مشترك با جنبش ملی و دمو کراتیك‌در کشور که دور نمای روشنی برای زنان کشور وبرای رسیدن آنها به آزادیهای نسبی‌اجتماعی ، سیاسی،اقتصادی‌وفرهنگی محسوب میگردید ، ایجاد سازمان مستقل رابرای زنان‌کشور حکم مینمود • سازمانیکه نیرو هــای پراگنده زنان رابه طور استوار بهم پیوندهدوآنانرا در راه انجام تحولات ملی ودمو کراتیك پیگیرانه بپیش هدایت نماید •

سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان کـه بنابر ضرورت عینی درپای یك پیكار تاریخی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ودر نتیجه‌کار و پیکار خستگی ناپذیر دکتور انا هیتاراتب زاد عضو بیروی سیاسی‌ورئیس سازمان صلح‌همبستگی‌ودوستی ج۰د۰ا۰ ورئیس س ۰د۰ز۰ا د ر سا ل ۱۹۶۵ بنیا د گـذ ا شتـه شد طی (۱۶) سال‌حیات‌پرافتخار خویش همواره مظهر پیوند ارگـانیك و منطقی جنبش دمو کراتیك زنان با جنبش رهایی بخش ملی بوده است ۰

تاریخچه سازمان ما مشحون از مبارزات‌قهرمانانهٔ اعضای این سازمان بخاطر دفاع از منا فـع مـردم ستمـدیـدهٔ ما و ر ها یی‌کامل زن از قید محرومیت هاو نابسامانیهابوده است ۰ سالهای بعد از ۱۳۴۴ برای زنان آگاه و مترقی افغانستان سالهای آزمایش و تجربه، سالهای مبارزه متشکل دموکـراتیك، سالهای بسط وتوسعهٔ سازمانی بوده است۰ تشکیل سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان‌به ابتکار رهبر جنبش زن و شخصیت برجستهٔ سیاسی کشور مارفیق‌دکتورس اناهیتا راتب‌زاددروجودیك محفل‌کوچك‌درسال۱۳۴۴گام ارزنده ومفید یست که در راه رهایی نصف نفوس‌کشور ورسا ساختن صـدای آزادی ، حقـوق و مطالبات ایشان ، برداشته شد ۰

بلا فاصله بعداز تشکیل سازمان ،انتخابات‌دورهٔ دوازد هم پارلمان آغاز یافت که باوجود سلطه و تحریکات ارتجاع سیاه ورژیم‌فیودالی‌سلطنتی وقت ، تعداد قابل ملاحظه زنان و دختران آگاه در میتنگهای انتخاباتی کاندیدان‌حزب و سازمان فعالانه وباشور وشعف انقلابی سهم گرفتند ودر رأی دهی اشتراك ورزیدندودرموفقیت کاندیدان حزب و سازمان بحیـث نماینده های شهر کابل رول قابل ملاحظه‌راایفا کردند وبرای اولین بار نمایندهٔ سازمان دمو کراتیك زنان در پارلمان یك چوکی‌بدست‌آورد و صدای نیرو مند زن برای دفاع ازحقوق وآزاد یهای دمو کراتیك در پارلمان کشور بلند شد ۰

در جریان مبارزات انتخاباتی و بعد از آن‌از طریق واحد های اساسی سازمان و فعالین آن حتی الامکان با قشرهای مختلف زنان‌تماس‌بر قرار گردید ، همچنان‌به‌موازات آن سازمان درزمینه های دفاع از حقوق وآزادیهای دمو کراتیك زنان ، توضیح وضع رقتبار زنان د ر کشور ونظامهای مختلف اجتماعی کشور های‌جهان ارائه راه ها ووسایل مبارزه نجـاتبخش زنان افغان و مسوولیتهای جهانی آنان،وظایف‌مقدماتی خود را ایفا کردو در حدود امکان اقدام به فعالیت سازمانی ، آموزشی وتبلیغی‌نمود وواحدهای سازمان‌راتحت عنوان «انجمن» تشکیل داد ۰

ـدر جوزای سال ۱۳۴۵ بخاطر تجلیـل‌نخستین سالگرد تاسیس سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان اجتماع قابل ملاحظهٔ از زنان‌و دختران روشنفکراعم از معلمان ، کارمندان

وشاگردان تشکیل شد که روی اصول وموازین مرامی وسازمانی ، رهبری و مشی سازمان بحث آزاد و تبادل نظر دموکراتیك صورت گرفت که در نتیجه آن تصامیم ثمر بخشی اتخاذ گردید •

سازمان ما همواره کار دربین توده های زن را با شرکت در جنبش مردمی موفقانــه تلفیق نموده است .

در ذیل چکیده از بحــر بیکران کار وپیکارشانــزده سالهٔ سازمان رانمونه وارارائه میکنیم:

ـاشتراك وسیع سازمان در مظاهره سه عقرب ۱۳٤٥ باشرکت سازمانهای سیاسی تحت درفش مبارزه در راه تامین آزاد یهای دمو کراتیك خلق افغا نستان گام برجسته دیگر سیاسی بود که سازمان مادر بدو تشکل خودبرداشت •

ـ همچنان طرح موقف وحقوق اکثریت زنان افغان در زندگی اجتماعی ، اقتصادی ،سیاسی وفرهنگی به وسیلهٔ نمایندهٔ ح٠د٠خ٠ا وسازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان انعکاس وسیع در جامعهٔ نمود وسازمان مارا استحکام واعتبار بخشید •

ـاشتراك وسیع سازمان در تظاهر بــــزرگ ده ها هزار نفری ومیتنگهای روز ۹ قوس ۱۳٤٥ درشهر کابل که بخاطر اعتراض علیه توطئه ترور فر کسیون (ح٠د٠خ٠ا) در برابرو کلای مرتجع و حکومت میوند والو دسایس سلطنت صورت گرفت ، از افتخارات پیکار جویانهٔ دیگر سازمان ماست که ثبت تاریخ نهضت کشور است •

ـاشتراك وسیع و همه جانبهٔ سازمان دراولین برگزاری روز (کارگر) اول می ۱۳٤۷ دروطن ماو منجمله دفاع از زنان کارگر کشورواشتراك همه ساله سازمان دریك صف واحد تحت درفش حزب دموکراتیك خلق افغانستان درین روز جهانی باوصف حملات وحشیانــهٔ ارتجاع سیاه علیه نهضت و جنبش بطورعام و علیه نهضت زنان به طور خاص خصلت کارگری سازمان را متبارز ساخت •

ـاشتراك وسیع و همه جانبهٔ سازمان تحت درفش پرافتخار ح٠د٠خ٠ا برای اولین بار در روز پشتونستان ۱۳٤٦ واشتراك هرچــــــه وسیعتر و همه جانبهٔ سازمان در تجلیل این روز در تمام سالهای بعد •

ـابتکار بر گزاری وتجلیل هشت مارچ روز بین المللی زنان درسال ۱۳٤٦ توسط سازمان برای نخستین بار در کشور وتصویب مرام نجاتبخش سازمان ونشر گزارش این روز بامتن مرام سازمان در ارگان مرکزی ح٠د٠خ٠ا نقش مؤثری در بیداری و تشکل زنان آگــاه ایفا نمود .

ـاشتراك درتظاهرات ، مارشها ، میتنگها وسخنرانیها علیه قانون ارتجاعی پوهنتونها •

ـ اشتراك همه ساله سازمان در بزرگداشت روز سوم عقرب روز جوانان وطن .

- تشکیل میتنگ های اعتراضیه سازمان به‌اشتراك وسیع دختران‌پوهنتون و مارش‌اعتراض آمیز تامحل عمارت پارلمان علیه پیشنهاد وکلای مرتجع به غرض تجدید حقوق قانونی زنان .

- ایجاد تظاهر و میتنگ عظیم زنان بـــه‌رهبری سازمان‌دراعتراض علیه دسایس وترور ارتجاع سیاه در برابر آزادی زنان .

- اشتراك وسیع در تظاهرات شدید دوشادوش ح‌۰د۰خ‌۱۰ علیه اگنیو معاون ریاست جمهوری امریکا هنگام مسافرت وی به کابل .

- اشتراك فعال سازمان در حادثهٔ(۶) عقرب‌روز شهادت رفیق عبدالرحمن شهید .

- برگزاری وسیع (۸) مارچ ۱۳۴۸ و نشرقطعنامه سازمان بخاطر رهایی اعضای رزمنده حزب از زندان .

- اشتراك سازمان در استقبال از اولین‌زن‌فضا نورد شوروی در افغانستان .

- اشتراك پیگیر در تظاهرات (۵۲) روزهٔ‌پوهنتون و معارف‌علیه‌حملات وحشیانهٔ ارتجاع وپولیس به حریم پوهنتون، دارالمعلمین کابل‌ولت وکوب دختران وزنان محصل .

- اشتراك وسیع سازمان در انتخابات دورهٔ‌سیزدهم پارلمان باوصف دسایس وفتنه گری های ارتجاع داخلی و خارجی در زمینه .

- بر گذاری هشتم مارچ سال ۱۳۵۰ ودعوت‌نمایندگان جراید غیر دولتی که گزارش آن وسیعاً در جراید انعکاس یافت وهمچنان مارش‌درجادهٔ عمومی .

- میتنگ و تظاهر با شکوه (۸) مارچ ۱۳۵۱در شهر کابل درپارك زرنگار و طرح عضویت سازمان در فدراسیون دموکراتیك بین المللی‌زنان .

- اشتراك سازمان در میتنگ اعتراضیه‌علیه‌سفر هویدا نمایندهٔ ژاندارم منطقه به کابل.

- اشتراك نمایندهٔ سازمان در میتنگ جبههٔ‌متحد بخاطر آب هیر مند .

- اشتراك سازمان در میتنگ اعتراضیه‌علیه‌دولت پاکستان بخاطر انحلال حکومتهای قانونی محلی پشتو نستان و بلو چستان .

- شرکت فعال سازمان در میتنگ همبستگی‌ح‌۰د۰خ‌۱۰ با جنبش بلوچستان و پشتو نستان به مناسبت تجلیل خاطرهٔ شهیدان بابره .

- تشکیل کنفرانسهای متناوب محلی جهت‌دادن شعورو آگاهی بیشتر بزنان درراه مبارزهٔ صنفی وسیاسی شان .

- ایجاد یکتعداد کورسها ی سواد آموزی‌ازطرف سازمان و تبلیغات وسیع زبانی وشفاهی بزبان ساده برای بیداری زنان .

-انتشار نشریهٔ دو هفتگی در (٦٥)شمارهزیر عنوان «گزارش» از سال ١٣٤٦ تا اواسط ١٣٤٩ .

- نشروپخش ماهنامهٔ بنام «زنان افغانستان» بعنوان ارگان مرکزیسازمان ١٣٥٠ الی١٣٥١

-ترجمه ، تکثیرو توزیع یك سلسله موادومقولات تیوریکی و معلوماتی در باره حیات زنان افغان و جهان وشیوهٔ های مبارزهٔآنان .

همهٔ اینها و صد ها فعالیت انقلابی دیگرنمونه هایازسهمگیری فعالس.د.ز.ا درمبارزات اجتماعی وطبقاتی تا پیروزی انقلاب شکوهمندثور در کشور ماست.

بنیان گذاران وسپاهیان این جنبش بخوبیمیدانستند که جنبش دمو کراتیك زنان از جنبشرهایی بخش ملی در کشور ما جدا بوده نمیتواند ورهایی کامل زنان از قید ظلم وستم ، جهل و خرافات تنها و تنها ازطریق وحدت عمل همهنیروهای ضدامپریالیستی وضد فیودالی میسر است وبس . در پیامك.م.ح.د.خ.ا. خطاب به کنفرانس سرتاسری زنان افغانستان در مورد نقش سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان چنین گفته شده است :«سازمان دمو کراتیك زنان افغانستانکه بیشتر از ١٥ سال از تاسیس آن میگذرد از همان آغاز فعالیت خود در تمام عرصههایمبارزه علیه ارتجاع ، استبداد ، استعمار و امپریالیزم بخاطر صلح ، آزادی ، استقلالملی ، دموکراسی وترقی اجتماعی و اقتصادی چون شیر زنان گذشته این وطن دوش بدوشحزب دمو کراتیك خلق افغا نستان در نهضت رهایی بخش خلق مابیهراس از تهدیدها ،شکنجه هاو زندا نهای رژیم های استبداد و ترور گذشته باتقوا وشجاعانه و قهرمانانه شرکت داشته است .

نقش حماسه آفرین گروه رهبری ، کادرهاوصفوف سازمان دمو کراتیك زنان درانقلاب ثور بخصوص مرحلهٔ نوین آن در تاریخنهضتانقلابی کشور مان جاویدان خواهدماند.»

انقلاب ثور به مثابه نقطه عطفعظیم در تاریخ کشور ماکه متکی به ارادهٔ خلقهایافغانستان در چار چوب قانون بندی های تکاملجامعهٔ ماودر نتیجه تشدید پیاپی تضاد های آشتی ناپذیر بین مشتی از استعمار گــران وتوده های ملیونی زحمتکشان افغا نستانبه پیروزی رسید افقهای تازه در برابر خلقکشور در جهت اعمار جامعه ایکه در آن استثمار انسان بهوسیلهٔ انسان و تمام انواعستم ملی واجتماعی اثری نباشد گشود رهایی کامل زن از قید ظلم ، خرافات و بقایای مناسبات فیودالی و طرد هر آنچه کهبه حقارت اسارت ، تحقیر و توهینزن می انجامدو تامینشرایط هر چه مساعد تر برای رشد همه جانبهٔ شخصیت زنان افغانستان که نیمی ازجمعیت وقوای بشری باالقوه را تشکیلمیدهند یکی ازآرمانهای ملی، دموکراتیك، ضد فیودالیوضد امپریالیستی انقلاب ماست .

در اصول اساسی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان که پس از مرحلهٔ جدید انقلاب ثور یعنی پس از (٢٧) دسامبر ١٩٧٩ اعلامگردید نه تنها اصل برابری زنان با مردان

انعکاس یافته بلکه راه ها وشیوه های تشدید، تقویت مواظبت دولت از وضع زنان به مثابه زحمتکشان و مادران وطن نشان داده شده است .

در مرحلۀ فعلی انقلاب چرا باید سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان نیرو مندی خاص کسب نماید و چرا باید یکی از پایه های مهم جبهۀ ملی پدروطن راتشکیل دهد ؟

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیتۀ مرکزی ح.د.خ.ا پس از پیروزی مرحلۀ نوین انقلاب ثور طرح جبهۀ ملی پدروطن رابه مثابه عملی ترین و ممکن ترین شکل هماهنگ ساختن فعالیت نیروهای ملی ودموکراتیک جامعۀ ما در دفاع از دست آورد های انقلاب ثور ومبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم و اعمار جامعۀ نوین پیش کشید واندکی بعددر تزهای کمیتۀ مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان انعکاس یافت . پیروزی مرحلۀ جدید انقلاب ثور امکانات مساعد اشتراک همۀ جانبۀ زنان افغانستان رادر چار چوب سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان در جبهۀ ملـی پدروطن در سطـح عالیتر فراهم نمود . واین امر برای حـل مسألۀ زن در افغـانستان ارزش بس بـزرگ دارد .

بنابر آن سیاست اصولی و خـلاق حـزب دموکراتیک خلـق افغانستان در جهـت تـأمین اتحاد طبقات واقشار ملی و دمو کراتیک ضدامپریالیستی و ضد فیودالی جـامعه در رأس اتحادکارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون وطنپرست ، کسبه کاران ، سرمایه داران تجارتی وصنفی ملی، کوچی ها، قبایل واقوام در چار چوب جبهه ملی پدروطن تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان بخاطرمبارزه درراه محووطرد بقایای فیودالی ، عقب ماندگی فقر، بیکاری ، بیسوادی ، وامراض خانمانسوز، درراه تأمین شرایط انسانی کاروارتقای سطح زندگی مردم تشکیل میدهد واضح است که زنان کشور میتواند وباید هم بتواند نقش شایستۀ خود رادر این مبارزه بخاطر تامین سعادت و خوشبختی فرزندان شان یعنی نسلهای آینده کشور ایفا نمایند . ما معتقدیم که دربین ما زنان افغان نیرو ، استعداد ،و توانایی کافی برای انجام این وظایف تاریخی وجوددارد برای بسیج نمودن ومتشکل ساختن این نیرو وظیفه عمده بدوش زنان آگاه ودر گام نخست بدوش سازمان دمو کرا تیک زنـــان افغا نستان که تحت رهبری داهیانۀ دکتور اناهیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی ، رئیس سازمان صلح، دوستی و همبستگی فعالیت مینماید می باشد .

کنفرانس سر تاسری زنان افغا نستان که بتاریخ ۲۸ ـ۳۰ نوامبر ۱۹۸۰ در کابل دایر گردید و در کار آن اعضای عالیقدر حـزبی ودولتی در راس رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیتۀ مرکزی حزب دمو کراتیک خلـق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دمو کراتیک افغا نستان اشتراک ورزیدند ، نمایانگر ارج بزرگیست که رهبـر

حزب به مبارزهٔ زن در کشور و نقشی زنان افغان در پروسه نو سازی قایل اند •

اشتراك وسیع و فعال زنان از تمام طبقات، اقشار وگروه های ملی ودموکراتیك جامعه از مرکز وولایات کشور خود نمایانگر قدرت جاذبه بیش از پیش این سازمان توده ای دربین زنان کشوراست ویکبار دیگر کنفرانس ثابت ساخت زنان باچه شورو شوق برای انجام وظایف بزرگ وخطیری که انقلاب وطن دربرابرآنها قرار داده است از خود آماده گی نشان میدهند •

کنفرانس سر تاسری زنان افغانستان شورای مرکزی جدید س د ز ا را که در بر گیرندهٔ زنان کارگر وکشاورز، زنان روشنفکر وطنپرست اهل کسبه وغیره بود انتخاب نمودو این خود گام مهم وپرارزش بسیج همه نیروهای زنان در تحت رهبری سازمان دمو کراتیك زنـــان افغانستان به مثابه یگانه پیشآهنگ جنبش زنان افغا نستان محسوب میگردد •

اشتراك بیش از (۱۹) سازمان زنان از سر اسر جهان در راس آن فدراسیون دمو ـ کراتیك بین المللی زنان در کار کنفرانس سر تاسری زنان افغا نستان نمونهٔ جدیـــد پیوند ارگا نیك و ناگسستنی زنان جهان بازنان افغا نستان انقلابی بشمار میرود •

اشتراك شخصیتهای برجستهٔ جنبش جهانی زنان (والنتینا نیکـــولایوا ترشکـــوا) عضـو هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و اولین زن کیهان نوردجهان وده هاچهرهٔ برجسته از رهبران نهضت زنان در جهان خود نمایانگر ارزش است که جهان مترقی و صلح خواه به پیکار مردم افغا نستان بخصوص به جنبش زنان آن مبزول میدارند •

کنفرانس سر تاسری زنان افغا نستان نقطه عطف در تاریخ جنبش زن در کشور ما محسوب میگردد که با تدویر آن جنبش دمـو کراتیك زنان افغا نستان وارد مرحلهٔ جدید کیفی تکامل خویش گردید •

بعداز تدویر اولین کنفرانس سر تاسری زنان کشور شورای مرکزی س د ز ا کار وسیع وپرثمری را در بین توده های زنــان انجام داده است •

در سرتاسر ولایــات کشور ومنجمله شهر کابل شیوه های جدید کار تشکیلاتی در عمل پیاده گردیده است که در نتیجه آن شورای های ولایتی (۷) شورای شهری ، (۱۹) شورای ناحیوی ، (۲۰۹) سازمان اولیهٔ زنان ایجادگردیده است • همچنان سترو کتور جدید تشکیلاتی شوراهای ولایتی ، شهری وناحیوی تنظیم گردیده که موافقانه درشهر کابل وولایات بلخ، جوزجان ، هرات ، غور ، قندز ودیگرولایات کشور بکار بسته شده است •

کمیسیون تشکیلات کمیتهٔ اجرائیه سازمان رهنمود های سرشماری اعضای سازمان ، فورم های احصاییوی ، فورمهای ثبت انفرادی ،فورمه های جمع آوری حق العضویتها ، معرفی

خط تدوین شده وبه تمام سازمانها در سرتاسر کشور ارسال گردیده استو سر شماری اعضای سازمان آغاز گردیده است •

پلان کار دورنمای سازمان برای سال ۱۹۸۱ تنظیم شده است • همچنان بودجهٔ سازمان تدوین وتصویب گردیده است •

همچنان سازمان ما بخاطر جلب هر چه بیشتر زنان وطنپرست و مترقی کشور به صفوف سازمان همزمان با کار های وسیع وسیستماتیك جلب و جذب اوراق تبلیغاتی که حاوی پیام به زنان افغا نستان ودعوت آنان بصفوف سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان است تهیه دیده با تیراژ فراوان آماده پخش گردانیده است •

عمارت جدیدی در کابل برای تعمیر سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان اختصاص داده شده است که دارای اطاق بزرگ کنفرانس و همچنان کتابخانه مستقل میباشد •

باساس فیصلهٔ دولت انقلابی ما یکی از سینما تیاتر های مرکزی کابل «زینب ننداری» ودستگاه‌های صنعتی وسوزن دوزی زنان به‌ملکیت سازمان زنان در آمده است •

یکی از جهات محوری کار ما را بر گزیدن دقیق کادر هابه مسئولیت شورا های ولایتی شهری و ناحیوی تقسیم درست کار دربین‌آنان وسیستم آموزش وارتقای سطح دانش تودهٔ آنان تشکیل میدهد• بدین منظور سیمینارسیستماتیك و دوامدار برای اعضای شورای مرکزی ، ولایتی وشهری کابل در چوکات‌شورای مرکزی سازمان تدویر میگردد •

علاوه بر آن برای اعضای شورا های نواحی‌ومسئولین سازمانهای اولیه کورسهای رشد سریع در چوکات انستیتوت علوم اجتماعی کمیتهٔ مرکزی حزب‌دمو کراتیك خلق افغانستان درماه فبروری و مارچ تنظیم گردیده بود •

همچنان کورسهای اختصاصی جهت آشنایی‌باتاریخچه فدراسیون وجهات‌فعالیتها و عملکرد آن طی ۳۵ سال در دو حلقه برای کادر های‌رهبری و فعالین سازمان دایر گردید که‌حلقهٔ وسیع اعضای سازمان‌درآنها اشتراك ورزیدند•

طی مدت بعداز کنفرانس سر تاسری زنان‌افغا نستان سازمان‌استحکام قابل ملاحظه یافته دایرهٔ فعالیتهای آن وسیع گردیده و صفوف‌آن گسترش بی سابقه یافته است•

سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان یکی‌از اجزای متشکله جبههٔ ملی پدروطن بوده (۱۰) تن از اعضای آن در ترکیب کمیتهٔ ملی‌جبههٔ ملی پدروطن بر گزیده شده اند •

سازمان مابه کار سیاسی ، تنویری وآموزش‌دربین کتله های زنان توجهٔ خاصی را مبذل میدارد •

مواد اولین کنفرانس سر تاسری بشکل‌نشریهٔ پرتیراژ ازطبع‌برآمده ودربین توده های وسیع زنان پخش گردیده ، همچنان جهت‌فراگیری این مواد رهنمود ها، پلان سیمینار

های آموزشی ودر سنامه های تنظیم گردید که‌آموز گاران سازما نهای اولیه بعداز شرکت در سیمینار های اختصاصی ودر یافت رهنمودهای معین در سازمانهای اولیهٔ خویش به تدریس آغاز کرده‌اند •

درسنامه ها حاوی مواد ذیل اند :

۱ـ اهمیت تاریخی کنفرانس سر تاسری‌زنان افغا نستان •

۲ـ انقلاب ثور به‌مثابه‌نقطهٔ عطف در تاریخ‌کشورما، فاکتورعمده‌وتعیین‌کننده حل‌مسئلهٔ زن.

۳ـ دفاع از دست آورد های انقلاب ثور وبخصوص مرحلهٔ جدیدتکاملی آن وظیفه مقدس جمهوری دمو کراتیک افغا نستان •

٤ـ اهداف ووظایف سازمان دمو کراتیک‌زنان افغا نستان در شرایط کنونی•

٥ـ جنبش دمو کراتیک بین المللی زنان ،س •د•ز•ا به مثابه عضو فعال فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .

٦ـ نقشی زنان در مبارزه بخاطر صلح وخلع سلاح •

۷ـ کنگره جهانی زنان و هشتمین‌کنگره فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان

۸ـحل‌مسئله‌زن در کشورهای‌سوسیالیستی

۹ـتاریخچه کنگره های‌ف•د•ب•ز •

۱۰ـ حل مسئله زن در شوروی و دیگردرسنامه ها .

امسال بشکل بی سابقه هشتم مارچ روزبین المللی زن در سر تاسر کشور برگزار گردید •

تنهادر شهر کابل بمناسبت بزرگداشت از ین جشنواره باعظمت (۱۸) میتنگ وسیع وبزرگ تشکیل گردید •و(۷۰۰) زن شایسته‌که کارو تلاش شان در زندگی اجتماعی و جبهات تولیدی برای همه مثال وآموزنده بوده‌است ، برجسته گردیده ومورد تقدیر قرار گرفتند • جشنواره‌های باعظمتی بدین مناسبت‌در ولایات بلخ، ننگرهار ، جوزجان ، هرات قندز ، غزنی ، فاریاب، سمنگان، بغلان ودیگر ولایات کشور تدویر گردید •

به افتخار هشتم‌مارچ‌اولین نمایشگاه‌صنایع‌ومحصولات ساختهٔ دستان زنان درکابل افتتاح گردید که مورد توجه و علاقمندی فراوان‌قرارگرفت •

کار وسیعی را سازمان دمو کراتیک زنان‌افغا نستان در جهت شرکت هر چه فعالترو گسترده تر زنان در جشن سومین سالگرد انقلاب ملی و دمو کراتیک ثور انجام داده است ، سهم زنان در رژه های زحمتکشان‌قابل ملاحظه بوده است •

تزیین ودیکور گروپهای تظاهر کنند گان نمایشگر نقش عظیم‌زنان افغا نستان در عرصه های مختلف زندگی مردم ، افاده گر روحیهٔ‌همبستگی زنان کشورمابا خلقها وزنان آسیا، افریقا ، امریکای لاتین وهمه آنانیکه بخاطرآینده مسعود کودکان ، صلح وترقی میرزمند

بوده وسهم فعال زنان افغانستان رادر جنبش مترقی و دموکراتیک بین المللی زنـان تمثیل مینمود .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان درهمکاری با مرکزفرهنگی اتحاد شوروی محافل لکچرها وملاقاتها تنظیم نموده است .

شورا های مرکزی ،ولایتی وشهری سازمان ماازوسایل ورسانه های جمعی استفاده وسیع بعمل میاورند چنانچه درین اواخر مجلهٔ «زنان افغانستان» به نشرات خویش آغازکرده است .

همچنان از طریق رادیو پروگرامهای خاص تنویری و آموزشی برای زنان تهیه و نشـــر میگردد . اعضای سازمان مادر ترکیب میزهای مدور اشتراک ورزیده از طریق رادیو وتلویزیون واقعیتهای زندگی زنان کشور، سهم آنانرادر انجام دگرگونیهای اجتماعی ، اقتصادی ودفاع از دست آورد های انقلاب ثور و بخصوص مرحلهٔ جدید تکاملی آن باز گو مینما یند .

شورا های ناحیوی وسازمانهای اولیه بطور منظم جراید دیواری تهیه مینمایند .بطور مثال در چوکات شورای ناحیهٔ پنجم وسازمانهای اولیهٔ مربوط آن ، این ما مول به طور گسترده بر آورده میشود . بانشر جراید دیواری اختصاصی ، دیواری در موسسات مختلف بطـور مثال ، سیلوی مرکـز ، پولـی تخنیک ،ترانسپورت زمینی وغیره تحت عناوین نقش زنان در تولید ،زنان پاسداران صلح اند ، صدای زن ... زنان رادر ارتباط وسائل هاوو ظایف شان دربرابر وطن ، دست آوردهای بشریت نیاز مندی به تحکیم صلح وتامین سعادت کودکان آگاهی میدهد .

سازمان مابه منظور انجام کـار تنویـــری شیوه های مثمر دیگر را نیز بکار میبندد . با تشکیل کورسهای هنری مـانند کورسهـای رسـامی ، خطاطی ، سوزن دوزی ، در تشکل وبلند بردن سطح دانش مسلکی زنان نقش قابل ملاحظه را دارا میباشد .

یکی از جهات عمدهٔ دیگر کار سازمان ماشرکت فعال آن درپروسهٔ همگانی مبارزه با بیسوادی است . به ابتکار سازمان ما کارو سیع درین جهت تحت شعار «هر باسواد دو بیسواد را خواندن و نوشتن میآموزد» آغاز گردیده است(۱۵۰) کورس سواد آموزی توسط شورا های سازمان ما تشکیل گردیده است ، همچنان بازنان کار انفرادی باساس محل زیست شان دراین جهت نیز صورت میگیرد .

همچنان اعضای سازمان در کورسها ی اختصاصی تدریس میشوند تا با شیوه های کار در بین زنان بیسواد وترویج سواد دربین آنان آشنا شوند .

باید متذ کر شد که تدریس درین کورسها با انجام کار تنویری و آموز ش سیاسی همراه میباشد . که در ارتقای سطح آگاهی سیاسی واجتماعی زنان خیلی موثر واقع میگردد .



یک نمونه از تظاهرات خیابانی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از پیروزی انقلاب.

اکثریت زنان بعداز ختم این کورسها به صفوف سازمان می‌پیوند ند • بطور مثال در ولایت غزنی از جملهٔ (۱۳۰) زن سواد آموز(۲۲) تن آن در خواست عضویت در سازمان را نموده اند ، چنین مثالهایی کم نیست •

گسترش وسیع کار سیاسی وتوده ای‌دربین‌زنان ، تشکل واستحکام پایه های اجتماعی سازمان مارا تامین نموده ، نقش زنان رادرانجام دگر گو نیهای بنیادی در جامعه و دفاع از دست آوردهای‌انقلاب ثور ارتقاء میبخشد•

زنان کشورمابادلیری وسر سپردگی حماسه‌زابه جبهات گرم وپیکار رویا روی بادشمن رفته در پهلوی شوهران ، فرزندان ،برادران‌وپدران خویش در عملیات محو قطعی ضد انقلاب قهرمانی های فراوان بجا گذاشته اند•

نام های پرآوازهٔ دختران جوان چون فاضله،شمیره ولطیفه‌برای‌همه‌آشناوقابل احترام است • آنان گلهای ناشگفته هستی خویش را در پای‌انقلاب ریخته وجاویدانه گردیده اند •

بخاطر بزرگداشت قهرمانی های این‌شهدای راه مردم پوستر های اختصاصی عنقریب انتشار خواهد یافت •

شورای مرکزی سازمان ما جهت انجام کارتبلیغی ، احیای سازما نهاو سهم گیری در عملیات پاك کاری ولایات از وجود دشمنان‌مردم گروپهای اعضای خویش رابه ولایات کشور اعزام نموده است • که نتایج کار آنان‌از طرف ارگانهای محلی حزبی عالی ارزیابی شده است •

سمت اساسی وعمدهٔ کار سازمان ماراشرکت‌در جنبش دمو کراتیك بین المللی زنان بخاطر صلح ، ترقی اجتماعی واستقلال ملی تشکیل‌میدهد •

سازمان مابه مثابهٔ عضو فدراسیون همه تلاشهای خویش را بکار بسته است تابا همه سازمانهای ملی عضو فدراسیون تماس نزدیك‌ودوستانه بر قرار نماید •

در حال حاضر سازمان مابا (۳۶) سازمان‌ملی و منطقوی زنان مناسبات نزدیك دوستانه داشته و هم با سازمانهای بین المللی مانندسازمان ملل، یونسکو ویونسیف تماس وروابط همکاری ایجاد نموده است •

بعد از تدویر کنفرانس سر تاسری زنان‌افغا نستان در ارتباط با استحکام مواضع انقلاب ، واقعیتهای زندگی زنان کشور ،نقش‌زنان در ساختمان جامعهٔ نوین مواد تهیه وبه سازمانهای زنان جهان ارسال گردیده است•

هیأت نمایندگی سازمان ما در کار دومین‌کنگرس فدراسیون ملی زنان کوبا ودهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هند، همچنان درجلسهٔ بیروی فدراسیون دموکراتیك بین‌المللی

زنان وکنفرانس کوپنهاگن جلسات پارلمان‌صلح جهانی در صوفیه و جلسهٔ بیروی سازمان همبستگی خلقهای آسیاوافریقا درعدن اشتراک‌ورزیده اند •

نمایندگان سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در مارچ سالجاری مهمان سازمانهای ملی زنان مکسیکو وکوبا بوده‌اند •

همچنان هیات دیگر سازمان در ماه جون‌جهت فرا گرفتن ومطالعهٔ تجارب اتحادشوروی در ارتباط باحل مسألهٔ زن به ویژه در جمهوریهای آسیای میانهٔ شوروی از کشور شوراها بازدید بعمل آورده است

هیات سازمان مادر کار کنفرانس نقش کلچر در پرورش اطفال و نو جوانان منعقدهٔ صوفیه اشتراك ورزیده است •

زنان افغانستان از پیشنهادات ابتکاری‌صلح آمیز اتحاد شوروی باشعف وشور انقلابی قاطعانه پشتیبانی مینمایند •

پیام کمیتهٔ زنان شوروی به زنان جهان‌که حامل وانعکاس دهندهٔ این پیشنهادات بود در جریدهٔ«حقیقت انقلاب ثور» نشر گردید•

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با ارسال پیام جوابیهٔارادهٔخویش‌رامبنی براشتراك فعال در مبارزهٔ خلقها بخاطر صلح باقاطعیت‌ابلاغ داشته است •

سازمان ما از مبارزهٔ عادلانهٔ زنان‌جهان بخاطر آزادی ، مساوات ، زندگی بهترتامین سعادت کودکان پشتیبانی نموده وخودرامستقیما دراین مبارزه سهیم میداند •

روحیهٔ همبستگی سازمان ما باز نان رزمنده‌جهان در پیکار عادلانهٔ شان علیه استعمار، تبعیض نژادی ، استثمار،امپریالیزم واپارتاید‌در پیامهای سازمان ما عنوان زنان اسلوادور، چلی، کوریای جنوبی ، گرینادا وانگولاوسیعاً انعکاس یافته است •

سازمانهای اولیهٔ س •د•ز•ا وبه صورت‌مجموع دربین توده های زنان همین اکنون کمپاین وسیع تبلیغی به پیشواز هشتمین کنگره جهانی زنان واهداف‌آن آغازگردیده‌است. کمیته ملی جهت تدارکات برای کنگرس‌ایجاد گردیده است سیمینار ها ی متعدد برای فعالین و کادر های سازمان درین ارتباط‌تدویر گردیده است •

در بارهٔ کنگره‌واهداف‌آن‌فعالیتهای فدراسیون‌وتاریخچه مبارزات پر ثمر آن مواد آموزشی تهیه‌وبه‌ولایات وشوراهای نواحی ارسال‌گردیده‌است وهم درمکاتب‌دختران بصورت حتمی این مواد تدریس میگردد • کمیتهٔ ملی تدارك کنگره هشتم جهانی‌زنان مصمم است پروگرام های خاص رادیویی وتلویزیونی بدین مناسبت‌در آینده خیلی نزدیك تنظیم نماید •

در جراید کشور منجمله جریدهٔ «حقیقت‌انقلاب ثور» ستون خاصی تحت عنوان به پیشواز کنگرهٔ هشتم‌جهانی‌زنان ایجاد میگردد•

بعداز کنفرانس سر تاسری زنان افغانستان کمیسیو نهای امور تولیدی شورا های مربوطهٔ سازمان کاروسیع سازماندهی‌را انجام داده‌انددربسیاری از فابریکه ها وموسسات تولیدی شرایط کار زنان مطالعه شده است •

به افتخار روزجهانی‌کودك به ابتکارومصرف‌سازمان مغازهٔ فروش کالا های مورد نیازاطفال افتتاح‌گردید . پول که ازین مدرك جمع‌آوری میشود به فامیلهای شهدای راه انقلاب مدد میگردد •

عنقریب اولین کلوب زنان در کابل افتتاح‌خواهد شد •

در یکعده از ولایات کشور مانند بلخ ، ننگرهار ، جوز جان ، لغمان ، کلوبهای ایجاد شده و موفقانه فعالیت مینماید •

جهت ارتقای سطح دانش مسلکی زنـــان‌در بسیاری از نواحی کورسهای اختصاصی ایجاد شده است •

سازمان در جهت تامین همه جانبه حقوق‌اجتماعی زنان حمایهٔ طفل ومادر بادولت انقلابی ما همکاری همه جانبه به عمل میاورد درچوکات‌کمیسیون امور اجتماعی سازمان کمیتهٔ زنان حقوقدان ایجاد گردیده است که دوسیه های‌یکعده زنان محبو س را آرزیابی نموده ودر جهت رهایی آنان از قید بامقامات مسوول‌به‌تفاهم رسیده اند • به افتخار (۸) مارچ یکعدهٔ آنان مورد عفو قرار گرفته‌وازبند رها گردیدند

همچنان شرایط زندگی اطفال وزنان در مرستون ودارالتادیب مورد مطالعه قرار گرفته وششصدوسیزده مستحق ازکمکهای مادی کشورهای دوست مستفید گردیده اند .

از خانواده های شهدای راه انقلاب عیادت‌بعمل آمده وبه (۲۰۰) خانواده کمك مادی شده است •

به ابتکار سازمان کنسر تهایی به اشتراك‌هنر مندان کشور تنظیم گردیده است که‌پولی جمع شده ازین مدرك‌به‌صندوق معیوبین انتقال‌یافته است • همچنان در تنظیف وپاك کاری شفاخانه ها و کودکستانها اشتراك میورزد .در ختم سالجاری پلینوم شورای مرکزی دایر خواهد شد که نتایج کار سازمان را جمع‌بندی‌نموده وظایف بعدی را مشخص میسازند •

سازمان مابه مثابه یگانه سازمان توده ای‌دموکراتیك وکتلوی در کشور که بخاطر انجام وظایف تاریخی و مشترك گروه های وسیع‌زنان کشور را صرف نظر از موقف اجتماعی ووابستگی های قومی ، قبیلوی ، معتقدات مذهبی واید یولوژیك وسیاسی جهت مبارزه وکار مشترك بخاطر دفاع‌ازوطن ، تامین حقوق‌زنان ، حمایه کودکان ، دفاع از مواضع‌صلح،

دمو کراسی واستقلال ملی به‌صورت داوطلبانه‌در صفوف خویش متشکل میسازد ، وظیفهٔ خود میداند تابطور دوامدار و خستگی ناپذیردر جهت توحیدوتشکل همه زنانیکه حاضرند به مبارزهٔ مقدس بخاطر دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور علیه ارتجاع و امپریالیزم بپا خیزند ، تلاش میورزد •

سازمان دمو کراتیک‌زنان افغا نستان پرور شگاه زنان وطنپرست باروحیه آگاهی اجتماعی احساس مسوولیت‌دربرابر مادروطن وسهمگیری‌درپروسهٔ تکامل‌انقلابی‌جامعهٔ ما‌احترام‌وپاسداری از گنجینه های فرهنگی مردم افغا نستان ،پابندی به سنن عالی واحترام به عقاید مذهبی مردم مامحسوب میگردد. واز امکانات دورنمای‌وسیعی که پیروزی انقلاب ثور در برابر مردم ما گشوده در جهت رهایی زنان از قیدستم وطرد بقایای نظام فیودالی و مبارزه با ـ برخوردارتجاعی در قبال نقش زنان در جامعه‌وخانواده استفاده همه جانبه نموده ودر رفع عقب ماندگی اجتماعی زنان با جلب آنان به‌زندگی سیاسی تولیدی وفرهنگی همکاری بعمل میاورد •

سازمان دمو کراتك زنان افغا نستان وظایف‌مشخص ذیل رادر برابر خود میگذارد :

درارتباط با تضمین حق زن به مثابه مادرانسان زحمتکش وتبعهٔ افغا نستان :

تامین حق کارودستمزد مساوی بامرد در برابر کار مساوی ، ایجاد شرایط لازم بخاطر جلب زنان به کار تولید اجتماعی از طریق‌ایجادورکشاپها ، دستگاه هاو موسسات صنعتی مخصوص زنان •

بهبود شرایط زندگی زنان دهقان وتامین‌پرداخت دستمزد در برابر کار آنان •

تکامل بعدی قوانین در ارتباط بامراقبت ازکار وصحت زنان ، تأمین حق رخصتی قبل و بعد از وضع حمل برای همه زنان کارمند وزحمتکش با حفظ دستمزد وایجاد شبکه های وسیع خدمات بهداشتی و صحی برای زنان‌واطفال •

توسعهٔ پروسهٔ سواد آموزی در بین زنان‌وایجاد شرایط مساعد برای زنان و دختران در جهت کسب تحصیل و دانش حرفوی •

در ارتباط با حمایهٔ کودك :

ـ ایجاد شرایط مساعد زندگی برا ی‌همه کودکان، دفاع ازآنان دربرابرامراض، فقرو دیگر فاکتور های ناگوار که از گذشته برای‌مابه میراث مانده است •

ـ مواظبت جدی ازوضع صحی اطفال، ایجادوتوسعهٔ شبکه های خدمات رایگان صحی و بهداشتی برای کودکان •

-همکاری به منظور ارتقای سطح مـــادی‌فامیلها ، تربیه اطفال ، تامین حق تحصیل و کسب مسلك برای اطفال به زبان مادری بدون تبعیض نژادی ملی و جنسی .

-تامین طرق استفادهٔ وسیع از رادیو ، تلویزیون ودیگر وسایل ارتباط جمعی جهت تربیت اطفال باروحیهٔ وطنپرستی، صلح جویی‌ودوستی و همبستگی خلقها .

در ارتباط بادفاع از صلح‌پایـداروتحکیم استقلال ملی:

خواسته های زنان افغا نستان رادر ارتباط‌بادفاع از صلح ، تامین خلع سلاح عام و تام و خاتمه بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی وخطرات‌جنگ سوم جهانی انعکاس وسازمان میدهد .

مناسبات همکاری نزدیك را باشورای صلح‌افغا نستان ایجاد وتحکیم میبخشد .

به مثابهٔ عضوفعال فدراسیون دموکراتیك‌بین المللی زنان در کار زار های تبلیغاتی ، کنگره ها، اسامبله های جهانی و منطقوی، حلقه های جهانی اشتراك میورزد .

استحکام همبستگی عمیق وپشتیبانی اززنانیکه یکجا بطورمساویانه بامردان بخاطر آزادی واستقلال ملی میرزمند ، ویکجا باهمه خلق افغا نستان به طور خستگی ناپذیـر در جهت عادی شدن اوضاع درقارهٔ آسیا، تحکیم‌مناسبات‌حسن همسایگی و همزیستی مسالمت آمیزبین کشور ها به منظور مبدل ساختن منطقه بحرهند‌وخلیج فارس به منطقه صلح و دوستی تلاش میورزد

تحکیم مناسبات دوستی و همکاری بازنان‌شوروی ودیگر کشور های سوسیا لیستی‌وهمه سازمانهای دمو کراتیك زنان ونیروهای مترقی‌جهان ، به منظور آشنایی وآگاهی بیشتراز کار ، زندگی وتجربهٔ زنان در ارتباط باحل‌مسایل وپرابلم های مربوط به زنان دراین کشور ها .

جهات اساسی فعالیتهای سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان :

تحقق اهداف وآرمانهای فوق راکار دراین ساحات میسر میسازد :

کار جدی به منظور جلب زنان به ساختمان‌جامعهٔ نوین ، مواظبت ومراقبت از شرایـط کار وزندگی زنان ، بهبود توسعهٔ مراکز تغذیه‌دسته جمعی و مراکز صحی وغیره .

تشدید کار پرورشی دربین زنان وجلب‌آنان به زندگی اجتماعی‌وبه‌این منظور در جنب شوراهای سازمان مراکز وکلوپ هابرای زنان‌ایجاد میگردد .

به منظور مبارزه باعواقب واثرات منفی‌رژیم‌های گذشته کورسهای متنوع‌ازقبیل کورسهای برش خیاطی ، تدبیر منزل ، آشپزی ،وقایه وحفظ الصحه و همچنین مراکز مشورتی حقوقی، پیدا گوژیك وطبی ایجاد میگردند .

یکجا بااتحادیه های کارگری وارگانهاومقامات مسئول به منظور کمك به مـادران و تربیـــهٔ اطفـــال بـــه مـــرا جـعمربوط پیشنهاد تکمیلی و تکامل‌بعدی قوانین کاروکارگر و حمایهٔ مادر و طفل را ا را ئـــه‌می دارد در تو سعهٔ شبکه های خدمات‌آموزشی وصحی برای اطفال همکاری می نماید .

اتخاذ تدابیر لازم بمنظور ایجاد شرایط لازم‌کار برای زنان و اشتراك در کمپاین محـــو بیسوادی وار تقای سطح دانش عمومی‌وحرفوی‌زنان .

کنترول و تطبیق قانون کار و کارگر درمورد کارزنان یکجا بااتحادیه های کارگری‌وجلو – گیری از گماشتن ز نان به کار های شا قه .

سهمگیری فعال در کار فد راسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان بخاطر تدویرسیمینار های منطقوی و بین المللی در ارتباط‌بامسایل‌دفاع از صلح ، حقوق زنان و حمایهٔ کودکان.

تبادل نمایندگان و همکاری متقابل بخا طرمطالعه و بر رسی تجارب کار در بین ز نان وارتقای فعالیت های اجتماعی و سیاسی زنان.

توحید و ساز مان دادن ز نان در مبارزه‌بخاطر صلح ، خلع سلاح ، دیتانت و منـــع استعمال سلاح ذروی و تحکیم ا ستقلال ملی‌کشورها و بر گزار نمودن و تنظیم جلسا ت واجتماعات ز نان و صدور ابلا غیه هاوتصامیم‌در موارد مشخص مربوط به‌فعالیت‌های‌سازمان.

انعکاس مو ضع گیری و مو قف ز نـــان‌افغانستان از طریق رادیو و تلویزیون ودیگر وسایل ار تباط د سته جمعی در قبال پرابلم‌های حاد و دستور روز ما و فعالیت های زنان افغان جهت تحکیم همبستگی و و حدت نیـروهای مترقی در مبارزه بخاطر د فاع از موا ضع صلح و رفع تشنج .

ساختار تشکیلاتی سازمان دموکراتیك زنان افغانستان:

عالیترین مقام ساز مان دمو کراتیك ز نان‌افغانستان کنگره است که هر سه سال‌یکبار دایر می گردد . کنگره پرو گرام فعالیت های‌ساز مان را تصویب وو ظایف آ نرا مشخص میسازد ، از بین نمایندگان ، کنگره شورای‌مرکزی را انتخاب و گزارش آ نرا استماع‌نموده فعالیت های ساز مان را مو رد بر رسی قرارمی‌دهد .

در فاصلهٔ بین دو کنگره شورای مـر کزی‌عالیترین مقام ر هبری کنندهٔ ساز مان بشمار می‌رود ، شورای مر کزی در برابر کنگر ه مسئولیت دارد و شیوه ها و طرق کار راجهت تحقق فیصله ها و تصا میم کنگره جستجـــو‌نموده فعالیت کمیتهٔ ا جرائیه را رهبری‌وکنترول می نماید .

سا ختار تشکیلاتی اپرات شورای مر کـزی‌را تعیین و فعالیت آ نرا ر هبری می کند . در برابر ار گانها و مو سسات دو لتی وهمچنان‌دیگر ساز مانهای اجتماعی از ساز مان دمو –

کراتیک ز نان نمایندگی نموده وارتباط سازمان را با مجامع بین المللی و ساز مان هـا ی دموکـراتیک ملی زنـان کشور های دیگـر تامین می نماید .

در فاصلۀ بین دو جلسه شورای مر کـزی کمیتۀ اجرا ئیه فعالیت های ساز مان د مو- کراتیک ز نان افغانستان را رهبری می نماید. کمیته اجرائیه کمیسیونهای دایمی سازمان را ایجاد می کند .

مسئو لین کمیسیونها می توانند از بیـن اعضای شورای مر کزی ا نتخاب گر دند .

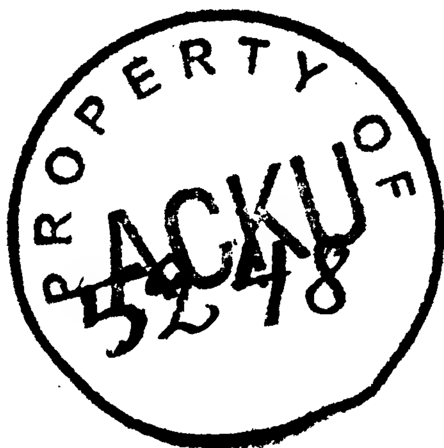
در ولایات بخشهای ولایتی سازمان فعالیت می نمایند . درراس این بخشها شورا هـای ولایت قرار دارد . اعضای شو راهادرکنفرانس ولایتی زنان انتخاب می شوند .

شورا ها جهت پیشبرد فعالیت های خویش به حلقه های و سیع فعالین ساز مان ا تکـاء دارد .

میتود ها و شیوه های کار ساز مـانی و تشکیلاتی ساز مان دمو کراتیک زنان افغا نستان در نواحی و نقاط مختلف کشور با در نظـرداشت شرایط مشخص ز مانی و مـکانـی و خصوصیات و ضع زن ا هداف و و ظایف جنبش دمو کراتیک ز نان تعیین میگردد .

ساز مان دمو کراتیک ز نان ا فغا نستان بمنظور تحقق ا هداف و و ظایف خویش بـا ساز مان دمو کراتیک جوانان، اتحادیه هـای کارگری و دیگر ساز مانهای اجتماعی همکاری می نماید .







مارش خیابانی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از انقلاب .



یک خاطره از کنفرانس سر تاسری زنان افغانستان



یك صحنه از مارشهای ظفرنمون سازمان دموکراتیك زنان افغانستان قبل از انقلاب ثور

Women International Democratic Movement In the Present Stage

Author : Nelofer

October 5, 1981
Government Printing Press
KABUL-AFGHANISTAN